

یہود

دانشوران پر وقتکل



ترجمہ: یہراہ محسن پور
لکھیم: سید حسین نجفی بڑی

Gisoom

پروتکل

دانشوران یهود

تهیه و تنظیم

سیدحسین نجفی یزدی

شابک ۹۶۴-۹۴۴۸۴-۶-۲ ISBN-۴۶۹-۴۸۴۴۹-۲

حق چاپ محفوظ است

اسم کتاب پروتکل دانشوران یهود

تنظیم سیدحسن نحفی یزدی

ترجمه بهرام محسن پور

حروفچینی و صفة آرایى: آمنه الهاشمى

ناشرانتشارات ناظرین

نوبت چاپ اول

تاریخ تاریخ نشر: تابستان ۱۳۸۲

شمارگان ۵۰۰۰ نسخه

قیمت ۶۰۰ تومان

مرک پخش

قم- بلوار امین - صفاشهر - ۱۵ متری اول - پلاک ۳۶

مدرسه فیض کاشانی تلفن: ۲۹۳۱۶۲۱ - ۰۲۵۱

قم خیابان ارم - پاشاژ قدس پلاک ۱۴۷ - تلفن ۷۷۴۴۸۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروتکل های حکمای یهود

یکی از حیرت انگیزترین؛ عجیب ترین و خطرناکترین کتاب (پروتکل های حکمای یهود) است! شما هنگامیکه این کتاب را مطالعه کنید؛ حتماً متوجه خواهید شد همین یهودیکه آنها را مردم سالم! و بی آزار فرض کرده بودید؛ این کتاب؛ مجموعه ای از سنخ‌رانی های یک شخصیت برجسته یهودی که برچندتن از ثروت مندان و افراد با نفوذ یهود؛ ایراد کرده است! پنجه های خونین از پشت صفحات کتاب بخوبی پیداست و صدق گفتار (اوسکار لیفی) یهودی که میگوید: (پادشاهان؛ و اخلاص گران؛ فتنه انگیزان؛ و جلادان جهان ما هستیم) از این کتاب بخوبی معلوم میگردد

از آیه اله سید محمد حسینی شیرازی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَّيْنَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (٨٢)

(از قرآن کریم وحی منزل کتاب آسمانی ایه ٨٢)

ترجمه: بطور مسلم؛ دشمن ترین مردم نسبت بمؤمنان را؛ یهود و رامشركان را خواهی یافت؛ و نزدیک ترین دوستان بمؤمنان را کسانی را می یابی که میگویند: (مانصاری هستیم) این بخاطر آن است که در میان آنها؛ افراد عالم و تارک هستند و آنها (در برابر حق) تکبر نمی ورزند!

قرآن مسیحان را افراد رئوف و نزدیک بمسلمین معرفی میکند و به عکس؛ یهود را اشد عدو می شارد و علت مهربانی نصاری را تواضع و رهبانیت (دوری از دنیا) میداند؛ بنابراین میتوان نتیجه گرفت که علت دشمنی یهود؛ تکبر؛ و حب دنیا و ریاست طلبی است! ریشه همه ظلم و تعدی در انسان؛ ناشی از احساس حقارت است و این احساس منشئت گرفت از عدم دسیابی بچیرهایی است که انسان آنها را مایه عزت و بلند میداند!

یهودیان که خود را یگانه خلقت میدانند و به این آرزوی ناحق و نادرست خود نرسیده اند؛ خود را تحقیر شده می بینند؛ از این رو هر زمانی که قدرت پیدا کردند؛ ظلم و تعدی بسیار و بی رحمی های فراوان و فجیعی را مرتکب شده اند و هرگز بحق خود قانع و پای بند نبوده اند!

البته تعدی آنها نه تنها را به آرزوی خود نزدیک نکرده؛ بلکه باعث متفرق شدن هر چه بیشتر و از بین رفتن آنها گردیده است! از رو یهود با در بدر؛ متفرق؛ ذلیل؛ ترسو و بدبخت بوده اند یا ظالم؛ بیرحم؛ متهدی؛ زورگو و ناحق شده اند!

این اخلاق؛ اختصاص بقوم یا فردی ندارد؛ مربوط به انسان است! هر انسانی که این اخلاق را داشته باشد؛ عاقبتی مانند عاقبت یهود خواهد داشت؛ والی قوم یهود این اخلاق را پذیرفته و به آن پای بند شده؛ خود را اینگونه باور داشته و معرفی نموده اند!

گور استاولوبون فراسوی میگوید: اگر بخواهیم صفات یهود را در چند کلمه خلاصه کنیم؛ باید بگوییم: یهود مانند انسانهایی هستند که تازه از جنگل داخل شهر شده اند و همیشه از صفات انسانی بی بهره بودند؛

چون پست ترین مردم روی زمین زنگی میکنند (۱)
(بنی اسرائیل؛ همیشه مردمی وحشی؛ سفاک و بی غیرت بوده و حتی در زمانی که خود آنها بر کشورهای خود حکومت می میکردند؛ باز هم سفاکی خود دست برنداشته اند؛ بی پروا

داخل جنگ شده و چون از پای در آیند؛ بیک مشت خیالات غیر انسانی و بی اساس پناه می برند؛ خلاصه آن که هیچ فرقی میان آدمیان یهود؛ و حیوانات یهود؛ نمی توان گذاشت (۱)

قساوت و توحش (۲)

قساوت قلب؛ سنگ دلی آنها را تاریخ در تما اعصار و ادوار خود کرده است!

کاسیوس در کتاب ۸۷ خود در فصل سی و دو در حوادث سال ۱۱۷ م؛ می نویسد: «... مطابق همین تاریخ در (CYeNe)-کناره دریای طرابلس غرب برهبری «اندریا» برای کشتن رومی ها و یونانی ها خروج کرده و همه را از دم تیغ گذرانید سپس خونهایشان را آشامیده و گوشت هایشان را خوردند؛ سرواستخوانهایشان را قطعه قطعه کرده و بسگها دادند!

خیلی هارا مجبور کردند که یک دیگر را چون حیوانات بکشند! تعداد کسانی که در این کشتارگاه بقتل رسیدند بدویست و بیست هزار نفر رسید...» و همانند همین کشتار را نیز در مصر و قبرس برهبری (artemion) تکرار کردند و در آن بیش از دویست و چهل هزار نفر بقتل رسانیدند: «و در سافیل واقع در اسپانیا؛ یکصد و سی و هشت مسیحی را بیکی از مقابردور از شهر برده و آنها را با گلوله مجروح کردند! سپس همه را زنده دفن کردند؛ ببطوری که دست و پایشان بروی زمین ظاهر بود»

۱؛ همان کتاب ص ۵۸

۲؛ اکثر عبارات برگرفته بر کتاب دنیا بازیچه یهود؛ ترجمه سید هادی مدرسی است!

البته این قساوت قلب برای یهود؛ تازه و کهنه ندارد و حتی در دره‌مین جنگ اخیر مسلمانان و اسرائیل؛ هنگامیکه آنها بر بیت المقدس چیره شدند؛ بیکی از قریه‌های قریب شهر هجوم برده؛ مردم بیگناه؛ از ترس بمسجد پناه بردند؛ ولی مگر یهود مسجد می فهمند؟ درست چون همه مردم داخل مسجد شدند هیلی کوپتری بر فراز مسجد ظاهر گشته و دهاتن مواد منفجره بر مسجد ریخته و آن را باتمام پناهندگانش آتش زدند (۱)

کشتن انبیاء الله

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾

(قرآن کریم السوره بقره آیه ۸۷)

ترجمه: الله سبحان فرمود: و بدر سیتکه بموسی کتاب تورات را دادیم و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم و او را باروح القدس تایید کردیم پس چرا هرگاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما یهودیان نبود برایتان آورد تکبر ورزیدید گروهی را دروغگو خواندید؛ و گروهی را بقتل رسانیدید و کشتید!

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُوْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا وَإِنَّا لَكَاْفِرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ (قرآن کریم السوره البقره آیه ۹۱)

ترجمه: الله سبحانه فرمود: وقتیکه بهیویان گفته شود به آنچه الله قرآن را نازل کرده ایمان آورید میگویند: ما به آنچه بر خود مان نازل شده ایمان می آوریم؛ و غیر آن را با آنکه کاملاً حق و مؤید همان چیزی است که با آنان بوده است؛ کافر میشوند و وانکار میکنند ای محمد بگو: اگر مؤمن بودید پس چرا پیش از این قرآن؛ پیام آوران الله را میکشتید و بقتل رسانیدید!

عجیب است آنکه کشتن پیام آوران؛ آن قدر در بین یهودیان معمولی شده بود که صورت طبیعی بخود گرفته بقود چنانچه در روایات است که: «یهودیان؛ ما بین طلوع فجر؛ تا طلوع آفتاب هفتاد پیام آور را سر می بریدند؛ و سپس دکانهای خود را باز میکردند مثل اینکه هیچ کاری نکردند» (کتاب قصص الانبیاء)

از جمله پیام آورانی که بدست آنها بقتل رسیدند «یحیی» و «زکریا» بودند که فقط بخاطر آنکه آنها را از فحشاء و منکرات منع میکردند؛ مستحق قتل شدند»

چنانکه میخواستند هاورن را بقتل برسانند!

و برای عیسی مسیح چوبه ای دار نصب کردند!

و همه بزرگ تر محمد رسول الله (ص) پیام آور اسلام را شهید کردند؛ چنانکه در تاریخ مینویسند:

پس از فتح «خیبر» همسر «سلام بن مشکم» یهودی که ظاهراً اسلام آورده بود طعامی از گوشت سردست گوسفند مهیا کرده بخومت رسول الله فرستاد پیام آور که هیچ وقت عادت نداشت غذا را تنها میل کند «بشرین براه» را دعوت کرد بش هم دست برد؛ و قطعه از آن گوشت را تناول کرد؛ اما همینکه پیام آور گوشت را درد هان داشت و مقداری از آن جوید؛ یک مرتبه لقمه را از دهان انداخته؛ و فریاد زد؛ «بخدا قسم که این گوشت بمن خبر میدهد که مسموم است» آن زهر آن قدر قوی بود بود؛ که بشر را در جام مسموم نمود و رسول الله را پس از چند هفته شهید کرد (۱)

جنایات یهود- ۲

یهود؛ مادامیکه خود را «ملت برگزیده خداوند میدانند» و بقیه را «انسانها» میبینند؛ از ارتکاب هیچ جرن و جنایت مضایقه نکرده و بهر عملی ناشایست و خطرناک دست می زند؛ بنابراین نباید تعجب کنیم که دو عید مقدس یهود؛ بدون تناول خون غیر یهود تمام نمیشود!

۱- عید یوریم در مارس ۲- عید فصیح در آوریل (۲)

هر سال افرادی غیر یهود؛ قربانی دو عید مقدس میشوند! برای نمونه این قصه توجه فرماید: «بطوریکه همه روزنامه ها

۱- علماء الاسلام من اليهود ص ۲۹؛ مغروف این است رسول الله (ص) فرمود «این بیمار از آثار غذای مسمومی است؛ که آن زن یهودی پس از فتح خیبر برای من آورد!

۲- «سیر ریچارد بورتون» یهودی در کتاب خو یهود ۰۰۰ نور اسلام» ص ۸۱ می نویسد «تلمود میگوید: ما را دو مناسبت خونین است؛ که در آنها یهود خداوند از ما راضی میشود؛ یکی عید خمیر ممزوج بخون و دیگری دیگری مراسم ختنه کردن فرزندانمان!

نوشتند؛ روز چهارشنبه سال ۱۸۴۰م؛ کشیش ایتالیایی آقای «اپ فرسوانتون توما» به اتفاق خدمت کار خود «ابراهیم» از خانه بیرون آمده و ناپدید میشوند»

«پس تحقیق و جستجوی شدیدی که از طرف ملت و دولت شروع شد؛ معلوم میشود که کشیش بیچاره بدست یهود بقتل رسیده است!»

«سلیمان سر تراش که از متهمین بود؛ در اعتراف خویش چنین داشت: نیم ساعت از مغرب گذشته بود که خدمتکار داود هراری داخل شده؛ درخواست کرد فوراً خود را بخانه داود برسانم؛ من هم فوراً خود را بمنزل داود رساندم؛ یوسف لینیوده خاخام موسی ابوالعافیه؛ خاخام موسی بحوریودا مسلونکی و داود هراری که (صاحب خانه) جمع بودند؛ من بمجرد آن آنکه داخل خانه شدم و کشیش «توما» را دست و پا بسته دیدم؛ فهمیدم برای چه مرا احضار کردند!

خلاصه؛ پس آنکه داخل شدم درهای منزل را بسته؛ طشت بزرگی حاضر کرده و از من خواهش کردند که اورا بکشم؛ ولی من امتناع کردم! داود گفت: پس تو و بقیه سرش را رابرطشت نگان دارید تا ما کارش رایک سره ساریم!

در این وقت کشیش را پیش آورده؛ محکم بر زمینش زده بی آنکه قطره ای از خونسش بر زمین بچکد؛ سرش را جدا کردی!

بعد جسد بیجاناش را به انبار برده و باهیزم آتش زدیم و سپس آن را قطعه قطعه نمودیم؛ و در کیسه های بزرگ جای داده و صرافی؛ واقع در اول خیابان یهود دفن نمودیم!

مأموریت مان که به «ابراهیم» خادم کشیش و عده دادند که اگر این سرّ را برای کسی فاش نکند؛ او را از مال خود؛ داماد خواهند کرد!
باز پرس سؤال کرد:

استخونهایش را چه کردید؟ گفتند: بادسته هاونگ؛ خورد کردیم!
وسرش را چه کردید؟ گفتند: بادسته هاونگ؛ خورد کردیم!
روده هایش را چه کردید؟ گفتند: آنها را قطعه قطعه کرده و در یکی از صرافی های نزدیک دفن نمودیم!

آنگاه باز پرس روبه «اسحاق هراری» کرده؛ سؤال کرد: آیا به اعترافات «سلیمان» اعتراض دارید؟ و آیا آنچه «سلیمان» میگوید: صحیح است؟ گفتند: ولی شما نمیتوانید این عمل را جرم حساب کنید: زیرا که یکی مراسم مذهبی ما در این عید استفاده از خون انسان است!

باز پرس پرسید: خون کشیش را چه کردید؟ گفتند: در شیشه کردیم!

وبه خاخام موسی ابوالعافیه دادیم!

باز پرس سؤال کرد شیشه سفید بود یا سیاه؟ گفتند: سفید بود!

باز پرس سؤال کرد: چه کسی شیشه را به خاخام تسلیم داد؟

گفتند: خاخام موسی سلونکی!

باز پرس سؤال کرد؟ در مراسم مذهبی شما در چه چیزی از خون استفاده میشود؟ گفتند: در «خمیرنان عید»
 باز پرس سؤال کرد؟ آیا همه یهود باید ار این نان استفاده کنند؟
 گفتند: نه؛ ولی چنین نانی حتماً باید نزد خاخام بزرگ موجود باشد (۱)

باز در همین کتاب می نویسد!

«در روز عید فصیح در شهر (valisob) واقع در شوروی کودک ده ساله ای نا پدید گشت و پس از یک هفته وجود؛ جسد بی جانش را در یکی از لجن زارهای شهر یافتند؛ و با آنکه آثار فرو بردند میخ و سوزن؛ بر آن نمایان بود؛ ولی قطره ای خون در لباسهایش وجود نداشت و چنانچه بعداً معلوم شد جسد را بعد از قتل شسته بودند»
 خانمی که تازه یهودی شده و در این قصه متهم بودند؛ در اعترافات خود چنین اظهار داشتند: ما از طرف یهود مأمور شدیم که این کودک مسیحی را ربوده و در ساعت معینی در منزل یکی از آنها حاضر کنیم؛ هنگامیکه ما با این کودک وارد منزل شدیم دیدیم همه دور میزی نشسته و منتظر ما هستند؛ طفل را در روی میز گذاشتند و با قدری شکلات؛ بیس کویت و شیرینی سراورا گرم کردند! کودک بیچاره همین که مشغول خوردن شد؛ یکی از آنها میخ تیز و درازی را رانش فرو برد!!!

۱- خطر اليهودیه العالمیه؛ نقل از کتاب «الکنز المرصود فی قواعد التلمود»

صدای دل خراش کودک بگریه بلند شده؛ هرسان بیکی از آنها پناه برد؛ اوهم نامرد باسوزن درازی که دردست داشت کمرش را مجروح کرد؛ طفل بافریادی بسومی پناه برد؛ اوهم سینه اش را سوراخ کرد و خلاصه آن قدر میخ و سوزن به تنش فرو کردند؛ که همان جا؛ جان سپرد!

سپس خونش را در شیشه کرده به خاخام بزرگ تسلیم کردند! در کتاب «من اثر النکبة» تألیف نمر الخطیب می نویسد: دریکی از روزهای گرم تابستان یهود بیکی از خانه های میسلمان؛ در فلسطین هجوم بردند؛ دختر بزرگ میگوید: وقتیکه آنها در خانه ما را شکسته و؛ وارد حیاط؛ من آن قدر وحشت کردم که نزدیک بود هلاک شوم؛ خواهر کوچک من بگوشه ای فرار کرد؛ پدر و مادرم بنای داد و فریاد را گذاشتند؛ اما چه سود؟

مردان وحشی و قسی القلب یهود؛ مادرم را گرفت و در موضع مخصوصش چند شلیک خالی کردند! پدرم را بالگد و مشت و ته تفنگ کشته و ما را دست و پابسته؛ کشان؛ کشان از خانه بیرون آوردند! و میافزاید: من نمیدانم بر سر خاهرم چه آمد؛ اما مرا بایک عده مردان خشین یهودی، پشت یک کامیون سوار کردند و بنقطه نامعلومی بروند! در میان راه خواستند با من عمل منافی غفت انجام دهند؛ والی تا توانستم؛ از خود دفاع کردم. ۰۰۰ الاخره بوسیله آمپول مخدر مرا پیشوش کردند! همین که بهوش آمدم؛ حس کردم که آبرویم ریخته شده است اینک مرا به عنوان یک همخواب؛ دریکی از هتل ها؛ استخدام کردند (۱)

یکی دیگر از فجایع و جنایات یهود کشتار بیرحمانه ای بود که در دهکده «دیرساین» واقع در سرزمین «اسرائیل» کردند!

«روز ۱۹ آوریل ۱۹۴۸م نزدیک بظهر؛ سربازان یهود به این دهکده بی سلاح و از همه جایی خبر هجوم آورده؛ اهالی را از زن و مرد؛ بزرگ و کوچک؛ همه را صف بسته؛ و هدف گلوله های ننگین خود قرار دادند! و پس از آن اجساد را قطعه قطعه نموده و حتی شکم زنهای حامله را پاره کرده و بچه هایی که هنوز دیده بجهان نگوشده بودند؛ سربرید؛ و در میان چاه به اصلاح گابی انداختند! هنگامیکه نماینده صلب سرخ؛ آقای دکتر لیتربرای تحقیق رهسپار قریه شد و در آن دویست و پنجاه جسد را با آن وضع دید؛ بیهوش شده و فوراً قریه را ترک گفت (۱)

درست در همان روز پس از اتمام کشتار بقریه ناصرالدین قریب طبریا و قریه بلدالشیخ و سکریر و علیوط و شهر حیف و طبریا هجوم آورده؛ و مانند هین کشتار بی رحمانه را در آنجا تکرار کردند (۲)

جنایات یهود اسرائیل و صهیونیست؛ امروزه ببرکسی پوشیده نیست و هرروزه شاهد نمونه هایی از قساوت و توحش آنها از طریق رسانه های گورهی جهان هستیم جنایات اخیر امریکا

۱؛ این ماجرا در رایوها و جراید و مجلات منتشر شد!

۲؛ تذکره عوده تألیف ناصرالدین نشایی؛ ص ۲۵!

درافغان و عراق و قبلاً در ایران یکی از فتنه ها و نمونه ای از فساد اسرائیل میباشد که کاخ سفید امریکارا از در پشت پرده اداره می نماید!

دیانت یهود

خاخامهای یهودی؛ طی سالهای متمادی شرح ها و تفسیرهای گوناگونی برای تورات نوشته اند؛ که آنها را خاخام (یوخاس) در سال ۱۵۰۰ م جمع آوری نموده وبع اضافه چند کتاب دیگر که در سالهای ۲۳۰ و ۵۰۰ م نوشته شده بود؛ کتاب «تلمود» یعنی تعلیم دیانت و آداب یهود را تألیف نمود!

این کتاب نزد یهود؛ بسیار مقدس و در ردیف «تورات» و عند عتیق قرار دارد (۱)

برای اینکه بیشتر بخود پرستی و آرمانهای ضد انسانی یهودی ببریم؛ خوب است چند جمله ای از کتاب را بدقت مطالعه کنیم (۲)

الف- روز دوازده ساعت است؛ در سه ساعت اول؛ خداوند شریعت را مطالعه میکند؛ در سه ساعت دوم؛ احکام صادر میکند؛ در سه ساعت سوم؛ جهان را روزی میدهد و در سه چهارم باحوت دریا که پادشاه ماهی ها است ببازی می پردازد!

۱؛ شاید از تورات هم بالا تر؛ زیرا گرافت میگوید: «بدانید که گفتار خاخام از گفتار پیا بر بالا تر است!!!»
 ۲؛ آنچه در پی می آید از کتاب «خطر الیهودیه العالمیه» تألیف عبدالله التل اقتباس شده که اونیز از کتاب «لکنز المرصوف فی قواعد التلمودی» تألیف دکتر «روهلبخ» ترجمه یوسف نصرالله نقل میناید

هنگامیکه خداوند امر کرد «هیكل» را خراب کنند خطا کرده بود و بخطای خویش اعتراف کرده؛ بگریه درآمد و گفت: «وای بر من که امر کردم خانه ام را خراب کنند و هیكل را بسوزانند فرزندانم را تاراج کنند!!!»

خداوند؛ از آنکه یهود بچنین حالی گذاشته سخت پشیمان است؛ بطوریکه روز بصورت خود ضربه میزند و زار زار گریه میکند گاهی از چشمانش دو قطره اشک بدریا میچکد و آن چنان صدا میکند که تمام اهل جهان آن را میشوند. . . . و آبهای دریا بتلاطم وزمین بلرزه درمی یاید!

هرگز خداوند از کارهای ابلهانه و غضب و دروغ برکنار نیست! قسمتی از شیاطین؛ از فرزندان آدم هستند. . . . آدم زنی داشت از شیاطین بنام «لیلیت» که مدت صد و سی سال همسر آدم بود و شیاطین از نسل او متولد شدند!!!

«حواء» در این مدت صد و سی سال جز شیاطین فرزندی نزلید؛ زیرا او همسریکی از شیاطین شده بود! انسان میتواند شیطان را بکشد؛ هرگاه خمیرنان عید را نیکوبه آورد!

ارواح یهود؛ از ارواح دیگران افضل است؛ زیرا ارواح یهود؛ جزء خداوند است همچنانکه فرزند جزء پدر میباشد و روحهای یهود؛ نزد خدا عزیزتر است؛ زیرا که ارواح دیگران شیاطینی و مانند حیوانات است!

نطفه غیر یهودی؛ مثل نطفه حیوانات است!

بهشت مخصوص یهود است و هیچ کس بجز آنها داخل آن نمی شوند؛ ولی جهنم جایگاه مسیحیان و مسلمانان است و در آنجا فایده ای جز گریه و زاری آنها نمیگردد؛ زیرا که زمینش از گل و بسیار تارک و بد بو است!

مسیح پیامبر؛ نیامده است و تا حکم «اشرار» (یعنی غیر یهود) من قرض نشود؛ ظهور نخواهد کرد و در آنگاه او بیاید زمین خمیر نان و لباس پشمی میرویند در آن وقت است؛ که سلطه و پادشاهی یهود بازگشته از تمام ملت ها مسیح را خدمت خواهد کرد! و در آن زمان هر فرد یهودی؛ دو هزار و هشتصد برده و غلام خواهد داشت! بر هر یهود لازم است که املاک دیگران را خریداری کند تا آنها صاحب ملک نباشند و همیشه سلطه اقتصادی برای یهود باشد و هم چنانچه غیر از یهود؛ بر یهود تسلط پیدا کنند؛ آنها باید بر خود گریسته بگویند: «وای بر ما؛ این چه ننگی است که ما جیره خوار دیگران باشیم! پیش از آن یهود نفوذ و سلطه کامل خود را بدست آورند؛ لازم است جنگ جهانی برپا شود و ثلث بشر نابود شوند! در این وقت مدت هفت سال یهود؛ اسلحه های را خواه]د سوزانید و در این وقت است که دندانهای دشمنان بنی اسرائیل بمقدار بیست و دو ذرع که تقریباً هزار و سیصد و بیست برابر دندانهای عادی میشود! خارج از دهانشان بیرون خواهد آمد!!!

هنگامیکه مسیح حقیقی پایه عرصه وجود گذارد؛ یهود آنقدر ثروتمند و مال خواه داشت؛ کلید صندوقش را کمتر سیصد الیاع؛ حمل نتواند کرد!!!

و کشتن مسیحی از واجبات مذهبی ما است و پیمان بستن با او؛
 یهودی را ملزم به اداء نمیکند!!!
 رؤسای مذهب نصرانی و هر که دشمن یهود است باید هر روزی
 سه برتبه لهن کرد!!!

یسوع ناصری که ادعای پیامبری کرده و نصاری گولش را خوردند
 با مادرش مریم؛ که او را از مردی بنام (باندار) بزنا آورده بود؛ در آتش
 میسوزند! کلیساهای نصاری که در آن سگهای آدم نما؛ بصددا در
 می آیند بمنزله زباله خانه است!!!

اسرائیل در نزد خداوند بیش از ملائکه محبوب و معتبر است؛ اگر
 یک نفر غیر یهودی را بزند؛ چنان است که به عزت الهیه جسارت
 کرده است و جزای چنین شخص جزمگ چیری دیگری نیست
 و باید او را کشت؛ اگر یهود نبودند؛ برکت از روی زمین براداشته
 میشد و آفتاب ظاهر نشده و باران نمی بارید!!!

همچنانکه انسان بر حیوانات فضیلت دارد؛ یهود بر اقوام دیگری
 فضیلت دارد!!!

نطفه که از غیر یهودی منعقد شود؛ نطفه اسب است!!!
 اجانب مانند سگ است و برای آنها عیدی نیست؛ زیرا که عید
 برای اجنبی سگ خلق نشده است!!!

سگ افضل از غیر یهودی است؛ زیرا که در اعیاد باید بسگ نان
 و گوشت داد؛ ولی نان دادند به اجنبی حرام است!!!

هیچ قرابت و خویشی بین اجانب نیست؛ مگر در فضل الاغ قرابتی
 است؛ خانه های غیری بمنزله طویله است!!!

اجانب دشمن خدایند؛ و مثل خوک قتلشان مباح است!!!
 اجانب برای خدمت کردن بهود بصورت انسان خلق شده اند!!!
 یسوع مسیح کافر است؛ زیرا که از دین مرتد گشت و عبادت بُت
 پرداخت و هر مسیحی که یهودنشود بُت پرست و دشمن خداوند
 خواهند بود! از عدالت خارج است که انسان یهود؛ بر غیر از یهود
 کوچک ترین ترحمی روا دارد!!!

غش و خدعه کردن به غیر یهودی؛ بی مانع است!!!
 سلام کردن بر کفار (کسانی که یهودی نیستند) اشکال ندارد بشرط
 آنکه قصد مسخره کردن او را داشته باشد!!!

چون یهود با عزت الهیه مساوی هستند؛ بنابراین تمام دنیا و هر
 چه در آن است ملک آنها میباشد و حق دارند که بر آن تسلط کامل
 یابند! دزدی از یهود حرام و از غیر او جائز است؛ چون اموال دیگران
 مانند؛ رمل های دریا است و هر کس ذودتر بر آن دست گذاشت
 او مالک است!!!

یهود مانند زن شوهر دار هستند و همچنانکه زن در منزل به استرا
 حت میپردازد و شوهر خرجی او را میدهد؛ بی آنکه در کارهای خارج
 از منزل با او شرکت کند؛ یهود هم به استراحت پرداخته و دیگران
 باید را روزی بدهند!!!

هرگاه یهودی و اجنبی شکایت داشته باشند؛ باید حق را بجانب
 یهودی داد اگرچه بر باطل باشد!!!

برای شما جایز است که مأمورین گمرک را غش بنمایند و برای او
 قسم دروغ بخورند... از خاخام (صموئیل) یاد بگردید! صهوئیل از مرد

اجنبی کاسه ای طلاع بقیمت چهاردرهم خریداری کرد درحالیکه
 فروشنده نمیدانست که آن طلا است! با این حال دریک درهم آن
 را هم دزدید!!!

ربودن اموال دیگران بوسلیه ربامانعی ندرد؛ زیرا که خداوند شما
 را بر با گفتن از غیریهودی امر می فرماید!!!

بکسانیکه یهودی نیستند قرض ندهید؛ مگر آنکه نزول بگیری در
 غیر این صورت قرض دادن آنها جایز نیست؛ ریزاکه ما مأموریم
 که به آنها ضرر برسانم!!!

حیات و زندگی دیگران ملک یهود است؛ چارسد به اموال آنها!
 هرگاه غیریهودی احتیاج پپول داشته باشد؛ آنقدر باید از او ربا و
 نزول گرفت؛ که تمام مایملکش را از دست بدهد!!!

غیریهودی هر چند صالح و یکوکار باش اورا باید کشت؛ نقطه حرام
 حرام است غیر یهودی را نجات بدهید؛ حتی اگر در چاهی بیفتد
 باید فوراً سنگی بردر آن چان گذاشت!!!

اگریکی از اجانب رابکشیم؛ مثل اینکه دراه خدا قربانی کرده ایم!
 اگریک نفر یهودی کمکی به غیریهودی بکند؛ ذنب لایغفر مرتکب
 شده است! و اگر اورا در دریا غرق یافتی؛ نباید نجاتش بدهی؛ زیرا آن
 هفت ملتی که در زمین کنعان بودند و بنا بود یهود آنها را بقتل رسانید
 نابود نشدند و ممکن است که آن شخص عریق یکی از آنها باشد!!!

تا میتوانی از غیریهود را بکشید و چنانچه دستتان بکشتن اورسید
 و اورا نکشتید؛ مرتکب خلاف شرع شده اید!!!

هلاک کردن مسیحی بسیار دارد و اگر کسی بکشتن نمی رسد؛
 لااقل سبب هلاکش را فراهم کند!!!
 کسانی که مرتد شوند؛ اجنبی و اعدمشان لازم است؛ مگر آنکه
 برای خدعه بدیگران مرتد شده باشد!!!
 تهدی کردن بناموس غیریهودی مانعی ندارد؛ زیرا که کفار مثل
 حیوانات هستند و حیوانات را زنا شویی نیست!!!
 یهودی حق دارد زنهای غیره مؤمنه را بغصب بر باید و خلاصه
 زنا و لواط به غیریهودی عقاب و کیفری ندارد!!!
 کسیکه در خواب ببیند که بامادرش زنا میکند حکیم خردمند خواهد
 شد و کسیکه ببیند با خواهر خود جمع شده است؛ نورم عقل نصیبی
 میگردد؛ برای یهودی مانع ندارد تسلیم میل شهوت خویش شود!!!
 هرگاه یک فرد یهودی در جلوی زن خود بازنی زنا کند؛ زن او حق ندارد
 مانع او شده یا آنکه بر علیه او شکایت کند!!!
 لواط بازن جایز است؛ زیرا که زن مانند گوشتی است که آن را از بازار
 خریداری میکند و بر هر طوریکه بخواهد آن را تناول میکند!!!
 قسم دورغ خوردن جایز است؛ خصوصاً در معاملات با غیریهود اصولاً
 قسم خوردن برای قطع نزاع تشریح شده است؛ اما نبرای کفار؛
 زیرا که آنها انسان نیستند!!!
 جایز است انسان شهادت زور بدهد چنانچه لازم است اگر میتواند
 بیست قسم دروغ بخورید؛ ولی برادر یهودی خویش را در معرض
 خطر قرار ندهید بر یهود واجب است روزی سه مرتبه مسیحیان
 را لعن کنند و دعا کنند تا خداوند آنها را نابود سازد!!!

برما لازم است که بانصاری مانند حیوانات معامله کنیم!!!
 کلیساهای نصاری؛ خانه گمراهان استوخراب کرزدن آنهاضروی
 و؛ واجب است!!!

ماملت برگزیده خداوندیم ولذا برای ماحیوات انسانی خلق کرده
 است زیراکه خدا میدانست که ما احتیاج بدو قسم حیوان داریم؛
 یکی حیوانات بیشعورمانندبهایم وحیوانات غیرودیگری حیوانات
 حیوانات ناطقه وبا شعورمانند مسیحیان؛مسلمانان و برای که
 بتوانیم از همه ما؛به اصطلاح سواری بگیریم؛ما را در جهان
 متفرق ساخته است؛ولهدا ما باید دخترهای زیبا و خوگل خود را
 به پادشاهان ووزرا و خلاصه شخصیت های برجسته یهود به
 تزویج درآوریم؛تا بوسیله آنها برحکومت های جهان؛تسلط
 داشته باشیم!!!

گمان نکنیم؛آنچه نقل کردیم باتعلیقی ازما داشته باشیم زیراکه
 بهترین معرف «یهود» است؛چنانچه خوب معلوم شدکه یهودیک
 یک حزب خطرناکی است که برای فریب دادن مردم؛در لباس
 مذهب درآمده است (۱)

سیاست یهود:

ماسونیسیم حزب است مخفی که فقط بخاطرریشه کن ساختن
ادیان؛اخلاق ودولتها بحساب یهود؛تأسیس شده است!!!

تمام این این تعلیمات درتجاوز اخیر یهود بمردم مسلمان بصورت عمل درآمده و
 جهانیان شاهد فجایع آنان شدند!!!

مطالب زیر از کتاب «اسرار اماسونیه» تألیف ژنرال «جود رفعت ایلخان» نقل شده است!!!
الف- تعریف حزب

ماسونیسیم حزبی مخفی که تا بحال بندها و اسرارش در هیچ کتابی نوشته نشده است (۱)

عقاید رموز و اشارات ما بلغت مصری و فرعونی است که بوسیله بنی اسرائیل بما ارث رسیده است (۲۱)

هدف حزب

حزب ماسونی نباید بیک دولت یا دو دولت اکتفا کند؛ بلکه تمام دولتهای جهان را باید تحت خرقه کشید و برای رسیدن به این نخست لازم است دین و علماء دین را که یگانه دشمن ما هستند نابود کنیم (۳۲)

برادران عزیز علماء دین میخواهد بر امورات دنیوی مانیز چیره شوند و این وظیفه ما است که تز «آزادی مذب» را در اذهان مردم بگنجانیم و به این وسیله آنها را از دور علماء پراکنده کنیم! باید دین رایگانه دشمن بشریت است نابود کنیم؛ زیرا که دین باعث جنگها؛ جدالها؛ کشتارها و همه کسمکشا میشود!!!

۱- الخطب الاربع محفل السلامة الماسونی!!!

۲- الخطب الاربع محفل السلامة الماسونی!!!

۳- کنفرانس شرق اعظم؛ سال ۱۹۲۳ هم؛!!!

برادران عزیز؛ ما باید تا میتوانیم قانون جعل کنیم؛ تا مجال برای قوانین و دستورات دینی باقی نماند؛ زیرا که آن حاکمیت و آقای علماء دین داشتند رو بزوال بلکه فعلاً زائل شده است و یگانه هدف ما این است که کار دین را یکسره کنیم (۱)

حزب ماسونی؛ در چند سال اخیر نقشهای مهمی در سیاست اروپا بازی کرد (۲)

افراد این حزب نباید به هیچ دینی معتقد باشند (۳)

یک فرد ماسوین ممکن است وطن پرست شود؛ ولی بشرط آنکه قبل از هر چیزی پای بند مقررات حزب ماسونی باشد!!!

مانعی ندارد افراد این حزب کامند دولت یا وکیل مجلس یا رئیس جمهور بشوند؛ بشرط آنکه بدون مشورت با مجلس ماسونی کاری انجام نداده و از اهداف خویش دور نشوند (۴)

هرگاه یک فرد ماسونی زمامدار مملکتی بشود؛ بقیه افراد حزب را هم باید با خود شرکت داده و آنها را هم مقامات عالیه برساند (۵)

ماسونیسیم حزبی است مخفیکه تنها هدفش است که بتواند بوسیله نشر افکار خود؛ بر جهان چیره شود! آنانکه افکار ما را قبول میکنند؛ سبب راحتی ما میگردد (۶)

۱- نشریه محفل ماسونی فرانسوی بزرگ؛ سال ۱۹۲۲م؛

۲- مجلة الشرق الكبير!!!

مذکرات کنفرانس ماسونی فرانسوی؛ سال ۱۸۷۹م؛

۴- البناء الماسونی؛ سال ۱۸۸۹م؛

۵- کنفرانس محافل ماسونی؛ سال ۱۸۸۴م؛

۶- کنفرانس مشرق اعظم فرانسوی؛ سال ۱۹۲۳م؛

ماسونی یگانه حزبی است که با ادیان؛ عادات؛ و مقدسات دینی؛
سخت مبارزه میکند (۱)

هدف ما این است که دولت های برپایه انکار خدا تأسیس میکنیم!!!
هدف ما این است که جمهوری «لامذهب» و جهانی بپاسازیم!!!
برای آنکه نتوانیم؛ تشکیلات خانواده را بهم بزنیم؛ لازم است به
اصول اخلاقی لگزده؛ یک نسل کاملاً بی دین؛ بی ناموس و بی
اخلاق تربیت کنیم البته این کار در نظر اول مشکل بنظر میرسد؛
ولی چون میل بشهوات و لالابالی گری فطری و طبیعی بشر است
از این جهت شاید چندان هم مشکل نباشد!!!

این گونه افراد را باید بوسیله رتبه های حزب؛ فریب داده و آنها
را با همواریهای زندگی آشنا سازیم؛ تا از بار حزب شانه خالی نکنند!!!
و بر شما باد که آنها را از تشکیل خانواده بازدارید و اگر نه همه نقشه
ها؛ نقش بر آب خواهد بود!!!

طبیعت انسان میل زیادی بمحرمات و شهوت رانی دارد؛ این وظیفه
است که درجه حرارت شهوت را بالا ببریم؛ تا یک مرتبه گرفته
و بتمام مقدسات خود کافر گردد!!!

تنها از این راه میتوان افراد را برای دخول در حزب آماده کرد (۲)
انسان باید برخداوند خود چیره شده و علیه او اعلان جنگ کند!
آسمانها را مانند ورق کاغذ پاره پاره کند (۳)

۱- مجله آکاسیا ایتالیا؛ ۱۹۰۴م؛

۲- از سخنرانی ماسونی بزرگ آقای بیکزتو؛ سال ۱۹۲۱م؛

۳- از سخنرانی لیفرج؛ سال ۱۹۶۵م؛

الحال و شرک به خداوند؛ یکی از مفاخر این حزب است!!!
 زنده باد آن مردان دلیری که در صف های نخستین به اصطلاح
 دنیا خویش پرداختند و منتظر آخرت نشدند!!!
 بزودی با دین ها و متدینین را اعدام خواهیم کرد و به این وسیله
 بر عقاید باطنه پیروز خواهیم شد (۱)
 فراموش نکید ما از دشمنان حقیقی ادیان هستیم (۲)
 یکی از ذخیره های پرارزش بشر این است که پاینده هیچ عقیده
 نمیگردد! آنچه مردم به آن عقیده مند هستند؛ از ترشحات فکرو
 اندیشه های انسان است؛ مغز انسان است که حقیقت را متراشد
 و بخورد دیگران میدهد و بر ما است که از این منتها استفاده را
 بکنیم؛ جمال و زیبای الحاد در همین است و این خود اساس و
 ریشه الحاد است (۳)
 هدف تنها این بیست که بر متدینین غالب شویم؛ بلکه ما نابود
 ساختن آنها است (۴)
 نتیجه جنگی که دین آغاز کرده ایم؛ جدایی دین را از سیاست است (۵)
 تمام قوانین سیاسی و اجتماعی را کنفرانس های ماسونی وضع
 میکند؛ عن فریب ماسونیسیم جای ادیان را گرفته و معابد آنها
 بمحفل های ماسونی خواهد شد!!!

۱- محفل ماسونی یزرک؛ سال ۱۹۲۲م؛

۲- مظاهر کنفرانس ماسونی؛ سال ۱۹۱۱م؛

۳- جین جرس؛ سال ۱۸۹۵م؛

۴- مذاکرات کنفرانس ماسونی جهانی؛ سال ۱۹۰۰م؛

۵- مجله آکاسیا؛ سال ۱۹۰۳م؛

هنگامیکه «البرت» وفات کرد و بجای او آقای «لمی» رئیس حزب انتخاب شد؛ یک عکس از مسیح کشیده؛ بر سر قصر ماسونیسم نصب کرده و در زیر چنین نوشت: پیش از آنکه این مکان را ترک گوئید: بر صورت این شیطان خائن؛ آب دهان بیاندازید (۱)

زمینه برای انقلاب «مارکس» آماده است؛ فقط باید با کارگران همصدا شده و اعلام انقلاب و حتماً در این انقلاب پیروز خواهید شد؛ زیرا که مافوق متفکره اجتماع و کارگران قوه مادی اجتماع میباشند؛ وقتی این دو قوه باهم جمع شوند؛ اضطراب و انقلابی بزرگی بوجود خواهد آمد (۲)

افراد حزب ماسونی اکثریت؛ دستگاه حاکم فرانسه را تشکیل میدهند (۳)

آزادی پدران به اصطلاح (مقدس!) مصالح ما را تهدید میکند (۴)

بزرگان و سال خورده ها را کنار گذارید و نسل جوان را دریابید؛ سعی کنید جوانان و خورد سالان را بمجالس خود جلب کنید؛ تا تعالیم حزب را در کودکی بیاموززند (۵)

انطباعات دوران کودکی؛ هرگز فراموش نمیشود و ما باید افکار خود را در آن دوران به افراد تزریق نمایم و آنها را دوران دین تربیت نمایم (۶)

۱- مشرق ماسونی اعظم

۲- مجله آکاسیا؛ سال ۱۹۰۹م؛

۳- کودو؛ وزیر سابق فرانسوی در کنفرانس ۱۹۶۴م؛

۴- نشریه مشرق اعظم؛ سال ۱۹۰۳م؛

۵- از تعالیم ماسونی های آزاد!

۶- از تعالیم ماسونی های آزاد!

پروکل های حکمای یهود (۱)

یکی از حیرت انگیزترین؛ عجیب ترین و خطرناک ترین کتابهای سیاسی که تاکنون انتشار یافته است؛ کتاب «پروتکل های حکمای یهود» می باشد (۲)

شما هنگامیکه این کتاب را مطالعه کنید حتماً توجه خواهید شد که همین یهودی که آنها را مردم سالم! و بی آزار فرض کرده بودید؛ چه تشکلیات خطرناک و زیان بخش را تشکیل میدهند!!! این کتاب مجموعه ای است از سنخرانی های یک شخصیت برجسته یهودیکه بر چند تن از ثروتمندان و افراد بانفوذ یهودی ایراد کرده است!!!

پنجه های خونین یهود از پشت صفحات کتاب بخوبی پیدا است و صدق گفتار «اوسکار لیفی» یهودی که میگوید: «پادشاهان؛ اخلاص گران؛ فتنه انگیزان؛ و جلادان جهان ما هستیم (۳) از این کتاب بخوبی معلوم میگردد؛ متن پروتکل های دانشوران صیهون برای تشکیل حکومت جهانی یهود درباره پروتکل های دانشوران ارشد یهود که متن آن در این کتاب از نظرتان میگذرد؛ توضیحات زیر ضروری است:

۱- از تعالیم «فیلنی» ماسونی!

۲- اکثر عبارات کتاب آیه اللّهی سید محمد شیرازی برگرفته شده است!

۳- پروتکل در لغت بمعنی صورت مجلس مذاکرات سیاسی؛ متمم قراردادها و عهد نامه های رسمی و مقاله نامه ها آمده است!

۴- صفحه نخست پروتوکلات!

- ۱- واژه «پروتوکل» معنای مختلفی دارد از جمله: پیش نویس قرارداد؛ معاهده و یاسند رسمی که بین دو یا چند دولت امضاء میشود؛ اما در اینجا بمفهوم تصمیمات و فرمول های است که از سوی جمعی از متفکران؛ استراتژیست ها خاخام های یهودی بمنظور تسخیر عالم طراحی شده است؛ بنوشته محقق برجسته و مبارز فلسطینی؛ عویج نویض «پروتوکل هابرنامه ای است که سرمایه داران و اقتصاد دانان {و متفکران و علمای} یهود برای ویران کردن بنای مسیحیت؛ قلمروپاپ و دست آخر اسلام! آن را تنظیم کرده اند؛ یهودیان صهیونیست معتقدند که بعد از این ویرانی که بگفته اصحاب پروتکلها طی صدسال انجام خواهد شد؛ آنها بر جهان استیلا خواهند یافت و سلطنتی یهودی-داوودی برقرار خواهند کرد که با تدابیر و امکانات خود بیهودیان با آنکه اقلیتی ناچیز هستند؛ امکان خواهد داد تا بر تمام جهان مستبدانه حکومت کنند و هیچ دینی؛ نه مسیحیت و نه اسلام؛ در کنار آیین یهودی-داوودی؛ باقی نخواهد ماند»
- ۲- متن پروتکل ها بمنظور قرائت در چند جلسه کنفرانس برای بحث و تصمیم گیری و تأیید نهایی؛ آماده شده بود که پلیس مخفی تزار روس بکنفرانس مزبور که بریاست تنودر هرتزل در شهر بال روسیه برگزار شده بود (سال ۱۸۹۷ میلادی) هجوم آورد و اوراق آنها را بتاراج برد!!!

۳- پروتکل ها در سال ۱۹۰۵ میلادی توسط نویسنده ای روسی بنام سرگشی نیلوس (از روحانیون و علمای مسیحی) از زبان عبری {ویا فرانسوی} بزبان روسی ترجمه شد و در سال ۱۹۰۶ م وارد متابخانه بریتیش میوزیوم لندن شد!!!

۴- ویکتور مارسدن؛ روزنامه نگار بریتانیایی که همزمان با انقلاب بلشویکی برای روزنامه انگلیسی مورنینگ پست در روسیه کار میکرد؛ این پروتکل ها را در سال ۱۹۱۷ بزبان انگلیسی ترجمه کرد!!!

۵- هنری فورد (بنیان گذاری اتومبیل سازی فورد آمریکا) پروتکل ها را در سال ۱۹۲۰ م بصورت سلسه مقالاتی در روزنامه ای به خود او تعلق داشت؛ بچاپ رسانید؛ هدف او این بود که ملت آمریکا را از خطر شکل گیری امپراتوری یهود در این کشور آگاه سازد؛ فورد؛ پروتکل های دانشوران صهیون را برنامه اصلی یهود برای تسلط بر جهان میدانست و هشدار داد که یهود بحکومت آمریکا اکتفا نکرده و در صدد برپایی حکومت جهانی است!!!

هنری فورد در گفت و گویی که در روز هفدهم فوریه ۱۹۲۱ م؛ در «نیویورک ورلد» بچاپ رسید؛ دعوی را علیه «پروتکل هایی صهیون» چنین بیان کرد: «تنها نکته ای علاقه مندم درباره پروتکل هابگویم این است که: آنها با آنچه در حال وقوع است؛ تطبیق میکند؛ از طرح پروتکل ها شانزده سال میگذرد و آنها تا کنون با شرایط جهانی منطبق بوده اند»

فورد هنگامی این نکته را بیان داشت که رهبران یهود و مطبوعات یهود در آمریکا علیه او جنجال بپا کرده و فریاد اعتراض سرداده بودند؛ هنری

فورد پس از تحمل فشار و مشقت؛ که تنها یودیت سازمان یافته از عهده طراحی و اعمال آن برمی آید؛ بالاخره ناچار شد درسی ام ژوئن سال ۱۹۲۷م در نامه ای خطاب به «لوویس مارشال» رهبر وقت «نجمن یهودیان آمریکا» رسماً از یهود عذرخواهی کند؛ البته فورد در عذرخواهی خود ونیس از آن؛ هیچ گاه صدق پروتکل ها و تحلیل های منتشر پیرامون آنها را تکذیب نکرد!!!

۶- از پروتکل ها تا کنون چند ترجمه فارسی صورت گرفته است؛ آنچه در این کتاب به چاپ رسیده است؛ برگرفته از ترجمه آقای «بهرام محسن پور» است که ماهنامه «صبح» شماره هشتاد و هشت دی ماه ۱۳۷۷ هـ ش بچاپ رسید!!!

۷- مفاد بعضی از مواد پروتکل ها ظاهراً متناقض بنظر میرسند؛ فی المثل جایی توصیه بترویج تئوری «آزادی خواهی» میشود و در جای دیگر گفته میشود که با قدرت؛ با هرگونه نه «آزادی» مخالفت خواهیم کرد؛ در این مورد باید توجه داشت که این دستورالعمل ها بدو دسته تقسیم میشود؛ یک دسته مربوط بطرح ها و برنامه هایی است که یهود؛ قبل از بریایی حکومت جهانی خود برای نابودی کشورها و دولت ها به اجرا درمی آورد و دسته دیگر مربوط ببرنامجی است که بعد از استقرار حکومت جهانی یهود قرار است به درآیند؛ بنابراین آن جای سخن ترویج «آزادی خواهی» و یا «آزادی مطبوعات» است؛ مربوط ببرنامجی است که از رهگذر آن؛ کشورها؛ دولت ها و ملت ها را دچار ترس و از هم پاشیدگی میکند؛ اما آنجا که سخن از مبارزه با «آزادی» است؛ مربوط بزمانی است که

حکومت جهانی یهود برپاشد و برای استقرا و صلابت خود؛ هر گونه صدای مخالفی را خفه میکند!!!

۸- نمیتوان نتیجه گرفت که احادیهودیان دنیا با آنچه در پروتکل ها ذکر شده است؛ موافقت و همسویی دارند؛ ای بسایهودیانی که خود تحت ستم و استثمار سرمایه داران بزرگ یهودی و خاخام های همسوبا این سرمایه داران؛ باشند یا از سر ناآگاهی و فریب؛ آلت فعل آنان شده باشند؛ که ضروری است این دسته از یهودیان نیز نسبت بخطر یهودیت پیوندخورده با صهیونیسم؛ هشیار و بیدار شوند!!!

۹- برای کسب اطلاع بیشتر پیرامون «پروتکل های یهود» خوانندگان علاقه مندر را بدو کتاب ارزشمند زیر؛ ارجاع میدهم!!!

* پژوهش ضهیونیسم (مجموعه مقالات) بکوشش محمد احمدی
ناشر مؤسس فرهنگی ضیاء اندیشه؛ صندوق پستی ۵۴۴-۱۴۱۵.

* پروتکل های دانشوران صهیون؛ نوشته عجاج نویهض؛
ترجمه حمیدرضا شیخی؛ ناشر: آستان قدس رضوی!!!

پروتکل شماره ۱

میخواهیم فارغ از هرگونه لفاظی و عبارت پردازی تنها از طریق مقایسه و استنتاج حقایق محیط اطراف مان را مورد بررسی و مدافه قرار دهیم!!!

میخواهیم سیستمی را که ما در آن زندگی میکنیم از دو نقطه نظر؛ یعنی از نظریهودی ها (صهیونیست ها) و از نظر غیر یهودی ها (غیر صهیونیست ها) مورد ارزیابی قرار دهیم!!!

شما انسانهایی که دارای غرایز بدو شیطانی هستید؛ ر شما کسانی که دارای غرایز خوب هستید؛ پیشی بگیرید؛ از این رو؛ برای آنکه بتوان بر انسان ها حکومت کرد؛ باید به اعمال زور؛ خشونت و ترور؛ توسل جست؛ هر انسانی که میخواهد دیکتاتور بشود؛ زور بگوید؛ و اگر بتواند؛ رفاه و خوشبختی مردم را فدای خواسته ها و آمال خود گرداند!!! اما چه عواملی این جانور درنده را که اسمش را انسان گذاشته اند از خشونت باز مدارد؟!

از زمانی که حیات اجتماعی آدمیان آغاز گشت؛ فشارها؛ رفتارهای ظالمانه و حیوان صفتانه ای از سوی فرمانروایان باعث شد که توده های مرد و تحت سلطه در آیند و مطیع فرمانروایان خود شوند؛ آنگاه با وضع قوانینی که در واقع همان چهره تغییر یافته زور و تهدید هستند؛ آدمیان ب زیر سلطه درآمدند و من در اینجا می خواهم بگویم: که طبق قانون طبیعت «حق» یعنی اعمال زور و

فشار آزادی سیاسی تنها یک نظریه است نیک واقعیت لدا آدمی باید بداند که چگونه از واژه سیاسی برای فریب توده ها استفاده کند و سپس آن را برای درهم شکستن قدرت حزب حاکم بکار گیرد؛ البته اگر حزب حاکم قبلاً خود از چنین شیوه ای برای دست یابی بقدرت استفاده کرده باشد؛ بهتر میتوان همین شیوه رادر مرد او بکار برد بکمک واژه به اصطلاح «آزادی» میتوان همین شیوه رادر مورد او بکار برد؛ بکمک واژه به اصطلاح «آزادی» میتوان پایه های حزب هاکم را سست و لرزان ساخت و بی اعتباری اش را بتوده مردم نشان داد؛ از آنجا که توده ناآگاه نمیتواند حتی یک روز هم بدون راهنما و رهبر؛ هدف هایش را خود راهبری نماید؛ از این رو به آسانی رهبر حزب جدید رامی پذیرد و دین سان رژیم قدیم؛ جای خود را بر رژیم جدید میدهد!!!

طلا

هنگامیکه ما بقدرت رسیدیم؛ یعنی قدرت را از چنگ فروانرویانی که با استفاده از واژه آزادی بر مردم حکومت میکند؛ خارج ساخیم؛ طلا جای قدرت را خواهد گرفت؛ بنیاد نهادن حکومت بر اساس آزادی غیر ممکن است؛ زیرا که کسی نمیتواند آزادی را در متارف و متعادل ترین نوع آن را بکار گیرد؛ اگر صرفاً برای مدت کوتاهی مردم را در اداره امور خویش؛ آزد بگذاریم تا هر کس فرمانروای خویش بشود؛ دیری نخواهد پایید که انسجام امور؛ از هم گسیخته

میشود و مردم دست بکشتار همدیگر میزنند و از دولت چیزی جز
تلی خاکستر بجای نخواهد ماند!!!

خواه دولت ها در اثر ضعف داخلی متلاشی شوند و خواه در اثر
چیرگی دشمن خارجی از بین بروند؛ سرانجام زیر نفوذ ما قرار خواهند
گرفت؛ زیرا که سرمایه بمثابه ریسمان محکمی در دست ما؛ دولت
هایی که به این ریسمان محکم چنگ میزنند؛ سقوطشان حتمی
خواهد بود!!!

آنهایی که آزادمنشانه می اندیشند؛ ممکن است سیاسی که ما در
بالا خطوط اصلی آن را ترسیم کردیم؛ ایراد بگیرند و آن را غیر اخلاقی
تلقی کنند ولی در پاسخ آنها؛ ما این سؤال را مطرح میکنیم!!!
اگر هر دولتی دو نوع دشمن داشته باشد و برای از بین بردن دشمن
خارجی به او اجازه داده شود که برای نابودی دشمن از هر روشی
استفاده کند؛ مثلاً دشمن را غافل گیر کرده و شبانه اردوگاه او بزند
و او را درهم بکوبد؛ آنگاه این عمل را روشن غیر اخلاقی مینامد؟!
بهمین قیاس نابودی دولت های حاضر بدست ما که مخرب رفاه
عمومی هستند؛ عمل غیر اخلاقی تلقی میشود؟! آیا آدم معقولی
پیدا میشود که فکر کند میتواند از طریق بخت و استتال با مردم عامی
که قدرت استدلالشان سطحی است؛ کنار آمد؟ کنار آمدن با توده مردم
فقط با دست گذاشتن روی عواطف و اعتقادات آنها مقدور و ممکن
است اگر بخواهیم با این دسته مردم که فهم سیالسی ندارند از طریق
استدلال و بحث کنار بیاییم؛ جز آنکه تخم هرج و مرج را بپاشیم؛
کار دیگری نمیتوانیم بکنیم!!!

میان سیاست و اخلاق؛ هیچ گونه وجه اشتراکی نیست؛ فرمانروایی که متکی به اخلاق باشند؛ نمیتواند سیاستمداری کارگاشته و ماهر از آب درآید و نتیجتاً پایه های قدرت سیاسی و متزلزل خواهد گشت آنهاییکه میخواهند گام دروادی سیاست بگذارد؛ باید هم نیرنگ باز باشند و هم بتوانند دیگران را متقاعد کنند صفاتی چون درستکاری و راستگویی؛ خطر بزرگ برای سیاست بشمار میروند؛ زیرا چنین صفاتی شدیدتر از هر دشمنی؛ فرانروا را از آریکه حکمرانی بزیر میکشند؛ البته فرمانروایان جوامع غیر صهونیست باید چنین صفاتی را دارا باشند تا هر چه رود ترازی پای درآیند و تسلیم ماشوند؛ ولی در نظام سیاسی جوامع صهونیستی؛ قیودات اخلاقی نباید وجود داشته باشد!!!

حق؛ یعنی زور

به اعتقاد ماحق؛ یعنی اعمال زور؛ واژه حق واژه ای ذهنی است که بهیچ وجه عینیت بوجود نمیگیرد؛ در نظام سیاسی ماحق این چنین تعبیر میشود: هر آنچه را که میخوانیم بمن بده؛ زیرا من از تو قوی ترم؛ نیازی نیست که ثابت کنم حق از آن کیست؛ حق از کجا شروع میشود و بکجا ختم میشود؟!

در هر دولتی که قدرت بطور نامطلوبی سازمان یافته باشد؛ قوانین و مقررات؛ اعتبارشان را از دست داده؛ دستخوش طوفان حوادث میشود و سرانجام لیبرالیزم پدیدمی آید؛ طبق قانون حکومت اقویا باید تمام مقررات و قوانین را متلاشی سازیم و برای آنهایی که داوطلبانه از لیبرالیزم دست کشیده و تسلیم ماشده اند منجی شویم!!!

در شرایط کنونی که تمام قدرتهای جهان دارای پایه های لرزانی هستند؛ قدرت سیاسی ما دارای پایه های استواری است زیرا که وجود آن محسوس نیست؛ زمانی قدرت ما تجلی خواهد کرد که هیچ گونه خطری آن را تهدید نکند؛ قدرت های سیاسی جان به سبب اعمال لیبرالیسم؛ دچار مشکلات شدیدی هستند؛ و وظیفه ما این است که فارغ از این گونه مشکلات؛ بفکر پی ریزی حکومت آینده خود باشیم؛ ما باید در طرح های خود بیشتر بر ضروریات فکر تا به اخلاقیات و بیشتر به هدف ها توجه داشته باشیم تا بوسیله ها!!!

اکنون طرحی در پیش روی داریم که خطر اصلی سیاسی آینده مان را میخویم از متن استخراج کنیم؛ این طرح بذکر عواملی که حاصل چند قرن اندیشه ای و کار آدمی را به درد داده اند؛ میپردازیم؛ از این رو نمیتوانیم نقش این عوامل را نادیده بگیریم!!!

برای آنکه سیاستمان عملکرد رضایت بخشی داشته باشد؛ نخست باید توده مردم را بشناسیم و بسستی اندیشه؛ عدم درک عوام و عدم توجه آنها بر فاه خویش پی ببریم باید بدانیم که قدرت توده مردم؛ قدرتی نامعقول است؛ کسی که از احوال توده مردم اطلاعی ندارد؛ نمیتواند آنها را ارده کند و نیز کسیکه دانش سیاسی نداشته باشد؛ حتی خیلی هم تیزهوش باشد؛ نمیتواند توده ناآگاهی را رهبری کند و سرانجام جامعه را بپرده گاه سقوط سوق میدهد!!!

تنها کسانی که از همان اوان خردسالی برای رهبری ت ر بیت می شوند؛ میتوانند بمفهوم کلماتی که از الفبای سیاست تشکیل شده اند؛ پی ببرند!!!

اگر فردی که از دانش سیاسی بهره ندارد؛ بر سر کار آوریم؛ دیری نمیپاید که در اثر اختلاف میان احزاب؛ قورت را از دست داده سقوط میکند؛ آیا میتوان اداره اموریکه جامعه را به افرادی که صرفاً بمنافع خود توجه دارد و هنگام رسیدگی به امور بمنافع خویش فکر میکنند؛ محول کرد؟! آیا اینگونه افراد میوانند از خود در برابر دشمن دفاع کنند؟ اگر تصور کنیم که در میان توده مردم کسانی یافت میشود که توانایی اداره امور جامعه را دارد؛ در آن صورت همانگی امور سیاسی را بهم زده ایم و اجرای برنامه هارادشوار ساخته ایم!!!

ماستمگریم

تنهایی یک فرمانروای مستبد و سختگیر میتوانیم طرح هایی را که در پیش داریم بمرحله اجرا در آوریم و در میان دستگاه های مختلف دولت که بمثابة یک ماشین عمل میکند؛ نوع هماهنگی برقرار کنیم؛ لذا میتوان چنین نتیجه گرفت که مناسب ترین نوع حکومت برای یک کشور؛ حکومتی است که در آن قدرت بیک نفر تفویض بشود! بدون وجود یک حکومت مطلقه مستبد؛ تمدن نمیتوان بحیات خود ادامه دهد و این تمدن تنها بوسیله رهبران و نخبه ها بارور میشود و بوسیله توده های ناآگاه؛ توده ای از مردم وحشی هستند و توحش خود را در هر مقعیتی نشان میدهد!!! هنگامیکه توده ها؛ آزادی بدست آورند؛ آزادی بصورت هرج و مرج که خود اوج توحش است جلوه گر میشود!!!

اعتیاد الکل و افراط در نوشیدن نوشابه های سکر آور؛ مشکلی است که پس اعطای آزادی در میان غیریهودی ها رواج پیدا میکند؛ بر ما یهودی ها لازم است که در چنین مسیر کام برداریم؛ مردم غیر یهودی از همان آغاز جوانی بوسیله عوامل ما بی بندوبدون اخلاق بار می آید؛ عوامل ما عبارتند از؛ معلمان سرخانه؛ خدمتکاران؛ منشی ها و زنانی که در خانه های ثروتمندان بچه داری میکنند؛ بگمان زنان یهودی مردان غیریهودی را در عشرگدها و محل های عیاشی بفساد اخلاقی مکشائیم و آنها را از جاده عفت و پاک دامنی منحرف میسازیم؛ من این جامعه را که بدست زنها بفساد کشانده میشود؛ جامعه زنان نام می نیم؛ زیرا که در فساد و تجمل پرستی دنباله رء دیگرانند!!!

دولت ما بجای آنکه ترس از جنگ را در مردم ایجاد کند؛ از طریق اعدامهای ظاهر آقانونی؛ مخلفان را از سر راه بر میدارد و با ایجاد چنین ترسی خود بخود مردم را وادار بتسلیم میکند؛ زیرا که بی رحمی و سنگدلی در مجازات؛ موجب ثبوت و استحکام دولت است؛ بنام انجام وظیفه و با اعمال مجازاتها شدید و دربی رحمانه می توانیم دولت ها را وادار کنیم که بدون قید و شرط تسلیم ماشوند!!! منطق مازورگویی و متقاعد کردن است؛ در مسائل سیاسی تنها زور است که پیروز میشود؛ بویژهاگر رهبران سیاسی بتواند آن را مخفیانه اعمال کنند؛ اگر فرمانروایی نمیخواهد تسلیم دیگران شو؛ باید با خشونت و نیرنگ بمتقاعد کردن دیگران که از اساسی ترین اصول حکومت هستند؛ متوسل شوند؛ تا زمانی که غیریهودمانع رسیدن

ما به هدف هایمان باشند باید فساد؛ خیانت ورشوه خواران را رواج دهیم؛ اگر چپاول کردن امودل مردم منجر بتسلیم شدن آنها را در بار بر حکومت بشود؛ نباید در انجام این کار تردید بخود راه دهیم!!!

ما به آزادی خاتمه می دهیم

اگر تاریخ گذشته نگاهی بیفکنیم؛ در میابیم که نخستین قومی بودیم ندای آزادی؛ برابری؛ و بر داری را سردادیم؛ این کلمات بعدها بوسیله مردم غیر یهودی؛ احمقانه و طوطی وار تکرار شدند و ناآگاهانه خود را گرفتار ساختند و آزادی را که در برابر فشارهای توده ناآگاه چون سد نحکی بودند؛ خرمندان غیر یهودی نمیتوانند خود را از مطلق گرایی و ذهنیت و عالم تجرد بیرون آورند و واقعیات را قبول قرار دهند؛ آنها هیچ گاه متوجه تضاد موجود میان آنچه میگویند؛ و آنچه عمل میکنند؛ نمیشنوند؛ آنها متوجه نمیشوند که افراد؛ دارای استعداد ها؛ قابلیت ها و شخصیت های متفاوتی هستند؛ آنها باور نمی دارند که توده مردم کور و ناآگاه است؛ آنان باور نمی دارند؛ کسیکه از میان توده مردم برخیزد؛ نمیتواند بهر بشوند؛ آنها نمی پذیرد که استعداد رهبری در میان یک تبار از پدر بفرزند منتقل میشود؛ آنان بانادیده گرفتن چنین حقایق برخلاف موازین گام برداشتند و مامی بینیم که مسئله ارئی بودن رهبری بدست فراموشی سپرده شده و همین امر هم باعث شده است که ما روز به روز موفقیت نزدیک تر شویم!!!

اشاعه کلمات چون آزادی برابری و برادری در چهار گوشه دنیا بما نسبت داده میشود؛ ما باید از عوامل خودمان که نا آگانه پرچم ما را باشور و شوق فراوان برافراشته اند؛ سپاسگزار باشیم!!!
 میدانیم که کلمات مذکور در طول تاریخ همچون آفت؛ رفاه؛ صلح؛ آرامش؛ همکاری و اساس حکومت غیر یهودیان نابود کرده اند؛ البته بعداً یاد آور خواهیم شد که عوامل دست نشانده ما چگونه پیروزی نهایی کمک خواهند کرد یا این امکان را میدهند که ورق برنده بدست ما بیفتد!!!

معنای این کلام آن است که در آینده خواهیم توانست هر نوع امتیازی را از سدّی در برابر پیروزی مان قرارداد؛ نابود کنیم و بر خراشه ای راکه چون غیر یهود؛ آرس توکراسی خود راکه مبتنی بر ثروت و رهبری افراد تحصیل کرده است؛ بنانهیم؛ باز یاد آور میشویم که دانش و ثروت دو شرط اساسی؛ برای تشکیل این آرس توکراسی هستند؛ ثروت را در اختیار داریم و دانش رهبری را احکمای پیشین برایمان فراهم آورده اند!!! اگر در ارتباط با دیگران؛ دست روی حساس ترین عصب ذهن آدمیان بگذاریم؛ خیلی زود پیروزی خواهیم رسید و این اعصاب حساس ذهن آدمی؛ عبارتند از؛ زراندوزی؛ مال پرستی و تنوع طلبی در ارضاء نیازهای مادی؛ هر یکی از این خواسته ها بتنهائی می تواند آدمی را تسلیم میکند؛ مجرد و ذهنی مسئله آزادی بما کمک میکند که بتوده های مردم در سراسر دنیا بفهمانیم که دولت هایشان فقط ناظر خرج ثروت های مردم هستند و میتوان دولت هارا مانند دستکش های کهنه زود برود غرض کرد!!!

از آنجاکه تغییر دادن رهبری های ممالک جهان؛ مقدور و میسر
میباشد و از آنجاکه میتوانیم نقش بیسار مهمی در این گون تغییر
تحولات داشت باشیم؛ از این رو برایمان آسان خواهد بود که
اختیار انتصاب و انتخاب رهبران جهان را بدست گیریم!!!

پروتکل شماره ۲

تا آنجا که مقدور باشد؛ بای از بروز جنگی که بسودناحیه ای خاص منجر شود؛ جلوگیری کنیم؛ آنگاه جنگ را بصحنه اقتصادی میکشانیم تا طرفین متخاصم بخوبی تسلط همه جانبه ما را دریافته و تسلیم عوامل بین المللی ما شوند؛ حقوقی بنام بین المال وضع خواهیم کرد که جایگزین حقوق ملی کشورها شده و ناظر بر روابط بین ملل باشد؛ همان گونه که قوانین حقوقی یک کشور؛ بر روابط افراد آن کشور نظارت دارد!!!

اطاعت بی چون و چرا از مهم ترین شرایط است که ما برای انتخاب مدیران در نظر میگیریم و هیچ ضرورتی ندارد که آنها در زمینه مدیریت تحصیلات و اطلاعاتی داشته باشد؛ همچون مهره شطرنج در دست مشاوران و متخصصانی خواند بود که از کودکی آنها را برای اداره امور جهان تربیت خواهیم کرد!!!

همان طوریکه نیک میدانید؛ این گونه مشاوران را طوری تربیت میکنیم که برای احراز مقام هایی که به آنها محول میشود؛ واجد شرایط باشند؛ به علاوه آنها را در زمینه امور سیاسی؛ تاریخ و تحلیل وقایع؛ آموزش میدهیم؛ میدانیم که غیر یهودی ها طوری تربیت شده اند که نمیتوانند وقایع تاریخی و مشاهدات خودی را

بدون پیش داوری تحلیل کرده و از این تحلیل ها نتیجه عملی بگیرند و یافته هارا؛ راهنمای عمل خوایش قرار دهند؛ بنابراین؛ ضرورتی ندارد که ما به آنه اهمیت بدهیم بگذار که سرگرم شوند و عمری را در آرزو و امید بسر ببرند و بخاطرات گذشته خویش نمایند؛ بگذار خود را با اصولی که ما بنام علم (تئوری) به آنها دیکته کرده ایم؛ سرگرم کنند؛ توجه به این هدف مابیاری مطبوعات (رسانه های گروهی) اعتمات عیریهودی ها را به صحت این تئوری هاحلب میکنیم؛ روشن فکران غیر یهودی علوم را بطوری مجزا از هم مورد تحقیق قرار میدهبوی آنکه خود متوجه باشند؛ اطلاعات فراوان و نتایج گران بهایی رافراهیم می آورند؛ ولی آنها را در متن عمل پیاده نمیکنند؛ اما عوامل ما اطلاعات دست آمده از این گونه تحقیقات را با هم تلفیق و ترکیب کرده تابیک کل دست یابند و فکر خود را در جهت خواست های ما پرورش دهند!!!

تعلیم و تربیت ویرانگر

فکر نکید آنچه که در بالا گفته شد تنها یک حرف است؛ دقت کنید که ما چگونه موفق شدیم داروینیسیم؛ مارکسیسم و نیچه ایسم را بال و پر بدهیم؛ یهودیان باید بسادگی به اهمیت نقش وانگرنظریه های بالا؛ روی ذهن واندیشه غیریهودی پی ببرند!!!

برای آنکه در مسائل سیاسی دچار لغزش و اشتباه نشویم باید بطرز تفکر تمایلات و خصوصیات ملل مختلف توجه دقیق داشته باشیم؛ به عبارت دیگر سیستم ما بمثابة ماشین بزرگ است که اجزاء آن بمقیاس وسیعی متناسب باخلق و خوی؛ آداب و رفتار مردمی که در جهت هدف هایمان گام برمیدارد؛ کار میکند از این روبرای آنکه باشکست مواجه نشویم؛ باید از تجربیات گذشتگان استفاده کنیم!!!

میدانیم که ممالک جهان از مطبوعات به عنوان وسیله ای هدایت فکر مردم در جهت دلخواهشان استفاده میکنند؛ لذا برای آنکه بتوانیم از مطبوعات در جهت خواسته های خود استفاده کنیم؛ باید در بین مردم نارضایی ایجاد نماییم و سپس از طریق مطبوعات نارضایی ها را انعکس سازیم!!!

میدانیم که آزادی بیان؛ تنها از طریق آزادی عمل تضمین میشود؛ اما مردم غیریهودی نیدانند چگونه از مطبوعات استفاده کنند؛ خوشبختانه این وسیله بدست ما افتاده است و ما میتوانیم از طریق مطبوعات؛ اعمال نفوذ کنیم جای بسی خوش بختی است که ما علاوه بر مطبوعات؛ طلا را هم در اختیار داریم؛ ولی باید یادآور شد که ما این دو عامل را؛ باز خودگذشتگی فراوان و از میان اقیانوسی از خون و اشک بدست آورده ایم و برای دست یابی به آنها قربانیان فراوانی داده ایم؛ البته هر قربانی ای که ما میدهیم؛ از نظر خداوند با هزار قربانی غیریهودی برابر است!!!

پروتکل شماره ۳

میخواهم اعلام کنم که تاريسدن بهدف هایمان؛ فاصله چندان نداريم؛ اگرچندقدمی راکه درپيش داریم طی کنیم؛ سرودوماری که سمبل قوم ماست بهم وصلخواهدشد و حلقه ای بودمی آید؛ معنای کامل شدن حلقه آن است که تمام های اروپایی درون این حلقه محصور خواهند شد و تحت نفوذ ما قرار خواهند گرفت!!!

موازين قانون کشورهای بزودی درهم خواهندشکست زیرا ما از همان آغاز تاسيس آنها را بانوع عدم تعادل ایجاد کرده ایم و آنها بسبب همین عدم تعادل بنوسازی میکنند و سرانجام محور راکه بدورش میچرخند فرسوده میسازند؛ غیریهوديان می پندارند که معيارهای قانونیشان از تعادل و ثبوتی هميشگی برخوردار است؛ اما میدانند که روزی با عدم تعادل موازين قانونی خود مواجه میشوند در این گونه جوامع؛ رهبری؛ چون محوری است که بوسیله درباران احاطه شده و درباريان آن قدر بر او میشوند تا سرانجام او را از پای در آورند؛ به عبارت دیگر؛ رهبر از مردمی که مایه قدرت هستند؛ فاصله میگردند و نمیتوانند با آنهايي که بدنبال کسب قدرت هستند؛ مقابله کند و در نتیجه مغلوب میشود؛ البته این ما هستیم که میان رهب و توده مردم شکاف عمیقی ایجاد کردیم و قدرت را از هر دو سلب نموده و هر دو را چون کور و عشا از هم جدا ساخته ایم!!!

برای آنکه قدرت طلبان جهان پس از دست و پای بقدرت؛ نتوانند از آن بحو مطلوبی استفاده کنند؛ ما از پيش تدابیر ویژه ای اندیشیده ایم؛

نخست آنکه تمایلات قدرت طلبان را از آزادی خواهی؛ معطوف و متوجه استقلال طلبی و میکنیم و دوم آنکه احزاب گوناگون بوجود می آوریم و آنها را رو در روی هم قرار میدهیم؛ سوم آنکه بوجود آمدن قدرت های بزرگ جلوگیری میکنیم و وضعی پیش می آوریم که دست پایی بقدرت برای هرکسی هدف بشود؛ سرانجام دولت ها را بصورت صحنه مبارزات گلائیاتوری درمی آوریم تتاستیزه و جدال بر سرمسائل مبهم و پیچیده ادامه یابد و بی نظمی گسیختگی؛ همه جهان را فراگیرد!!!

سخنان بیهوده؛ پوچ؛ پوشالی و بی پایان بصورت نطق؛ مباحثه و گفت و گو وقت دیوانیان و مجلس نشینان و هیئت مدیره هارا ضایع کرده است؛ روزنامه نگاران خیلی بی پروا پیرو پای مقمات اجرایی دولت مایچیده اند؛ مؤسسات و سازمانها؛ تیزی دشنه سوءاستفاده از قدرت را روی گردن خویش احساس میکنند؛ بزوری همه چیز در اثر یورش دیدانه و ارتوده هامنفجزوبه آسمان پرتاب خواهد شد!!!

فقر؛ اسلحه ماست

زنجیرهای که انسانها را بدام و تله فقر میبندند؛ بمراتب محکمتر از زنجیر بردگی است؛ از زنجیر بردگی است؛ ببیان دیگر، زیر یوغ بردگی میتوان بخوبی آزاد شد؛ ولی رهایی از یوغ بینوایی و فقر؛ بسیار دشوار است؛ مادر قانون اساسی خود؛ حق رفاه مادی توده ها را بصورتی خیالی؛ اما نه بگونه ای واقعی؛ گنجانیده ایم و هرگز همه به این حق جامعه عمل نمی پوشانیدیم؛ اگر قرار که هر فرد؛ حق گفتن هر حرفی را داشته باشد؛ اگر قرار شود که هر روز نامه نوسی؛ حق نوشتن هر مطلبی را اعم از خوب و بد پیدا کند؛ اگر هر کارگر زحمتکش و پرولتری؛ که دست تقدیر او را بکار وابسته کرده است؛ از لحاظ اقتصادی خود کف باشد و نیز اگر بدانکه قانون اساسی منافعش را تضمین نمیکند؛ فردا برای انتخاب نمایندگان بپای صندوق رأی نمی رود بنمایندگان که در واقع عوامل دست نشانده ماهستند؛ رأی نیده؛ برای آنکه چنین وضعی پیش نیاید؛ بسیاری از اصولی که رفاه اقتصادی او را تضمین میکند از متن قانون حذف میکنیم و در عوض فقط به او حق اعتصاب اعطاء میکنیم تا از این طریق وابستگی اش بر رفتاری هم مسلکش و نیز شرایط که کارفرمایش بر او تحمیل میکند؛ بیشتر شود!!!

ما از کمونیسم پشتبانی میکنیم

نابودی آریستوکراسی بنا بر راهنمایی ما بوسیله عوامل ماصورت میگیرد؛ با نابودی آریستوکراسی داستان پایان نیافت و این بار پول پرستان بشیوه دیگر دام خود را بر سر راه مردم پهن کردند و همان

طوریکه امروز می بینیم؛ پول پرستان یوغ استثمار خود را بر گردن کارگران نهاده و آنها را شدیداً به اسارت گرفته اند؛ ما بر روی صحنه؛ نقش حامی کارگر را بازی میکنیم و بدین سان زیر شعار همکاری برابری و تحت شعار «اشتراکی مساعی جهانی» و نیز مطابق اصول فرماسونری خویش؛ کارگران را بصف نیروهای جنگی جوی خویش؛ یعنی سوسیالیسم؛ آنارشیزم و کومونیزم میکشانیم؛ آریستوکراسی از حمایت قانون برخوردار بود و از کار و دست رنج زحمت کشان ارتزاق مگرد؛ بهمین لحاظ بخاطر حفظ منافعش؛ همواره بتغذیه و سلامت کار

فراماسون (Freemason) به انجمن های گفته میشود که دارای فعالیتهای پنهانی هستند و اعضای این انجمنها نباید آیین و رسوم آن را بازگو کنند؛ دستگاه فرماسونری دارای انجمنهای محلی است موسوم بلژ؛ انجمنهای فراماسونری بوسیله لژها با هم ارتباط پیدا میکنند؛ در ابتدای قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی دستگاه فراماسونری رونق سیاسی بسیار یافت و پادشاهان و سیاستمداران فراوانی به عصویت آن درآمدن؛ جورج واشگتن؛ اولین رئیس جمهوری آمریکا؛ گوته شاعر آلمانی و ادوارد هفدهم پادشاه انگلیستان عصویت این دستگاه را داشتند؛ در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ شعب دستگاه فراماسونری در خاور میانه تاسیس شد و لژها آن در کشورهای ایران؛ مصر و ترکیه بوجود آمد و وسیله ای برای پیشرفت سیاست های اروپایی در این کشورها شد؛ در زمان ناصرالدین شاه؛ میزاملکم خان؛ اولین لژ فراماسونری در ایران برپا کرد؛ اما به علت مخالفت حکومت و فت دوام زیادی نکرد؛ پس از میزاملکم خان؛ لژهای فراماسونری و انگلیسی در ایران بوجود آمد و به فالیتهای سیاسی خود تا قبل از پیرزی انقلاب ادامه دادند؛ (دائرةالمعارف فارسی؛ جلد دوم؛ بخش اول صفحه ۱۸۵۲). برای اطلاع بیشتر از نحوه فعالیت های فراماسونری در ایران بکتاب «فرماسونری در ایران» نوشته اسماعیل رانین رجوع شود!!!

گران تتوجه خاص داشت و میخواست که کارگر؛ سالم ونیرومند باشد تابهترو بیشتراز او بهره کشی کند؛ اما موضع مادر دست مخالف این نظریه است؛ ما بمرگ ومیروکشتار غیریهودیان فکر میکنیم؛ به عبارت دیگر قدرت ما؛ درگروکاهش مستمر مواد غذایی وضعف جسمی کارگرمیباشد؛ زیرا که از این طریق میتوانیم کارگر را به اسارت خود درآوریم تا او را در اختیار داشته باشیم و نتواند علیه خواست های ما اقدام بکند؛ تسلطی که از طریق ایجاد گرسنگی بر کارگران بدست می آید؛ بمراتب مطمئن تر از تسلطی است آریستوکراسی بمدد قانون و شاه کسب کرده بود در میان توده مردم؛ حسد؛ نفرت وزیاده خواهی ایجاد میکنیم تا ازخشم مردم استفاده کرده وهمه موانعی راکه برسر راهمان قرارداد بادست های آنها ریشه کن سازیم!!!

هنگامیکه زمان موعود فرارسید منجی عالم بشریت برارکه سلطنت جلوس کرد وتاج شاهی برسر نهاد؛ بادست های توده مردم همه موانعی راکه برسر راه حکومت جان گیرش قرارداد؛ بر میداریم؛ غیریهودیان عادت بفکر کردن را ازداده اند؛ مگر آنکه متخصصان ما به آنها آگاهی بدهند؛ بنابراین آنها قدرت تشخیص ودرک برنامه هایی که ما برای رسیدن بحکومت جهانی درپیش داریم؛ ندارند؛ از این روبرماست که در مدارس دولتی؛ اطلاعات ودانش های پایه ای؛ چون تشریح خوصیات روحی(روانشناسی)به آنان بیاموزیم وبمدد این گونه اطلاعات به آنها بقبولانیم که افراد از لحاظ قابلیت واستعدادها یکسان نیستند و از لحاظ سلیقه ها و هدفهای زندگی

باهم اختلاف دارند؛ پذیرفتن اختلافات فردی؛ تقسیم کار را متناسب استعدادهای ایجاد میکند و وقتی که انسانها بر حسب اصل تقسیم کار طبقه بندی شدند؛ خود بخود جامعه طبقاتی بوجود میپذیرند که همه طبقات در برابر قانون یکسان نیستند؛ پس از اینکه چنین اطلاعاتی بخورد آنها دادیم با رغبت تسلیم ما میشوند و هر نوع شغلی را که به آنها دهیم؛ قبول میکنند؛ از سوی دیگر؛ چنین نظام تربیتی؛ انسانها را و میدارد که هر نوع نوشته را یا هر سنخی را کورکورانه و بدون چون و چرا بپذیرند؛ همچنین بسبب درک ضعیفشان از امور؛ میتوان نفرت آنها در هر شرایط و هر موقع که لازم باشد برانگیخت!!!

یهودیان سالم خواهند ماند

وجود بحران اقتصادی؛ نفرت غیریهودیان را افزایش میدهد و صنعت را دچار رکورد میسازد؛ در این هنگام ما میتوانیم بمدد عملیات مخفیانه و نیز بیاری طلا که را بدست آوریم؛ آتش بحران اقتصادی را شعله ورتر سازیم و کارگان را در سراسر اروپا بخیابانه بریزیم؛ توده مردم بسبب نا آگاهی هایشان و نیز بسبب وجود بذرحسدی که ما در همان آغاز کودکی در ذهنشان کاشته ایم؛ آماده میگردند که چون کارفرمایان را بریزند و اموال آنها را به غارت ببرند؛ ما در این میان سالم خواهیم ماند و اموالمان بیغما نخواهد رفت؛ زیرا که از زمان شروع حادثه بخوبی آگاهی و میتوانیم بموقع برای حفظ خویش تدابیری بیندیشیم؛ نشان دادیم که چگونه با

گذشت زمان؛ غیریهودیان تسلیم حکومت ما خواهد شد؛ زیرا که بخوبی میدانیم که چه موقع باید آزادی و آزادی خواهی را از تمام مؤسسات ریشه کن سازیم؛ هنگامیکه توده‌های مردم می بینند که تمام امتیازها زیر عنوان آزادی به آنها اعطاء میشود؛ تصور می کنند که میتوانند رهبری جهان را بدست گیرند؛ ولی بزودی خود را برهنمایی ما نیازمندی بینند و دوستی؛ قدرت را در اختیار مامی می‌گذارند و رهبری تام اختیار امور را بدست ما می سپارند؛ اگر انقلاب فراسه را بیاد آوریم؛ در مییابیم که عنوان و لغب کبیر را به آن دادیم؛ مقدمات آن را فراهم کردیم و خلاصه آنکه طراحی آن را ما به عهده گرفتیم؛ از دیرباز تا کنون بشر را از قید و بند های فراوان رهایی بخشیده ایم و در آینده او را راهنما خواهیم شد تا سرانجام در برابر پادشاهی که خون قوم بنی اسرائیل در رگهایش جریان دارد سر تعظیم فرود آورده و بحکومتی که برای جهان تدارک می بینیم؛ تسلیم شود؛ در حال حاضر ما یک نیروی بیت المللی شکست ناپذیریم که از یک طرف مورد حمله قرار میگیرد و از طرف دیگر حمایت مشویم از ویژگی ها و ردالت های مردم غیریهود؛ آن است که از زورگواطاعت میکنند و نسبت بمردم ضعیف؛ فوق العاده بدون ترحم هستند؛ از سویی؛ تحمل تضادها و برخورد عقاید را ندارند و از سوید یگر؛ حاضر میشوند که زیر فشار و خشونت رژیم مستبد جان بدهند و لب بشکوه نگشاید؛ وجود چنین خصلت هایی در مردم غیریهود مستقل بودن ما را مشخص میکند مردم غیریهودی از همه دکتاتورهای زمانه؛ ستم فراوان کشیده اند؛ ولی در عوض فقط بیست تن از

این دکتاتورها را سربریده اند؛ پراستی عامی پدیده های فوق الذکر را چگونه تعبیر میکنند و نظر آنها در باره وقوع چنین پدیده هایی که ظاهراً ارتباط چندانی باهم ندارند چیست؟! تعبیر این گونه پدیده این است که دکتاتورها از طریق عواملشان زیرگوش توده مردم برابری؛ تأمین رفاه همگان را زمزمه میکنند؛ ولی زیرگوش توده وحدت تنهادرسایه حکمرانی یهود ممکن و میسر است و در نتیجه امر ب مردم مشتبه شده؛ در دستکار؛ مکحوم و خیانتکار؛ تبرئه میشود و این وضع همچنین ادامه مییابد تا آنجاکه خدا بخواهد؛ پراستی ما باید شکرگذار و راضی از اوضاع باشیم؛ زیرا که مردم هرگونه نظمی را ببی نظمی مبدل میکنند که نتیجه این اوضاع بسودما است؛ کلمه آزادی جوامع انسانی را بجنگ علیه هرگونه زور و قدرتی برمی انگیزد؛ حتی علیه خداوند و فواین طبیعت؛ از این روزمانی که ما بسطنت رسیدیم؛ باید واژه آزادی را قاموس و فرهنگی زندگی حذف کنیم؛ زیرا که این واژه توده های مردم را بجانورانی خون خوار مبدل میکند؛ این جانوران خونخوار و قیتکه شکم هایشان از خون و خونابه سیروسیران شد؛ بخوابی عمیق فرو میروند و از همه چیز بیخبر میشوند در این حالت بخوبی میتوان آنها را بزنجیر کشید؛ زیرا که اگر خون نیاشامند؛ نخوهند خوابید و کشمکش همچنان ادامه مییابد!!!

پروتکل شماره ۴

هر جمهوری و حکومت چند مرحله را پشت سر می‌گذارد در مرحله نخست؛ حکومت شکل ثابتی ندارد و بوسیله توده مردم از سویی بسوی دیگر کشانده میشود؛ در مرحله دوم؛ حکومت شکل عوام فریبی بحوبی می‌گیرد؛ پس از آنارشیسم بوجود می‌آید و سرانجام استبدادی منجر میگردد البته میان حکومت مطلقه ای بصورت قانونی در می‌آید؛ خود را در مردم مسئول و متعهد میداند و نیز خط مشی آن کاملاً آشکار است و با حکومت مستدانه ای که ناشی از هرج و مرج است؛ تفاوت فراوان داد؛ حکومت استبداد و مطلقه که زاده هرج و مرج است، با وجود آشکار بودن مظاهر استبدادیش؛ میکوشد تا چهره واقعی خود را مخفی بدارد این نوع حکومت بوسیله دست های پنهان و سازمان های مخفی اداره میشود؛ کارگرنانان این گونه رژیم بهمان اندازه اندازه که بی پروا هستند؛ بهمان نسب هم پرده پوش میباشد؛ تغییر دادن آنها بهمان اندازه که ممکن در سقوط رژیم مؤثر باشد؛ بهمان نسبت هم به عوامل مخفی کمک میکنند تا حکومت را از خطر سقوط کنند!!!

جه کسی میتوند بایک قدرت نامحسوس درافتد، و آن را واژگون سازد؟! این ماهستیم که چنین قدرت نامحسوس داریم؛ اگرچه فرا و اسونری های غیریهودی؛ کورکورانه در خدمت ماهستند و برای مٹاصدماکار میکنند؛ اما برنامه های ماهمچنان برای آنها و دیگران ناشناخته و اسرار آمیز باقی خواهد ماند!!!

ما اعتقاد به خدا را متزلزل میکنیم

اگر آزادی بر خدا پرستی مبتنی باشد؛ با! برادری؛ انسان دورستی و برابری پیوندی داشته؛ برای جامعه بی زیان باشد؛ برفاء عمومی لطمه وارد نسازد و در اقتصاد هم برای خود پیدا کند؛ بربلازم است که هم احترام به آزادی و اعتقاد به خدا را در میان مردم غیریهودی از بین ببریم و نیازهای مادیرا جاگزین این گون اعتقادات سازیم؛ اما اگر اعتقاد به خدا موجب شود که ما بر مردم حکومت کنیم؛ در این صورت باید بتبلیغ دین بپردازیم و بارهنمایی مردان روحانی مردم را بتسیم و اداریم!!!

برای آنکه بتوانیم قدرت اندیشیدن را از مردم غیر صهیونست سلب کنیم؛ باید فکر آنها را متوجه صنعت و تجارت کنیم؛ سرگرم شدن آنها بدادوستد و اندیشیدن به منفعت؛ باعث میشود که دشمن مشترکشان را فراموش کنند؛ از سوی دیگر؛ بصنعت جنبه احتکاری مدهیم؛ بدین معنی که ببهای صنعتی شدن؛ بسیار از زمینه ها نادیده گرفته میشوند که سرانجام بدست مامی افتد؛ و ما آنها را احکار میکنیم!!!

افزایش روزافزون رقابت بمنظورپیش افتاده درزندگی ازسویی ونابسامانی های اقتصادی ازسوی دیگر؛ مردم را سرخورده و افسردن میکند نفرت انهناسبت بمقام های رتیه اداری مذهبی و سیاسی اوج میگردد؛ طلا به عنوان وسیله ای برای ارضاء نیازها مادی مردم موردتوجه واقع میشود؛ ظرفیت مردم بمرز میرسد و برای قیام آماده میشود؛ قیام مردم برای کسب ثروت است نه اشاعه خوبی ها؛ زیراکه این از نفرت منبعت میشود؛ ببیان دیگر؛ نفرت طبقه محروم از ممتاز جامعه؛ موجب قیام می گردد؛ قشرهای پایین جوامع غیردرپی رهنمودهای ماعلیه طبقه ممتاز بپا میخیزیم و سرانجام با حریفان ما؛ یعنی علمای غیر یهودی برسر قدرت بنیرد پردازند!!!

تروتکل شماره ۵

در هر جوامعی که فساد همه جا را فرا میگیرد؛ جمع آوری ثروت تنها از طریق تقلب و نادرستی امکان پذیر میگردد قدرت دولت رو بضعف مینهد؛ قیود اخلاقی تنها از طریق مجازات های سنگین سازی و جاری میشود؛ قوانین و مقررات ضمانت اجرای ندارد؛ مردم در برابر سر نوشت جامعه شناسان احساس مسئولیت نمکند و مقررات بین المللی نیز نادیده گفته میشود با اعمال چه روشنی و بکمک چه سیستم مدیریتی؛ میتوان این گونه جوامع را اداره کرد؟ پاسخ این است که سیستمی فوق العاده «متمرکز» و مقتدر که تمام قدرت های درون جامعه را بدست گیرد؛ میتوان در مورد کار آمد باشد بدن معنی که تمام فالیت های سیاسی مردم زیر نظر گرفت و تمام آزادی هایی را که رژیم های غیر یهودی بمردم اعطاء کرده اند؛ بتدریج سلب کرد و زمینه ای را فراهم آورد که مردم بتوانن گسیختگی ها و ناهنجاری های رژیم غیر یهود را دریافته و بشاهنشاهی قوم ما ایمان آورند؛ آنچه در بالا گفته شد؛ باید انگاره؛ الگور و راهنمای عمل ما در تمام زمان ها و مکان ها باشند تا بتوانیم به این وسیله تمام کسانی را که چه حرف و چه در عمل مخالفت ما هستند؛ از سر راه برداریم!

ممکن است ادعا شود که چنین انگاره و الگوهایی با پیشرفت هایی امروزه سازگار نیست؛ ولی کژی نودرستی این ادعارانشان میدیم!!!

سالیانی بس دراز؛ مردم باور داشتند که شاهان بنایع اراده خدا بر مردم استیلا یافته اند و در نتیجه همیم تصور؛ بدون تردید ودلی تسلیم آنان میشوند؛ ولی از زمانی که ما از حقوق انسانها سخن بمیان آوردیم؛ تزلزلی در اندیشه آدمیان نسبت بجاودانی بودن حکومت شاهان ایجاد کردیم و تقدس شاهان را در چشم مردم از بین بردیم و نیز هنگامیکه اعتقاد مردم را نسبت بخدا تضعیف کردیم قدرت را از کاخ شاهان بخیایانها کشدیم و آن را در مالکیت متمركز ساخیم و سپس آن را به غنیمت بردیم!!!

جهت دادن بفکر و اندیشه مردم غیر یهودی بکمک سخن پردازی و تئوری های و سوسه انگیز؛ کارمختصان و مدیران با ما است مایهودیان در مشاهده امور؛ تجزیه و تحلیل آنها؛ محاسبات دقیق مسئل مالی حرح برنامه های سیاسی و نیز همکاری بایکدیگر؛ رقیبی نداریم؛ تنها ممکن است یسوعی هادرزمینه با ما رقابت کنند؛ البته برنامه های طرح کرده ایم کای قوم را در توده مردم نا آگاه و بی اعتبار سازیم؛ ضمناً باید یادآور شویم که ما بصورت یک سازمان مخفی عمل کنیم!!!

احتمال میبرود که برای مدت زمانی معین؛ غیر یهودی هادر سراسر دنیا با هم سازش کنند و این سازش انیت ما را بخطر اندازد؛ ولی از این خطر جان سالم بدر خواهیم برد؛ زیاده اختلاف موجود آنها بسیار وسیع و ریشه دار است؛ و آنها به این رودی هاجرأت چنین

سازشی را پیدا نخواهد کرد؛ ماطوری مردم را بجان هم انداخته ایم که همه به مدیگر بدگمانند؛ مفرت مردم از یکدیگر بخاطر تعصبات مذهبی و نژادی که در طول بیست قرن گذشته تبلور یافته است؛ اجازه نخواست داد که مردم به این سادگی بایکدیگر آشتی کنند بهمین دلیل اگر ملتی بخواهد اسلحه اش را علیه ما بردارد؛ دولتی پشتیبانی خود نخواهد یافت؛ بنابراین دولت های غیر یهودی باید بخاطر بسپارند که هر نوع تبانی و توافق علیه ما فر نفسه زیان بخش خواهد بود؛ قدرت ما فوق العاده است و در آن تردیدی نیست؛ بدون حضور دست های پنهان ما؛ ملت ها نمیتواند حتی برسریک مسئله ناچیز و خصوصاً صی باهم بتوافق برسند؛ پیامبران گفته اند «ما قومی هستیم که بوسیله خدا برگزیده شده ایم تا فرمانروای مردم سراسر جهان باشیم» خداوند بقوم ما هوش و ذکاوت سرشار اعطاء کرده است؛ ما کفایت و لیاقت آن را داریم تا مسئولیت بر هبری جهان را به انجام برسانیم؛ البته اقوام دیگری هستند که هوش و ذکاوت برخوردارند ولی آنها تازه بدوران رسیده های هستند که نمیتوانند حریف ما بشوند؛ اگر کشمکش و درگیری بین ما ایجاد شود؛ کشمکش و حشتناک خواهد بود؛ و آنها را برای برابری با ما ندارند؛ زیرا خیلی دیر رسیده اند!!!

انحصار سرمایه

تمام چرخهای ماشین هر دولت بکمک موتور حرکت میکند که این موتور در دست ما میباشد و آن طلاست؛ حکمای ما تدابیری اندیشیده اند که سرمایه از ارزش فوق العاده ای برخوردار باشند؛

برای آنکه گردش عمل سزمايه محدود نشود؛ باید آن را در راه ایجاد تجات و صنعت انحصاری بکارگرفت؛ آزادی گردش عمل سرمايه درجنت تأسيس وگسترش صنایع بدست اندکاران صنعت نوع قدرت سیایس می‌دهد که از این قدرت میتوان برای استثمار مردم؛ سود جست؛ امروزه خلع سلاح کردن مردم خیلی ساده تر از آماده کردن آنها برای جنگ است؛ همچنان برانگیختن احساسات مردم خیلی مهم تر از فرونشاندن این احساسات است؛ ما باید ب فکر حفظ موقعیت خود باشیم و صحنه مبارزه را از وجود دیگران پاک سازیم؛ هدف ت اساسی مدیران ما این است که قدرت فکر کردن مردم را تضعیف کرده تا افکار آنها از اندیشیدن بنسائل اساسی منحرف و متوجه مسائل کم اهمیت شده و فرصت مقاومت کردن در برابر ما را نداشته باشند!!!

از دیرباز مردم جهان متقاعد شده اند؛ بیش از حرف؛ اثر دارد؛ اگر بدنبال حرف؛ عملی پدیدار شود؛ اعتماد مردم بیشتر جلب میشود؛ برای آنکه بتونیم از جنین اصلی حداکثر استفاده ببریم؛ باید مؤسساتی بوجود آوریم تا آنچه را که در جهت منافع و پیشرفت مردم انجام میدهیم؛ بمایش بگذاریم؛ برای فریب مردم؛ نخست باید قافه یک آزاد اندیش بوجود بگیریم و از احزاب؛ آزادی و هر نوع گرایش فکری طرفداری کنیم و سپس بسخن پراکنی بپردازیم و آن قدر سخنانی دل زده و خسته شوند!!!

برای آنکه بتوانیم عمومی را آلودع سازیم و مردم را در حالت گیجی و سرگرانی نگه داریم؛ باید مطالب ضدونقض دبین مردم پخش کنیم و این عمل را آن قدر ادامه دهیم که غیر یهودیان را در پیچ و خم اطلاعات متناقض گم کنند و متقاعد شوند که تنه‌اراه رهایی سرگرانی‌ها؛ نداشتن عقیده و اطلاعات سیاسی است؛ باید توجه داشت که اطلاعات واقعی سیاسی است؛ در اختیاری کسانی است؛ که مردم را بدین طریق ببراهه مکشانند و این نخستین رماز رموز مملکت داری است!!! دومین رمز موفقیت ما در امور کشور داری بشرح زیر است!!!

الف- شکست دوتهای راکه بر سر کار هستند طری جلوه میدهم که مردم علل شکست؛ شوند؛ به علاوه در ارائه آدای سوم؛ علایق و شرایط زندگی مردم طوری افراط کنیم که مردم از بر فراری تفاهم میان خود عاجز شوند!!!

ب- میان احزاب نفاق شدید ایجاد کنیم و امکان هرگونه تشریک مساعی را در میان احزاب که تسلیم ما میشوند؛ از بین ببریم!!!

ج- هرگونه ابتکار فردی و خلاقیتی را بسود ما نباشد نابود کنیم زیرا که هیچ خطر الاتراز اتکار و خلاقیت فردی نیست؛ بویژه اگر خلاقیت باهوش نوأم باشد؛ کاری که از یک فرد متکبر برمی آید؛ از میلیونها آدم عامی بر نمی آید؛ از رو ما باید تعلیم و تربیت غیر یهودیان را در جهتی سوق دهیم که قوه ابتکار از دانش آموزان گرفته شود و نطفه خلاقیت در ذهن آنها خفه گردد!!!

د- آزادی عمل گروههای مختلف را در روی هم قرار دهیم تا تصدم بر خورد پیش آید و شور و شوق بنا آمدی و شکست منجر شود!!!

بکمک روشهای بالا میتوانیم دول غیریهودی را فرسوده کرده
و آنها را تسلیم خویش بسازیم و سپس بر خزانه همه حکومت‌های
دنیا یک ابرقدرت شیطانی بنا کنیم بطری که دست‌های توانمند
این ابرقدرت بتواند به همه جا برسد و چنان قدرت غول‌آسایی
بهم بزند که مهور هیچ یک از ملل دنیا نشود!!!

پروتک شماره ۶

میخواهیم به انحصار و ثروت های عظیم؛ منابع و کلاهای که جوامع غیریهودی در آینده بمقیاس وسیعی به آنها متکی خواهند شد دست بزنیم تا اینکه جوامع را پس از شکست سیاسی باشکست اقتصادی نیز مواجه سازیم!!!

اقتصاددانانی که اکنون داین جلسه حضور دارند؛ اهمیت موضوع را بخوبی میتوانند دریابند!!!

باتمام روش های ممکن؛ اهمیت حکومت قدرتندمان را به همگام گوشزد نماییم و اعلام کنیم؛ کسانی که بحکومت جهانی ما تسلیم شوند؛ از حمایتمان برخوردار خواهند شد!!!

«آریستوکراسی غیرصهیونیستی» از این پس قدرت سیاسی ندارد و باید آن را مرده تلقی کرد؛ بسبب داشتن زمین و خودکفایی مواد غذایی؛ میتوانند به عنوان خطری بزرگی ما را تهدید کنند؛ از این رو باید بهر قیمتی که شده آنها را از داشتن زمین محروم کنیم؛ برای برای وصول به این هدف؛ مالیات های سنگین بزمین ها ببندیم و وضعی پیش آوریم که زمین داران املاک خود را برای گرفتن قرض؛ در گرو طلب کاران بگذارند بکمک چنین تدابیری؛ زمین داران بدون قید شرط تسلیم ما خواهند شد!!!

آريستوکراتهاکه خصلتاً به قناعت عادت نکرده اند و بسرمایه اندکی راضی نمیشوند؛ خیلی زود از بین میروند!!!

ما غیر صهیونیست ها را استثمار میکنیم

همزمان با اقداماتی که (درمورد زمین داری) در بالا ذکر کردیم؛ صنعت را بیزبه انحصار خود درمی آوریم؛ البته درمرحل نخست صنعت را در یک حالت تعادلی قرار میدهیم و انحصار شدید در مراحل اولیه خود داری میکنیم؛ غرض ما از حالت تعادل اولیه آن است که صنعت و مآلاً سرمایه در بخش خصوصی متمرکز گردند؛ و بانکهای خصوصی بوجود آیند؛ زمین ها از گروطلب کاران بیرون آمده و بگرو بانکها در آیند؛ آنچه که ما میخواهیم این است که ما حاصل کار گروهم بازده زمین؛ هر دو بچنگال صنعت بیفتند و بدین سان تمام پولهای جهان نزد ما ذخیره شود و غیر یهودی ها؛ طبقه کارگران و زحمتکش جامعه را تشکیل دهند و دون قید و شرط تسلیم ما شوند؛ در چنین شرایط اگر بخاطر منافع دیگری تسلیم ما شوند؛ لاقلاً بخاطر آنکه در آمدی داشته باشند و بتوانند؛ تسلیم ما خواهند شد!!!

برای آنکه بتانیم صنعت غیر یهودیان را بکلی نابود کنیم علاوه بر انحصار طلبی؛ تجمل پرستی را رایج میکنیم و نیازهای کاذب مردم را افزایش میدهیم؛ اقدام دیگر ما این است که مزدکارگرها

را بالا میبریم بطوریکه این افزایش دسمزد هیچ گاه بسود آنها تمام نشود؛ چاره این کار آن است که بهای ارزاق عمومی را بالا بریم و گاه این گرانی را بگردن کاهش فرآورده های کشاورزی و دامی بیندازیم؛ در عین حال بشوۀ بسیار زیرکانه ای میزان تولید را کاهش می دهیم؛ بدین معنی که عتیات و هرج و مرج طلبی و کم کاری را در میان کارگران رواج می دهیم و بمدد شیوه های گوناگون؛ صحنه زمین را از وجود متخصصان و تحصیل کرده ها غیر یهودی پاک می کنیم تا میزان تولید؛ کاهش پیدا کند!!!

پیش از آنکه غیر یهودیان بفهم حقایق نایل شوند و مشکلات را در یابند؛ ما بموقع عمل می کنیم؛ فلی المثل؛ زیر پوشش هوا خواهی از طبقه کارگریاری اصول اقتصاد سیاسی که تئوری های ما بر آنها مبتنی است؛ تبلیغات دامنه داری براه می اندازیم و آنگاه از نیروی کارگرسود خویش بهره برداری می کنیم!!!

پروتکل شماره ۷

برای آنکه بتوانی هدف هایمان را که قبلاً درباره آنها بحث کردیم؛ هرچه زودتر عملی سازیم؛ میباید میزان تولید جنگ افزارها و نیز شماره نظامیان و پلیس را افزایش دهیم؛ خواست ما این است که در همه کشورهای جهان؛ کارگران؛ سربازان؛ پلیس و تعداد اندکی سرمایه داران ما جانبداری کنند!!!

هم در سراسر اروپا و هم در سایر کشورهای از طریق نوع بینظمی شورش و دشمنی ایجاد میکنیم تا به این وسیله بتوانیم استفاده دوچندان ببریم؛ راه رسیدن به این هدف آن است که در مرحله نخست؛ کشورهای را زیر ساطه و نفوذ خود در آوریم تا بتوانیم در مواقع لزوم؛ هم بینظمی ایجاد کنیم و هم؛ نظم برقرار سازیم؛ وقتی بچنین نفوذی رسیدیم؛ کشورهای تحت سلطه؛ وجود ما را به عنوان نیروی تهدیدکننده ای تلقی میکنند؛ در مرحله دوم با اعمال روش های سیاسی؛ اقتصادی و ایجاد تعهدات مالی؛ دولت ها را بجان همدیگر می اندازیم؛ البته برای آنکه این برنامه را با موفقیت به انجام برسانیم؛ باید نفوذ و حضور خود را با زیرکی خاصی در تمام ملاقات ها و مذاکراتی که بمنظور توافق و ترک خصمه

بین کشورهایابه عمل می آید؛ افزایش دهیم ونیزبا استفاده ازیک زبان دیپلماسی ودرزیرپوشش درستکاری؛ خودرا طرفدار«توافق» معرفی میکنیم؛ ازآنجاکه ملتهای عیریهودی همواره برای پیشنهاداتی که ازخارج به آنها عرصه میشود؛ یعنی درواقع پیشنهاداتی که به آنها ارائه میدهم؛ اهمیت خاصی قائل اند؛ ازاین رو پیشنهادات ماراپزیرفته و متقاعد میشوندکه مامنجی و خدمتگزار بشریت هستیم!!!

جنگ جهانی

اگرکشوری بخواهد بامامخالفت کند؛ مابایدآن قدرقوی باشیم که حتی همسایگان کشورمخالف را تهدیدبجنگ کنیم؛ اگرمسایگان نیزباکشورمخالف همگی علیه ما متحدشود؛ آنگاه ماباید آنها را بیک جنگ جهانی تهدید کنیم!!!

عامل اصلی موفقیت ما درامورسیاسی؛ پنهان کاری است بدین معنی؛ گفتارو عمل سیاستمداری هیچ گاه نباید یکی باشد!!! ما باید دولیهای غیریهودی را مجبور کنیم که درجهت خوسته های ماقدم بردارند؛ روش کارچنین خواهد بود که افکارعمومی را ازطریق مطبوعات که بقدرت بزرگ معروف و تقریباًدر دست مامیباشد؛ شکل بدهیم وطبیعی است که دولت هابه افکارعمومی توجه خواهندکرد!!!

پروتکل شماره ٨

ما باید تمام جنگ افزارهایی را که مخالفانمان ممکن است علیه ما بکارگیرند؛ در اختیار داشته باشیم؛ ضمناً باید پیچده ترین و اثرهای حقوقی را از میان کتب قانونگذاری بیرون بکشیم تا بهنگام داوری و قضا از آنها استفاده کنیم؛ البته این واژه هاممکن است غیرموجه و غیرعادانه جلوکنند؛ ولی برای آنکه چنین وضعی پیش نیاید؛ باید ارقبل چاره جویی کنیم و؛ واژه های پیچیده را در قالب عبارت زیبا بیان کنیم تا اصولی؛ اخلاقی؛ عالی؛ متعالی و معقول جلوه کند!!!

کادر رهبری جامعه ما باید خود را باتمام مظاهر تمدن که بموقع بکار آیند؛ مجهز کند؛ کادر رهبری باید عوامل چون روزنامه نگاران؛ وکلای مدافع ورزیده؛ سیاستمداران کارکشته؛ مدیران برجسته و خلاصه افرادی که در مدارس ویژه ازتعلیم و تربیتی عالی برخوردار بوده اند؛ در اختیار داشته باشد؛ چنین افرادی باید با ساخت اجتماع جوامع (جامعه شناسی) انسان شناسی و همه زبانهایی که بالفبای سیاست ساخته شده اند؛ آشنا باشند؛ و انگی این افراد باید باتمام مسائل حساس جامعه ای که در آن نقشهایی بازی میکنند؛ آشنا گردند؛ منظور از مسائل حساس؛ تمایلات؛ علایق؛ نارسایی ها و نقاط ضعف مردم غیریهودی و نیز شرایط محیط زندگی آنهاست نیازی

بگفتن نیست که معاونان و مشاوران کادر رهبری از میان غیر یهودیان انتخاب نخواهد شد؛ عیری یهودیان که عادت دارند رئیس و مدیر بشوند؛ خود را در مسائل مربوط به مدیریت بزرگت نمی اندزند و هدف را از وسیله تمیز نمیدهند و معمولاً و نامه ها را بدون آنکه بخوانند امضاء میکنند و پست؛ مقام ریاست و مدیریت را یا بگرفتن دست مزد احراز میکنند یا بخاطر ارضاء جاه طلبی هایشان؛ دولت ما تمام اقتصاد دانان جهانی را بخت خود در میآورد به علاوه آموزش اصول و مبانی اقتصاد بیهودیان؛ نشانگر اهمیتی است که ما برای علم اقتصاد قائلیم؛ دولت ما از مشورت بانگداران؛ صاحب صنایع؛ سرمایه داران و میلیونرها برخوردار خواهد بود و همه چیز بزبان ارقام و اعداد بیان خواهد شد!!!

تا زمانی که نتوانیم مشاغل دولتی را ببرادران یهودیمان بسپاریم ناگزیریم افرادی را از میان غیر یهودیان برای تصدی مشاغل دولتی انتخاب کنیم؛ البته این افراد را زیر نظر میگیریم و آنها را کاملاً از مردم جدا نگه میداریم؛ چنانچه این افراد از اجرای دستورات ماسرپیچی کنند؛ بمجازات های سنگین و احتمالاً به اعدام محکوم خواهند شد؛ غرض از اعمال چنین سختگیری های آن است که این افراد تا آخرین قطره خونسشان از منافع ما دفاع کنند!!!

پروتکل شماره ۹

توجه بخصوصیات وخلق و خوی مردمی که شما در مملکتشان زندگی و فعالیت میکنید؛ اهمیت بسیار بسزایی در اجرا و پیاده کردن برنامه هایمان دارد؛ تازمانی که افراد جوامع مختلف؛ مطابق الگو و انگاره های تربیتی ما دوباره تربیت نشود؛ نمیتوانیم برنامه ها یمان را در اینگونه جوامع مطابق باروشی کلی و یکسان پیاده کنیم؛ اما اگر برنامه ها را محتاطانه و توأم با آموزش آغاز کنیم؛ میتوانیم در کمتر از یک دهه؛ منش؛ خلق و خوی سرخت ترین افراد را تغییر داده و آنها را مانند افرادی که از پیش مطیع ساخته ایم زیر سلطه خویش در آوریم!!!

کلمات چون آزادی برابری و برادری در واقع اسم های مستعاری هستند که فرما سونری ما آنها را بکار میبرند! هنگامیکه حکومت شاهنشاهی ما آغاز گشت این کلمات را از صورت اسعاری بودن بیرون آورده و بصورت عبارات ایده آلی چون؛ حق آزادی؛ وظیفه برابری و آرمان برادری در آوریم؛ بدین معنی ما غلط ترین کار را انجام میدهیم و به اصطلاح «باشاخ گاودر می افتیم» هرگونه قانونی را عملاً از بین میبریم و تنها آنها یی را که خوب باشند؛ حفظ می کنیم؛ امروزه اگر دولتی علیه ما اعتراض کند؛ بنا بتشخیص ما

شاید هم بعید نباشد؛ حتی اگر مبارزه سامی گرایی را شروع کند؛
ایم مبارزه لازم و ضروری بنظر میرسد؛ زیرا که نسل آینده ما را
آماده کارزار میکند؛ از آنجاکه در این مورد بتفصیل بحث کرده ایم
ضرورتی ندارد در اینجا مطالب را تکرار کنیم!!!

دولت قدرتمندیهود

هیچگونه مدودیتی برای حوزه فعالیت های ما وجوددوات توأمند
ماکه درشرایطی فق العاده قانونی بقای خویش ادمه میدهند؛ با
واژه دیکتاتوری که مفهوم زور و قدرت از آن مستفاد میشود؛
توصیف میگردد؛ من اکنون درمقامی هستم که باکمال اطمینان
و آگاهی بشما بگویم که قانون گذاران درموق مناسب بداوری
می نشینند و سپس درموردماکحم میکنند بزودی کشتاروحشیانه
خودرا آغاز میکنم و بر مرکب پیروزی سوار میشویم؛ ماصرفأبر
اساس زور بفرمانروای خویش ادمه میدهیم؛ زیرا که همچون
یگانه حزب حاکم؛ تمام نیروها معلوب و مطیع ما میشود؛ حربه
های نامحدود ما عبارتند از؛ حریصانه سوزاندن آدمیان؛ پرحمانه
انتقام گرفتن و سرسخرانه کینه توزی کردن!!!

بنآبتریک ما؛ ترور و وحشت همه جا را فرا میگردد؛ افراد با آرمان
گرا (ایده آلیست بخدمت مادر خواهند آمد بنابه اغوای مامیگوشند
تا هر نوع نظم و آرامشی را برهم زنند و همه جا را به آشوب به
کشانند؛ وجود چنین طغیان های؛ دولت هارا دچار دگرگونی میکند
و مردم حاضر میشوند برای برقراری صلح و آرمش؛ همه چیز را

فداکنند؛ تا زمانی که بقدرت جهانی ما اعتراف نکنند و تسلیم ما نشوند؛ صلح را بسرزمینشان باز نخواهیم گردانید؛ درچنین شرايطی؛ مردم فریاد مزند تادول جهانی بر سر استقرار سوسیالیوم بتوافق برسند؛ اما تجربه احزاب و نفاق میان آنها باعث میشود که مردم بما بپیوندند؛ جدال بر سر قدرت؛ میان مردم آغاز میگردد و پول در این میان نقش مهمی را بازی میکند؛ بدیهی است که همه پول هانز دما ذخیره شده و پیروزی از آن ما خواهد بود!!!

ما از میان به اتحاد میان رهبران و توده های ناآگاه مردم جوامع غیریهودی پی بردیم و اقامت لازم را در این زمینه معمول داشته ایم بدین معنی میان رهبران و توده های مردم از طریق ایجاد ترس و وحشت؛ سدی ایجاد کرده ایم و وضعی پیش آورده ایم که توده مردم در آینده؛ پشتیبان ما باشند؛ بزودی زمان رهبری توده هارا بدست میگیریم و آنها را در مسیری بدهدف هایمان ختم میشود؛ هدایت میکنیم؛ برای آن از رهبری توده ناآگاه مردم غیریهودی بکلی غافل نشویم؛ هرچندگاه یک بار در مراسم آنها شرکت می کنیم و اگر نتوانیم این کار را شخصاً انجام دهیم؛ تصدی این امور را بکسانیکه فوق العاده مورد اعتماد ما باشد؛ محول میکنیم؛ پس از آنکه توده مردم بر رهبری ما اعتراف کردند؛ آن گاه بطور خصوصی درباره مسائل سیاسی با آنها وارد مذكره میشویم و به آنان آموزش سیاسی میدهیم تا آنها را بسوی هدف های دل

خواه مان سوق دهیم کسی نمیرود تحقیق بکند که در مدرسهٔ فلان روستا؛ چه مطالبی تدریس میشود؛ ولی بمحض آنکه مردم ما از زیان یکی از مأموران سیاسی دولت یا رهبر مملکت مطالبی را شنیدند نتنها آن را در سراسر کشور خویش بلکه آن را بتمام مردم جهان میرسانند!!!

برای جلوگیری از نابودی بی موقع مؤسسات و سازمانهای غیر یهودی اهرم ها و فنرهایی که گردش کار این سازمان ها را تنظیم میکنند تعبیه کرده ایم و بادقت و ظرافیت هرچه تمام تر آنها را کار گذاشته ایم «سیاست آزادی عمل» که نظم هم آهنگی را از سازمان ها و مؤسسات میکیریم؛ درون سیستم مدیریت؛ سیستم تعلیم و تربیت این جوامع دست برداره ایم و «فلسفهٔ آزادی» را رواج داده ایم!!!

ما جوانان میخی را به فساد میکشائیم

ما جوانان مسیحی را در دریایی از افکار شاعرانه غرق میکنیم و آنها را بر اساس تئوری ها و اصولی که آنها را غلط می پنداییم؛ تربیت میکنیم تا بتوانیم آنان را به فساد بکشیم!!! بدون آنکه قوانین را از اساس عوض کنیم؛ آنها را بتعبیر و تفسیر های متناقض تبدیل میکنیم تا آنچه از این تعبیر و تفسیرها حاصل میشود؛ بصورت نتایج چشم گیری جلوه کند؛ البته چنین نتایج

چشم گیری باعث میشود؛ که چهره واقعی قوانین در پیش این تعبیر و تفسیرها مخفی بماند و کار گزاران دولتی نتوانند اصل قوانین را که در شبکه درهم برهمی از سیستم قانون گذاری محصور گشته اند؛ از تعبیر و تفسیر تفکیک کنند!!!

ما اعمال روش بالارا «تئوری تفیض اختیار» مینمایم

ممکن است بگویید: که اگر غیر یهودیان از نقشه طرح ما آگاه شوند؛ علیه مامسح میگردند و ستیزی بزرگ علیه ما آغاز خوانند کرد؛ ولی قبل از وقوع چنین حادثه ای چاره اندیشی خواهیم کرد و مانوری خواهیم داد که پشت هر انسان پر جرأتی را بلرزاند و آن چار این است که در زیر زمین شهرهای بزرگ و پایتخت کشور اروپایی؛ دالان های عظمی حفر میکنیم تا مواقع احساس خطر شهرها را منفجر سازیم!!!

پروتکل شماره ۱۰

نچه من امروز میخوام بگویم: در واقع تکرر همان مطالبی است که قبلاً هم گفته ام: و خواخشم از شما این است که بخاطر داشته باشید؛ دولت ها و مردم بیازتاب و انعکاس سیاستشان در خارج از مرز هایشان؛ اهمیت خاصی میدهند؛ حال نمیدانیم نمایندگان دولت های غیریهودی؛ که در کنفرانس های بین المللی پیرامون مسائل چون آزادی یا تساوی حقوق بمنظور برانگیختن احساس احترام دیگران صحبت میکنند؛ تاچه حد مفهوم این واژه ها را درک مینمایند در هر صورت سیاست ما ایجاب میکند؛ هنگامی که در باره مسائلی چون تفویض اختیار؛ آزادی بیان؛ آزادی مطبوعات؛ آزادی مذهب؛ تساوی در برابر قانون؛ احترام بمالکیت فردی؛ آزادی انتخاب مسکن؛ عدالت تعیین مالیات ها صحبت میکنیم؛ باید بمعنی دقیق این واژه ها توجه داشته باشیم ببیان دیگر؛ ما باید این مسائل را بطور خیلی صریح و بی پرده بامردم در میان نگذاریم و هرگاه ضرورتی حاصل شد که مطرح نشوند بطور قاطع و صریح از آنها اسم نبریم؛ بالعکس بطور سریسته و بدون ذکر جزئیات؛ درباره آنها صحبت کنیم؛ دلیل سکوت مادر این باره آن است؛ که وقتی مقولات بالا اسم گذارینشده باشند؛ یعنی

مردم تصور دقيقي از آنها نداشته باشند؛ قطعاً دستمان باز خواهد بود که چه چیز اضافه و چه چیز کم کنیم و در نتیجه مردم متوجه چنین تغییراتی نمی شوند!!!

توده های ناآگاه مردم برای نبوغ رهبران سیاسی خود؛ احترام فوق العاده ای قائل اند و حتی از روش های خشونت بار آنها تمجید میکنند؛ اگر این روش خشونت بار رهبران رزالت و پستی است؛ اما در عین حال؛ خود نوعی زیرکی بشمار میرود و باید دانست که چگونه این نیرنگ را مدبرانه بکار گرفت!!!

هدف مادست یابی بیک قدرت جهانی است

توجه جهانیان را به این نکته جلب میکنیم که وظیفه فوق ما پیاده کردن برنامه هایی است که قبلاً آنها را طراحی کرده ایم؛ لذا برای ما ضروری است که پیش از هر چیز پیرویش خدیش بپردازیم و طوری بار آیم که روحیه بی پروایی؛ گستاخی و روز گویی با شخصیت مان عجین شوند تا بتوانیم موانع را از سر راه مان برداریم! هنگامیکه کوتای ما با موفقیت ضرورت گرفت بقشرهای مختلف مردم چنین میگویم: در گذشته بشما بسیار بد گذشت و هر آنچه داشتید و بتباهی میرفت؛ اخلاف لهجه و زبان؛ مرزها و ملت گرایی ها را که همه از علل بیچارگی شما بودند؛ نابود خواهیم ساخت و بشما آزادی اعطاء خواهیم کرد؛ در عوض شما باید تسلیم ما بشوید؛ آنچه را بشما عرضه و ارائه میکنیم اگر تأیید کردید؛ این خود عادلانه خواهد بود؛ توده مردم بزودی بتمجید و تحسین ما خواهند

پرداخت و ما را بر سر دست بلند خواهند کرد و امروز؛ روزی است که امید و آرزوهای ما را بر آورده شده است! رأی؛ اصولاً وسیله ای است که ما از آن استفاده میکنیم تا بر سر قدرت بمانیم؛ به افراد یاد میدهیم که حتی در کوچک ترین مجامع و گردهمایی ها؛ بر اساس رأی گیری بتوافق برسند؛ اعمال چنین رویه ای موجب خواهد شد که اکثریت مردم بجای سرزنش؛ ما را مورد تأیید قرار دهند همه مردم را بدون در نظر گرفتن اختلافات طبقاتی یا سایر تفاوتهاشان و ادار برای دادن میکنیم زیرا رأی افراد تحصیل کرده برای دست پایی بیک اکثریت قاطع کافی نیست و نیز مردم العاء میکنیم که خود افراد دارای اعتبار و اهمیت هستند؛ اهمیت خانواده و نقش تربیتی آن را در میان غیر یهودیان از بین میبریم و اجازه اظهار وجود بکسی نمیدهیم که زیرا توده مردم باید صرفاً بوسیله ما اداره شود؛ به آنها اجازه نمیدیم که رو در روی ما بایستند؛ حتی فرصت نمیدهیم که تقاضای دادرسی بکنند؛ آنها باید بشنیدن حرفهای ما و اطاعت از ما عادت کنند! توده مردم ناآگاه بنا بر راهنمایی ما؛ سران خود را انتخاب میکنند و در جهت دلخواه ما حرکت نمایند و تسلیم رژیم ما خواهند شد؛ زیرا مستمری و درآمد و نیز منافع آنها؛ همه در دست رژیم ما است! چهار چوب سیستم حکومتی ما در آینده آن را عرضه خواهیم کرد؛ باید بوسیله یک نفر طرح زیزی شده باشد؛ زیرا اگر افرادی متعددی دست اندر کار ساختن و پرداختن بخش های مختلف این سیستم باشند؛ چهار چوب چنین سیستمی چندان محکم و استوار نخواهد بود؛ اگر ما شناختی درباره نحوه عملکرد سیستم داشته باشیم

اشکالی پیش نخواهد آمد؛ ولی هیچ گاه نباید ببحث و تبادل نظر درباره کلی سیستم پردازیم؛ زیرا بسیاری از اسراری آن کشف خواهد شد؛ به علاوه بحث و تبادل نظر موجب میشود که افراد به برداشت های مامتاوتی برسند و این خود موجب تغییر و دست کار سیستم میشود؛ در حالی که ما نمیخواهیم سیستم حکومت تغییر کند و کاری را که توابع قومان انجان داده اند؛ بدست توده ناآگاه یا عداه ای افراد منتخب متلاشی شود!!!

سیستم که در بالا از آن یاد شد؛ سایر مؤسسات موجود را بزودی و ازگون نخواهد کرد؛ بلکه تنها روی اقتصاد آنها اثر میگذرد که نتیجتاً منجر بتغییرات کلی و همه جانبه مؤسسات خواهد شد و سرانجام همه مؤسسات در درون سیستم تحلیل میرود!!! در تمام کشورهای جهان؛ واژه هایی؛ مانند وزارت؛ نمایندگی؛ سنا؛ شورای دولتی؛ شورای قانونگزاری و هیعت اجرای؛ با وجود تنوع و تعددشان؛ همگی مفهوم دولت را میرساند و ضرورتی ندارد که من درباره رابطه ایم مؤسسات یکدیگر صحبت کنم؛ زیرا همه شما به این امر واقفید؛ تنها توجه شمارا به اهمیت کارگران این مؤسسات و وظایف دولت را (قانونگزاری؛ فضایی؛ اجرایی) بین خود تقسیم کرده اند و مانند اعضای مختلف بدن انسان باهم عمل میکنند؛ حال اگر قسمتی از ماشین دولت صدمه ببیند؛ تمام دستگاه دولت؛ مثل بدن انسان بیمار میشود و سرانجام میمیرد!!!

با توجه بمقدمات بالا؛ میخواهم نتیجه بگیرم که اسم آزادی رادرون یکی از بافت های دولت تزریق منیم؛ سن بدیگر بافتها نفوذ کرده و

سرانجام موجب نابودی دولت میشود؛ گفتار زیر این مطلب بخوبی روشن میکند؛ از زمانی که سیاست آزادی طلبی به امور مملکت داری راه یافت؛ سیستم حکومت مطلقه جای خود را بحکومت مشروطه داد و بدین سان مردم غیر یهودی بادت خود حکومت های مطلقه را که از ثباتی نسبی برخوردار بودند؛ متزلزل ساخته اند؛ زیرا حکومت مشروطه جذبی نظمی؛ سوء تفاهم؛ کشمکش؛ عدم توافق و برخورد میان احزاب؛ چیزی دیگر بیار نمی آورد؛ به عبارت دیگری مشروطه؛ مکتبی است که جز نابودی دولت هدف دیگری دیگر ندارد؛ باید افزود که تریبون سخنرانی از جمله عواملی بوده است که واژگون و متزلزل کردن حکمت های مشروطه؛ نقش بسیار مهمی بازی کرده است؛ پس از آنکه حکومت های مشروطه یکی پس از دیگری بر اثر حمله و انتقادهای شدید واژگون شدید؛ مردم بفکر حکمت جمهوری می افتند؛ آن گاه بوساطت قوم ما رؤسای جمهوری از میان توده مردم انتخاب میشوند؛ یعنی غیر یهودی بی آنکه خود بدانند؛ دست نشانندگان ما را بر هبری خود پذیرند؛ همه تحولات بالا که در امر مملکت داری صورت گرفته است؛ بمتابۀ نقبی است که بدست ما زیر پای مردم غیر یهودی حفر شده است!!!

در گفتار بالا نشان دادیم که بوساطت ما حکومت از مطلقه ما به مشروطه و از جمهوری توحول پیدا کرد اینکه میخواهم اندکی درباره ویژگی های حکومت جمهوری بحث کنیم!!!

رئيس جمهورى حكوت هاى غيريهودى {تحت نفوذمان} را از
 ميان موثق ترين عوامل ودست نشدگان مان نامزد ميكنيم وسپس
 اورا براساس رآى گيرى انتخاب مينمايم!!!
 از آنجاكه قوانين راما از قبل تدوين كرديم؛ حق تغيير وتعويض قانون
 را از رئيس جمهور سلب ميكنم؛ در عوض او را برياست كل قوا
 منصوب مينمايم تا بتواند در موع لزوم؛ از قانون اساسى دفاع
 كند؛ رئيس جمهور؛ عملاً فرد فاقد اختيار است كه هدف ومسئوليتش
 تنها حفظ قوانينى است كه ما از پيش تدوين كرديم؛ بسيار روشن
 است كه كلید معما؛ در دست ما ميباشد وكسى جز ما نمى تواند در
 قوانين؛ دخل و تصرفى به عمل آورد؛ در قانون اساسى دولتهاى
 غيريهودى؛ حق استحضاح كردن دولت را از رئيس مجلس سلب
 ميكنيم وتعداد نماينگان را بحداقل ممكن ميرسانيم تا بدین وسيله
 بتوانيم شورو شوق سياسى را در دل مردمى كه مستاق مسائل
 سياسى هستند؛ بگشيم اگرچنين رويه اى دشوارهاى بياز آورد؛ آنگاه
 وضعى پيش مى آوريم كه گروه بسيار از مردم به فعاليت هاى سياسى
 تمايل پيدا كند؛ حق انتصاب معاون رئيس جمهور ومعاون مجاس سنا
 را بر رئيس جمهور تفويض ميكنيم وتعداد جلسات مجاس را كاهش ميدهيم
 بطورى كه مجلس در هر ماه؛ بيش از چند جلسه نداشته باشد؛ وانگهى
 بر رئيس جمهور كه رئيس قوه مجريه هم هست؛ اختياراتى در مورد
 مجلس تفويض ميكنيم؛ مثلاً اختيار خواهد داشت كه عضاى مجلس را
 براى توضيح فرا خواند ويامجلس را منحل كند؛ اما براى آنكه عواقب
 و نتايج چنين اعماليكه همگى غير قانونى هستند؛ گريبان گيربرنامه
 هاى مان شود بايد چاره انديشى كنيم!!!

همان طوری که یادآور شدیم بر رئیس جمهور طبق قانون اختیاراتی داده شده است؛ ولی برای آنکه با استفاده از اختیاراتش بسوی حکومت مطلقه مینکند؛ وزیران و مقامات عالی رتبه را وامی داریم تا با اقدامات خود از اعمال نفوذ او جلوگیری کنند؛ البته بهتر است که این کار بوسیله شورای وزیران؛ سنا و شورای دولتی انجام بگیرد تا بوسیله افراد!!!

رئیس جمهور؛ بنا بر تشخیص ما؛ قوانین را تغییر و تفسیر میکند و هر زمان که ما به او دیکته کردیم؛ میتواند قوانین را تغییر دهد؛ به علاوه ببهانه رفاه و سعادت مردم؛ او این حق را خواهد داشت که قوانین جدیدی پیشنهاد کند!!!

نابودی دولت ها؛ هدف ماست

باتوجه به آنچه قبلاً کفیم: اندک اندک زمینه نابودی دولت های غیریهودی را فراهم میکنم و سرانجام قدرت را بدست میکنیم؛ پس از این که بقدرت دست یافتیم؛ بطور نامحسوسی اصول قانون اساسی دول غیر صهیونیست را گام بگام حذف میکنیم و هنگامی که زمان موعود فرارسید؛ حکومت مطلقه قوم خود را جایگزین هر نوع حکومتی می سازیم!!!

پیش از آنکه قانون اساسی دول غیر یهودی نابود گردد؛ ممکن است مردم بحقابیت حکومت مطلقه مای بیبرند؛ درچنین دوره ای مردم درحالت بیم وانتظار بسر میبرد؛ از بی نظمی ونارسایی های دول خود که ما موجب آنها هستیم بشدت خسته میشوندواز رهبران خود چنین می خواهند:

«ما تنها یک پادشاه می خواهیم که همه مردم روی زمین را متحد سازد ونابسامانی هارا مرزها؛ ملیت ها ومذاهب را ریشه کن سازد؛ پادشاهی می خواهیم که بتواند صلح وآرامشی که رهبران فعلی نمیتوانند بما بدهند؛ برای ما فراهم آورد»

برای آرزوی استقرار حکومت مطلقه قوم خود را در دل همه مردم جهان ایجاد کنیم؛ لازم است که رابطه مردم را با دولت هایشان تیره کنیم؛ بطوری که مردم بر اثر اختلاف عقیده؛ گزسنگی؛ بیماری وکسکش بتنگ آیند وجز برهایی از دست دولت هایشان وپناه بردن بحکومت نجات بخش ما؛ بچیزی دیگری نیندیشند!!!

اگر در راه رسیدن به هدف هایی که در پیش داریم کوشا باشیم وبه ملل دنیا یک لحظه فرصت نفس کشیدن بدهیم؛ بسختی میتوانیم به هدف هایمان برسیم!!!

پروتکل شماره ۱۱

شورای دولت همانند گذشته بیان کننده صریح قدرت قانونی رهبر بحساب می آید؛ این شورا؛ جزئی از قوه قانونگرای است که میتواند آنرا «کمیته نظارت بر قوانین و تصویب نامه های رهبر» نام نهاد!!! مفاد بالا؛ جرئی از قانون اساسی جدید بحساب خواهد آمد به علاوه انشاء قوانین و مقررات بطریق زیر امکان پذیر است:

الف- از طریق قوه مقننه؛ تحت پوشش پیشنهادات کمیته نظارت بر قوانین

ب- از طریق پیشنهاد رئیس جمهور و با تصویب شورای دولت!!!

ج- در موارد ضروری بوسیله کودتا! درباره کلیات مربوط بقوانین تقریباً بحث کرده ایم و اینک اندکی وقت خود را صرف پرداختن بجزئیات؛ میکنیم تا بتوانیم ماشین دولت را در جهتی که قبلاً بحث کرده ایم؛ بحرکت در آوریم و منظور من از ذکر جزئیات؛ آن است که آزادی مطبوعات؛ حق تشکیل انجمن ها؛ آزادی عقیده؛ اصل رأی گیری خلاصه بسیاری چیزها را باید از لوح ذهن آدمی برای همیشه پاک کنیم با اینکه پس از اعلام قانون اساسی جدید؛ دست خوش تغییرات بنیادی گردانیم؛ زیرا که پس از انجام این تغییرات ما میتوانیم مقررات خود را بمنصه ظهور در آوریم!!!

اما اگر مدتی طولانی از اعلام و انتشار قانون اساسی بگذرد؛ و ما این تغییرات را ایجاد کنیم؛ در این صورت خطرات قابل توجهی ماراتهید خواهد کرد! دلایل وجود این خطرات را میتوان در زیر آورد:

اگر ماتعیرات را عجولانه انجام دهیم؛ از لحاظ روانی نوعی ترس از تغییرات در مردم ایجاد میشود، از سوی دیگر اگر ماخلی افراطی در مورد انجام تغییرات عمل منیم؛ بشان و جایگاه لغزش ناپذیر خویش لطمه وارد ساخته ایم یا میگویند: که ما خطر را احساس کرده ایم که مجبور به انجام چنین تغییراتی شده ایم؛ در این صورت باز بجایگاه قانونی اساسی لطمه وارد میشود؛ آنچه مامیو اهیم این است که از همان آغاز اعلام قانون اساسی و پیروزی کودتا یعنی در حالیکه مردم جهان هنوز در حالت وحشت بسر میبرند؛ فوراً احساس کنند که مافوق علاده قوی؛ پر قدرت و شکست ناپذیر هستیم و میتوانیم بدون مقاومت؛ آنچه را بر سر راهمان وجود دارد برداریم و بمردم تفهیم کنیم که راضی میشوند و به انتظار دستور ما می نشینند!!!

غیر یهودیان؛ گله گوسفند و ما گرگ های ایم گله هستیم و شما میدانید که وقتی که گرگ بگله میزند چه اتفاقی می افتد؟! علت اینکه غیر یهودیان؛ چشم روی هم میگذارد و چیزی نمیگویند: آن است که ما به آنان قول میدهم بمحض آنکه دشمنان را رام و تمام احزاب را سرکوب کردیم؛ تمام آزادی هاییکه از آنها گرفته شده؛ به آنها باز میگردانیم ضرورتی ندارد که بگویم: چه مدت طول میکشد که آنها را برای بازگرداندن آزادی هایشان در حال انتظار نگه میداریم

بچه دلیل ما این خط مشی را درپیش گرفته ایم؟!
 و چرا غیر صهیونیست ها بمفهوم واقعی آنچه که مابذهنشان فرو
 میکنیم؛ توجه نمیکنند؟! چرا قوم پراکنده ما برای رسیدن به هدف
 هایش بجای صراط مستقیم؛ این همه راه و پیچ و خم طی میکند؟!
 دلیلش آن است که ماکارهایمان را بوسیله سازمانهای فراما سونری
 که ناشناخته هستند؛ انجام میدهیم و کوشش میکنیم بر هدفهایمان
 گمان سوء ظن نکنند و این گله غیر یهودی بفراماسونری ما
 بپیوندد و بچشم رفقای خود خاک بپاشند!!!

مایهودیان برگزیده خداوند هستیم و پراکندگی مان در سراسر جهان
 از عنایات اوست؛ پرکندگی ما در چشم همگان؛ نوع ضعف بشمار
 میرود؛ درحالی که این خود برای ما نوع قدرت است زیرا که ما
 اکنون در آستانه فرمانروایی بر سراسر جهان قرار گرفته ایم! تا ز
 تا زمان بنانهادن آنچه طرح کرده ایم فاصله زیادی نیست!!!

پرتکل شماره ۱۲

واژه آزادی را میتوان بصورت‌های متعددی تعبیر کرد؛ اما تعریفی که از آزادی بدست می‌دهیم بشرح زیر است! آزادی؛ یعنی؛ حق انجام دادن هر عملی که قانون آن را مجاز بداند؛ چنین تعریفی از آزادی میتواند ببهترین وجهی ما را در رسیدن به هدف هایمان کمک کند؛ زیرا که قانون در دست ما است و ما مختار خواهیم بود هر آنچه را که می‌خواهیم؛ از قانون حذف کنیم و هر آنچه را می‌وهیم بقانون اضافه کنیم؛ نحوه عمل کرد مطبوعات در قلمرو حکومت ما بشرح زیر خواهد بود!!!

الف- از آنجاکه مطبوعات نقش بزرگی در برانگیختن و فرونشاندن احساسات مردم دارد؛ ما می‌توانیم بموقع از چنین احساساتی در جهت رسیدن به هدف هایمان استفاده کنیم!!!

ب- از آنجاکه بیشتر مردم نمیدانند مطبوعات در خدمت چه کسانی هستند؛ از این رو ما آنها را بخت خود درمی آوریم حتی عوامل هم که ممکن است مطبوعات را مورد حمله قرار دهند؛ زیر نظارت و کنترل شدید قرار می‌دهیم!!!

ج- امروزه تأسس؛ چاپ و نشر مطبوعات؛ دارای هزینه های فوق العاده سنگینی است؛ ولی وقتیکه ما بقدرتر رسیدیم؛ تنها در قبال دریافت مالیاتی؛ حق تمر و اخذ سپرده های سنگین؛ اجازه تأسس مطبوعات را به افراد می دهیم و از این طریق؛ پول قابل توجهی هم بخزانه دولت ما سر ازیر میشود از سوی دیگر؛ وضعی پیش می آوریم که دولت ما از خطر حمله انتقاد مطبوعات مصون بماند؛ و مطبوعات نیز نتوانند روی لغزش های دولت مانگوشت بگذارند!!!

د- هرگاه بخواهیم مطبوعات را ببهانه متشتت کردن افکار عمومی تعطیل میکنیم!!!

ه- بعضی از عوامل مان را وا میداریم که گاه بگاه در مطبوعات؛ بعضی از سیاست هایمان را که خود میخواستیم؛ مردد حمکله قرار دهند؛ البته غرض از این کار رد گم کردن است!!!
ما مطبوعات را کنترل میکنیم

مطبوعات نخود تو انست بودن اطلاع ما کمترین خبری را در اختیار مردم بگذارد؛ البته در زمان حاضر تا حدودی بچنین هدف هاییرسیده ایم زیرا که تمام کانونهای خبری جهان اطلاعات خود را از چند کانون خبر محدود در آینده ای نزدیک تماماً بدست ما خواهند افتاد و هر آنچه رامابه آنها دیکته میکنیم؛ در سراسر جهان جهان پخش میکنند؛ اگر تدابیری را که در مورد مطبوعات اندیشیده ایم بمرحله اجرا در آوریم ذهن و فکر غیر یهودیان بتسخیر مادر میآید و آنان وقایع جهان را از پشت عتکهای رنگینی که ما بچشم آنها میگذاریم؛ مینگرند!!!

براستی اگر در زمان حاضر؛ کشوری وجود نداشته باشد کسی میتواند مانع تشکیل کشور ماکه غیر یهودیان احمق؛ آن را دولت نامرئی مینامند؛ بشود؟! مسلماً با نابودی کشورهای جهان؛ همه دولت ها بفرمان ماگردن مینهند!!!

بگذار آینده مطبوعات را مجدداً بررسی کنیم کسانی که بخواهند بکارهایی چون؛ چاپ و نشر کتب و روزنامه پردازند؛ آنها را ملزم بداشتن مدرک و اجازه نامه ویژه میکنیم تا در صورت تخلف؛ بلافاصله از مزیای چنین اجازه نامه ای محروم گردند؛ با اعمال چنین روشی؛ مدرک تحصیلی؛ نشانه لیاقت فکری خواهد شد و صدور مدرک بدست دولت خواهد افتاد تا توده مردم از راهی که میخواهیم گمراه نشوند و ببهانه پیشرفت و ترقی دنبال این و آن راه نیفتند آیا کسی از شما هست که نداند اتکاه به اندیشه و خیال آدمیان؛ راه نامطلوبی است که آدمی را بخيال بافی های احمقانه سوق میدهد و ما حاصل آن هرج مرجی است که بر سر قدرت بین انسانها بوجود می آید؟!!

واژه پیش رفت؛ آزادی از هر نوع قید و بندی را بذهن متبادر میسازد و هر نوع محدودتی را میشکند؛ اگر این اصل در همه موارد صدق نکند؛ لااقل در زمینه هرج و مرج فکری؛ مصداق ادرد؛ در چنین شرایطی هر کسی نتصور آزادی بشکار رقیب خویش میپردازد و همگدر شبکه ای از هرج و مرج گرفتار میشوند و همه بهم دیگر اعتراض میکنند!!!

اینک ماتوجه خود را معطوف و متوجه مجلات میکنیم؛ از مجلات و نشریات ادواری؛ همانند روزنامه؛ مالیات؛ حق تمر و نیز سپرده احتیاتی وصول میکنیم چنین وجوهی برای کتب و کمتر از سی صفحه دو برابر خواهد شد؛ زیرا که ما این گونه کتب را «جزوه» تلقی میکنیم؛ اصولاً مجلات؛ زهر آگین ترین نوع مطالب چاپی بشمار میرود و کوشش ما آن است که از سویی تعداد این گونه نشریات کاهش یابد و از سوی دیگر نویسندگان مجبور شوند مطالب بلند بنویسند و حجم مطالب زیاد شود و خواننده از خواندن مطالب بلند؛ خسته شود!!!

بویژه وقتی که این نوع نشرات گان تمام شود؛ رغبت مردم نسبت به این گونه نشریات کم میشود؛ در ضمن آنچه ما خودمان منتشر میکنیم؛ روی ذهن خواننده در جهت منافع ما اثر میگذارد به علاوه آنهارا ببهای ارزان در دسترس قرار میدهم؛ مردم آنهارا احسانه بخوانند؛ وصول مالیات و اعمال مجازات؛ نویسندگان را وابسته میکند و اگر نوی سندهای بخواد علیه ما چیزی بنویسد؛ کسی مبادرت بچاپ آن نخواهد کرد؛ ضمناً اگر مطلبی بخواد چاپ بشود ناشر یا چاپ کننده باید برای چاپ و نشر آن از مقامات مسئول اجازه بگیرد؛ بنابراین ما از قبل خواهیم فهمید که چی نیرنگهایی علیه ما در کار است!!!

ادبیات و رو ز نامه نگاری دو عامل مهم تربیتی بشمار می روند بنابراین دولت ما اکثریت روزنامه هارا بتمک خویش در می آورد چنین اقدامی تأثیر نامطلوب مطبوعات و روزنامه های خصوصی را خنثی ساخته و ما را در موقعیتی قرار میدهد که روی افکار عمومی

تأثیر بسزای بگذاریم؛ اگر اجازه و امتیاز انتشارده نوع روزنامه را
 بمردم بدهیم؛ امتیاز انتشارسی روزنامه را بخود اختصاص میدهیم؛
 البته این کارطوری بابد صورت گیردکه درمردم سوء ظن ایجاد
 نکند؛ برای احتراز از ایجاد سوءظن روزنامه هایی که خود منتشر
 میکنیم بظاهر نظراتی مخالف خودمان ابراز میدارند و بدین طریق
 بدگمانی مخالفان مان نسبت بما کاملاً برطرف شده و بزودی در
 دام ما گرفتار میشوند و نمیتواند ضربه ای واردکنند! مخالفان مادر
 سه رده جای دارند در رده اول آرکانهای رسمی هستند که همیشه
 عیله ما قد علم میکنند؛ اما تأثیر آنها چندان قابل ملاحظه نیست در
 رده دوم؛ آرکانهای نیمه رسمی قاردارند که حملات آنها ملایم و کم
 اهمیت است؛ رده سوم کسانی قرار دارند که بظاهر؛ مخالف ما
 هستند اما در واقع ما خود آنها را تعیین کرده ایم؛ در نوشته های این
 دسته؛ مطالبی وجود دارد که بنظر میرسد با ما اصطکاک دارند؛
 مخالفان واقعی ما این گونه مخالفت های ظاهری را از نوع مخالفت
 های خود تلقی کرده و باعث میشوند که ما آنها را شناسایی کنیم!!!
 محتوای تمام روزنامه های ما؛ ترکیبی خواهد بود از مطالب کوناگون
 و حتی افکاری چون آرس توکراتیک جمهوری خواهی؛ انقلابی
 گری و هرج و مرج طلبی (انارشسیسم) که بوسیله این گونه روزنامه ها
 همچون ویشنو معبود هندی صد دست دارد که بر سر هر دست
 انگشتی قاردار دو وظیفه آن نظارت و سلطه بر افکار عمومی است
 هنگامیکه ضربان قلب تشدید میشود؛ حرکت دست ها نیز شدت

یافته و افکار عمومی است؛ هنگامیکه قلب تشدید میشود؛ حرکت دست ها نیز شدت یافته و افکار عمومی در جهت منافع ماسوق داده میشود؛ زیرا وقتیکه فردی بهیجان می آید؛ قوه قضاوتش را از دست میدهد و هرگونه نظروپیشنهادی را میپزیرد؛ به علاوه افراد ناآگاهی که بتکرار مطالب روزنامه های ما میپردازد و فکر میکنندکه روزنامه ها بیان کننده نظرات آنها میباشند سخت در اشتباهند؛ زیرا که روزنامه ها صرفاً بیانگر خواست و نظر ما هستند؛ افرادی هم که سنجیده از احزاب دفاع میکند؛ در واقع بدنبال بیرقی راه میروند که ما برای ایشان برافراشته ایم!!!

برای آنکه روزنامه های مبارزخوی خود را بحرکت درآوریم؛ باید نهایت دقت را در تنظیم و ارائه مطالب بکار ببریم؛ البته مؤسسه ای را تحت عنوان بخش مرکزی مطبوعات تأسیس میکنیم و بگردآوری نوشته ها و مطلب میپردازیم!!!

عوامل ما در این مرکز؛ بدون آنکه توجهی را جلب کنند؛ تصمیم میگیرند که چه مطالبی را متناسب با زور منتشر کنند؛ ضمناً بحث های متناقض و جنگی در عین در قلمرو مطبوعات براه میاندازند تا ما بتوانیم هرچه بیشتر نظرات خود را بیان کنیم!!!

فقط مطالب دروغ چاپ میشود

روشی که ما برای تنظیم و ارائه مطالب در پیش گرفته ایم؛ بدلیل آنکه برای مردم نامحسوس میباشد؛ اعتماد کامل آنان را نسبت بحکومت ما جلب میکند؛ ما از کاربرد این روش بسیار راضی هستیم

زیرا که میتوانیم گاه بگاه احساسات مردم را نسبت بمسائل سیاسی برانگیخته یا فرو نشانیم؛ گاه حقیقت را میگوییم؛ و گاه دروغ و زمانی هم مطلب متناقض ارائه میکنیم؛ ما مطمئنیم که بردشمنان خود غلبه میکنیم؛ زیرا که آنان نمیدانند همچون مناظرات خود را از طریق مطبوعات ابراز کنند!!!

گفتیم که مخالفان ماکه در رده سوم قرار دارند و مخالفت های ظاهری خود را در مطبوعات ابراز میدارند؛ هر گاه لازم باشد در ارگانهای نیمه رسمی خود؛ انتقادات آنه را بشدت تکذیب میکنیم!!! حتی اگر امروزه؛ مطبوعات فرانسه را به عنوان مثال در نظر بگیریم بنشانه های همکاری فراماسونری بخوبی در آن چاپی میبریم؛ تما ارکانهای مطبوعات بطور اسرار آمیزی با هم در ارتباط اند و چوم پیشگویان قدیم؛ منبع اطلاعات را افشا نمی کنند؛ مگر آنکه همگی تصمیم به افشای منبع بگیرند و تا زمانی که اسرار؛ در اختیار تعداد محدودی باشد؛ جایگاه و منزلت روز نامه نگاران؛ توجه اکثریت مردم کشور را جلب کرده و توده مردم باشور و شوق بدنبال آنها براه می افتد!!!

باید دامنه فعالیت های حساب شده خود را در زمینه مطبوعات بسطح استانها گسترش دهیم؛ یعنی برانگیختن امیدها و انگیزه هایی که تسلط ما را بر مراکز کشورها موجب میشود؛ برایمان ضرورت تام و تمام دارد؛ بپایتخت ها و انمود می کنیم که اینگونه خواست های مستقل مردم استانها هستند؛ البته منبع واقعی بروز این گونه حوادث در استانها ما هستیم؛ آنچه میخوایم این

است تا آن موقع که حداکثر قدرت را در اختیار داریم باید پایتخت کشورها را در محاصره افکار عمومی مردم استانها قرار دهیم!!!
بریدن از رژیم گذشته و پیوستن بر رژیم جدید که بنظر ما منجر به غلبه کامل بر تمام رژیم ها میشود؛ «دوره انتقالی» نام دارد؛ در این دوره نباید بمطبوعات اجازه داد که نادرستی ها مردم و کثری مردم را منعکس کنند؛ برای رژیم جدید ضروری است؛ همه را متقاعد کند که جنایت بکلیر یشه کن گردیده است؛ اگر مو دارد از جنایت بوقوع پیوست؛ فقط باید قربانیان و شاهدان آن از موضوع باخبر باشند کسی دیگر!!!

پروتکل شماره ۱۳

نیاز بقوت و غذای روزانه؛ غیریهودی را مجبور میکند که آرام و ساکت بنشینند و در صف خدمتگزاران متواضع مادر آیند؛ از میان همین افراد؛ عواملی را انتخاب میکنیم و بمطبوعات میفرستیم!!! این عوامل؛ مسائل را که بمصلحت مان نیست تا بصورت اسناد رسمی منتشر بشود؛ مورد بحث و تبادل نظر قرار میدهند؛ در عین حال ما در جزئیات اینگونه مباحثات قرار میگیریم و مطالب بحث شده را آنطور که خود میخواهیم؛ بوسیله مطبوعات بمردم عرضه میکنیم؛ بدیهی است وقتی موضوع در بین مردم جا افتاده؛ کسی جزأت نمیکند خواستار نفی و ابطال آن بشود؛ به علاوه در موقع لزوم؛ فکر مردم را از موضوعاتی که بوسیله مطبوعات مطرح شده اند؛ منحرف کرده و متوجه مسائل دیگری میکنیم!!!

اصولاً غیر یهودی ها افراد کوتاه فکری هستند که فهم پیش پا افتاده ترن مسائل سیاسی عاجزند؛ وانگهی مسائل سیاسی؛ مسائل هستند که درک و فهم آنها جز برای آنهایی که خود طراح و خالق اینگونه مسائل اند؛ برای دیگران دشوار میباشد!!!

با توجه به آنچه در بالا گفته شد؛ غرض ما از جلب افکار توده مردم؛ فقط تسهیل کار خود ما است و اگر بنیال گفتن تأیید مردم برای این یا آن مسئله هستیم؛ صرفاً حرف میزنیم و عمل نمیکنیم؛ در نوشته های مان ب مردم اعلام میکنیم که مادری خوشیختی و سعادت عموم هستیم!!!

برای منحرف کردن فکرو ذهن آنها یکه ممکن است در بحثهای سیاسی برای مان مشکلاتی ایجاد کنند؛ مسائل جدیدی چون صنعت بپیش میکشیم و عنوان مسائل سیاسی جدید روی آنها میگذاریم و ب مردم اجازه میدهیم که اینگونه مسائل را مورد بحث و بررسی قرار دهند؛ البته توده های مردم تمایل دارند که در زمینه مسائل سیاسی غیر فعال باشند؛ از این رو برای آنکه امر به آنها مشتبه شود و ندانند که درباره چه موضوع بحث میکنند؛ فکر آنها را بمسائلی چون تفریح؛ سرگرمی و رفتن بکلوپ خا و ... خلب میکنیم و در همین اثناء مطبوعات را وا میداریم که بمسائلی چون رقابت ها و مسابقات هنری و ورزشی بپردازند؛ بدون شک پرداختن به اینگونه مسائل آنها را از مسائل بنیادی دور منحرف میکند؛ اندک اندک به ابزار نکردن عقیده خود عادت میکنیم و سرانجام؛ بتکرار همان چیزهای میپردازند که ما میخوئیم و بدین سان ب فکر آنان جهت میدهیم و میتوانیم بهمکاریشان اعتماد کنیم!!!

پيشرفت

نتقشی را که آزادی خواهان؛ خیال پردازان و افراد رویایی باید ایفا کنند سرانجام تازمانی که حکومت مامورد قبول همگان واقع گردد؛ به اجرا در خواهد آمد؛ بدین معنی تازمان شروع حکومت ماین را بخوبی در خدمت مان خواهند بود و مامیکوشیم که ذهن اینگونه افراد را بمسائل بیهوده و تئوری های خیالی و بظاهر مترقیانه مشغول کنیم؛ ما باید آن قدر غیر یهودیا را بمسائل چون پیشرفت؛ سرگرمی کنیم تا سرانجام از فهم هر مسئله ای اظهار عجز کنند؛ کلمه «پیشرفت» مانند یک عقیده سفسطه آمیز؛ حقیقت را لوٹ میکند و این موضوع را کسی جز ما-قوم برگزیده خدانمیتواند درک کند؛ هنگامیکه براریکه شاهنشاهی جلوس کردیم؛ سخن سریان و سخن گویانمان مسائل و مشکلات بزرگی که انسان را از انسانیتش دور کرده اند؛ مورد بررسی قرار میدهند تا اینگونه مشکلات تحت رهبری ما حل و فصل شوند!!!

این ما بودیم که مردم را گام بگام طبق برنامه های سیاسی مان در طول قرنهادایت کردیم؛ آیا کسی میتواند در این مورد تردیدی بخود راه بدهد؟!!

پروتکل شماه ۱۴

هنگامیکه حکمت شاهنشاهی ما آغاز شد همه ادیان باید از بین بروند؛ جزد دین ماکه همانا اعتقاد به خدای یکانه است؛ بیشک سرنوشت قومک ما به عنوان قومی برگزیده؛ با وجود خدا گره خورد؛ و هم اوست که تقدیر کارجهانیان را با سرنوشت ما پیوند داده است؛ از این رو ریشه هرگونه عقیده ای باید از بیخ و بن کنده شود؛ حتی اگر این کار به انکار وجود خدا که ما امروزه شاهد آن هستیم؛ ختم شود؛ این کار؛ ننتها در دوره انتقال حکومت مفید است؛ بلکه بسود جوانانی است در آینده بتبلیغات مذهبی دین موسی گوش فرامیدهند دینی که احکام ثابت و پیشرفته دارد و تمام افراد جهان را به اطاعت ما وا میدارد!!!

البته در تبلیغات مان روی مبانی تربیتی و جنبه های اسرار آمیز و اعجاز انگیز این دین؛ تأیید فراوان میورزیم و در موقع لزوم؛ مقالاتی منتشر میکنیم و میان نحوه حکومت ربانی خود و حکومت های گذشته؛ مقایسه هایی به عمل می آوریم؛ و اشتباهات حکومت های غیر یهودی را بگونه ای بسیار روشن؛ بازگو میکنیم و نیز حرکات درد منشاء عده ای حکام ماجراجو که انسانها را شکنجه و انسانیت را لکدمال کرده اند؛ یادآور میشویم و نفرت آدمیان را برمی انگیزیم بنحوی مردم آسایش دوران بردگی را بر آسایش دوان پس از بردگی ترجیح دهند!!!

تحولات بی فایدهٔ حکومت های غیریهودی که با وسادطت ما انجام میگیرد؛ اعتبار حکومتهایشان را تنزل میدهیم و مردم از اوضاع نابسامانی حکومتها آنچنان خسته نیشوند که راضی میگردند هر نوع خفت وزنتی را در دوران حکمت ما تحمل کنند و هرگز جرأت رهای از زیر ساطهٔ ما تحمل رنجهایی چون رنج های گذشته؛ بخود راه ندهند!!!

مادر عین حال اشتباهات تاریخی حکام غیریهودی را که در اثر بی اطلاعی و فهم نادر دست انها از مسائل رخ داده است؛ کوردت آکید قرار میدهیم و شکنجه هایی که انسانها از دست اینگونه حکام دیده اند یاد آور میشویم؛ روش اصول کار ما بر این حقیقت مبتنی است که آنچه ما عرضه تفسیر میکنیم؛ عالی و خالی از عیب است؛ ولی در آنچه در گذشته وجود داشته باشد باید مرده و متلاشی شده تلقی گردد!!! فیلسوفان ما نارانی ها عقاید مذهب را مورد بحث و بررسی قرار میدهند؛ اما کسی نباید اعتقادات واقعی مذهب ما را مورد بررسی قرار دهند؛ زیرا که هیچ کس جز خودمان نباید از کاردین مان نباید از کاردین مان سدر بیاورد؛ وانگهی افراد قوم خودمان هم حق بر ملا کردن اسرار دین را نخواهد داشت!!!

دراثتای سدهای معروف بسده های روشنایی و پیشرفت؛ ما ادبیاتی پست و کثیف و تهوع آور رواج میدهیم و تا مدتی پس اربقدرت رسیدنمان اجازه میدهیم که این سبک ادبیات بحیات خودادمه دهد؛ تا بتوانیم بدین وسیله دربرنامه های خودمان نوعی آرامش و رخوت در مردم ایجادکنیم؛ به علاوه افراد آگاه آزموده برهبری غیریهودیان منصوب میکنیم؛ و به ایداد سخنرانی و نشر مقالات ویژه میپردازیم تا به این وسیله بتوانیم روی ذهن غیریهودی ها اثر گذاشته و آنان تنها آن دسته از معارف و معلوماتی را کسب کنند که دلخواه ما است و ما قبلاً آنها را تدارک دیده ایم!!!

پروتکل شماره ۱۵

هنگامیکه سانجام بطور قطع؛ در اثر کودتای یک روز هکه در همه جا طی یک روز بوقوع می پوندد؛ بمقام شاهی نائل آمدیم ونیز هنگامیکه بی اعتباری همه حکومت هامورد قبول همگان واقع شد (اینکار وقت زیادی لازم دارد؛ شاید یک قرن طول بکشد که این اتفاق بدقوع بپیوندد) دیگر اجازه نخواهیم داد که توطئه ای علیه ما صورت بیگرد؛ از روهر کسیکه اسحله بدست بگیرد و بخواهد علیه شاهنشاهی ما که در شرف شکل گرفتن است؛ قیام کند؛ او را با بیرحمی خواهیم کشت!!!

هر نوع مؤسسه ای «انجمن های مخفی» را نابود میکنیم؛ البته آنهایی که اینک وجود دارد؛ برای مانشته شده هستند و در خدمت مان میباشند؛ لیکن بعد از فعالیت آنها ممنوع اعلام کرده و اعضای آنها را بعد از فعالیت آنها ممنوع اعلام کرده و اعضای آنها را بقراره های دور از اروپا تبعید میکنیم؛ به علاوه بوضع غیر یهودان فرا سون که اطلاعات زیادی درباره اوضاع ماداند؛ رسیدگی و عده ای از آنها را ممکن است بدلیل نگه داریم؛ ولی آنان را برای همیشه از تبعید میترسانیم؛ به علاوه قانونی مگذاریم که موجب آن تمام اعضای انجمنهای خفی؛ مشمول تبعید از اروپا واقع شوند!!!

تصمیمات حکمت ما قطعی ولایت‌گراست

در جوامع غیریهودی که مادر آنجا بینظمی و نامسانی ایجاد کرده ایم تنهارا ممکن برای برقراری نظم و اعمال حاکمیت؛ همانا استفاده از روش های خشونت آمیز است و در این زمینه نباید بقربانیان هیچگونه ارفاقی کرد؛ زیرا که آنها باید فدای رفاه آینده بشود و رسیدن برفاه عمومی حتی اگر بقیمت قربانی شدن عده خیلی زیادی بشود؛ وظیفه اصلی هر دولت بشمار میرود؛ اصولاً اعمال قدرت؛ قدرت ثبات حکومت را تضمین میکند؛ و قدرت هم زمانی کسب میشود که بتوان زورگفت؛ تا سال های اخیر سیاست اعمال زور بروسیه حاکم بود و حکومت مستبد این کشور؛ تنها دشمن سرسخت ما بشمار میرفت ایتالیا نیز که «سولا» بر آن حکومت میکرد چنین وضعی را داشت «سولا» ایتالیار ابحاک خون کشید و اشخاصی فراوانی را تکه پاره کرد؛ ولی چون قدرتی فرعون گونه داشت و از شهامت و قدرت فکری مانندی برخوردار بود؛ مردم را هیپنوتیزم کرده بود؛ و کسی یارای باوی رانداشت!!!

لژهای فراماسونری

تا پیش از آغاز خود؛ روشی متناقض در باره مسائل سیاسی در پیش میگیریم بدین معنی که لژهای فراماسونری آزادی را در تمام کشورهای جهان ایجاد میکنیم و سپس آنها را گسترش می دهیم و تمام آنها یکه در زمینه فعالتهای اجتماعی مشور باشند؛ به این لژها جلب میکنیم؛ زیر نظر داریم لژها میتوانیم اصل جاسوسی

ونيز عواملی که ميتوانند روی ديگران اثر بگذارند پيدا کنيم؛ آن گاه تمام لژها را تحت رهبری يک اداره مرکزی که اعضای آن از حکمای قوم هستند و برای همه ناشناخته اند؛ در میآوريم تمام لژها؛ نمايده گانی در اداره مرکزی خواهند داشت که بوسیله این نمایندگان دستورات و برنامه های سرّيه لژها؛ بين عناصر انقلابی و ليبرال؛ نوعی وصلت و ارتباط برقرار میکنيم؛ ترکیب این لژها طوری خواهد بود که همه قشرهای جامعه؛ افرادی در آن عضویت داشته باشد؛ البته فعالیت های سیاسی و حرح های مخفی لژها را از همان آغاز تاسیس و گشایش لژ؛ زیر نظر میگیريم؛ بايد اضافه کرد که پلیس های ملی و بين المللی از جمله کسانی خواهند بود که در این لژها عضویت پيدا خواهد کرد؛ طبیعی است که غير يهوديان از ماهیت واقعی کار لژها سردر نخواهند آورد!!!

افرادی که باشور و شوق فراوان؛ عضویت انجمن های مخفی را میپذیرد؛ کسانی هستند که در زندگی دنبال هوی و هوس میباشند و نیز افرادی سبک مغزنده هنگام اجرای طرح ها و نیز براه اندختن ماشینی که خود طراح آنیم؛ مشکلی ایجاد نخواهد کرد! اگر در این نابسامانی و اغتشاشاتی رخ داد؛ بدانید که این گونه اغتشاشات را ما بوجود می آوريم؛ تا بتوانيم همکاری افراد را با هم اربین بريم؛ غير يهوديان بدون کنجکاوی؛ عضویت لژها را میپذیرند؛ عدهای از آنها بخاطر استفاده های مالی و بعضی هم بخاطر رسیدن به موقعیت؛ شهرات و نیز مورد ستایش واقع شدن؛ به عضویت لژها در میآیند؛ ما هم در بر آوردن این گونه خواست ها بسيار بخشيديم!!!

علت اینکه موجبات موفقیت آنان را فراهم میآوریم این است غیر یودیان پس از کسب موفقیت دچار غرور و خودبینی شده و تالقین های ما را بدون مقاومت میپذیرند؛ شما نمیدانید که تا چه حد میتوان حتی آگاه ترین افراد از غیر یهود را بسادگی در اثر ایجاد غرور ناشی از موفقیت؛ بتسلیم و اداسیت؛ همان قدر که ما برای موفقیت اهمیت قائل نیستیم؛ غیر یهودیان دو چندان بموفقیت اهمیت میدهند و حاضرند برای بدست پایی بموفقیت؛ خود را فدا کنند؛ همین ویژگی و خصلت درونی غیر یهودیان مشکل راحل کرده و بپاکمک میکند تا آنان را در جهتی که میخواهیم سوق دهیم؛ مثلاً آنها را و امیداریم که ببحث و بررسی پیرامون محدودیت ها و نارسائی ها فلسفه «فردگرایی» بپردازند اما آنان نمی فهمند که این نوعی سرگرمی بشمار میرود و معرفی نارسایی های فلسفه فردگرایی خود؛ نقض و لگد مال کردن مهم ترین قانون طبیعت است! حال که موفق شده ایم آنها را بکارهای احمقانه ای واداریم؛ آیا این دلیل کوتاه فکری آنها نیست؟! آیا این نشان نمیدهد که مغز و فکر ما از فکر غیر یهودیان؛ تکامل یافته تر است؟! بدون شک همین امر موجب موفقیت ما خواهد شد بر آستی چقدر حکمای قوم ما در روزگاران گذشته آینده نگرو دوران دیش بوده اند که میگفتند: «برای رسیدن به هدف های مهم؛ باید از هر وسیله ای اسفاده کرد و قربانیان فراوانی را برای رسیدن به هدف ها فدا کرد» اگر چه غیر یهودیان قربانیان زیادی داده اند؛ یا این همه؛ تعداد قربانیان قوم ما که ملیت ما را نجات بخشیده اند نسبت بتعداد آنان بسیار اندک است!!!

مرگ براه همه يك امر اجتناب ناپذير است؛ آنهاييکه مانع انجام برنامه هامشوند؛ بهتر است که مرگشان را جلو بينداريم و آنها نابودکنيم؛ از جمله اين افراد فراماسونرهايي هستند که عليه ما اعتراض ميکنند؛ طوري آنها را ميکشيم که جز برادران همحون مان کسی متوجه نشوند؛ حتى طوري آنها را از بين ميبريم که خود قربانيان هم نفهمند و بنظر آيد که مرگ آنها ناشی از نوعی بيماری بوده است؛ البته برادران دخومان حق افشای راز اندارند!!! هنگاميکه ليبراليسم را در غير يهوديان تبليغ ميکنيم؛ بايد افراد قوم خودونيز عمل مان؛ بدون چون و چرا تسليم شوند؛ و اعتراضی از جانب آنها صورت نگیرد تا مجبور نشويم؛ که با آنها چون غير يهودی رفتار منيم!!!

نفوذ و دخالت شديد ما موجب گرديد که قدرت اجرایی قوانين حقوقی غير يهوديان بکمترت ميزان؛ کاهش يابد؛ البته تغيير و تفسير های ليبرال کونه ای که از قوانين به عمل می آيد؛ بنوبه خود؛ موجب متلاشی شون قدرت قوانين شده است؛ قضات؛ درباره مسائل اساسی تصميم ميگیرند که ما به آنها ديتکه ميکنيم؛ به علاوه مديران يهودی موضوعات را آنطريکه ما جلوه ميديم می بينند؛ البته ما اين کارها را بدون آنکه خود؛ ظاهر شويم و صرفاً از طريق افرادی که آلت دستمان هستند؛ بمرحله اجرا در می آوريم حتى ساتورها و مقامات عالی عير يهودی؛ با ما بمشورت ميپردازند میان قوم ما و غير يهوديان؛ تفاوت های قابل توجهی از لحاظ استعداد و توانایی وجود دارد و همین امر موجب شده است که قوم برگزیده

ما از بالا ترین میزان انسانیت برخوردار باشد و از غیریهودیان متمایز گردد؛ غیریهودیان گرچه بظاهر چشمانشان باز است؛ ولی چیزی نمیبینند؛ به عبارت دیگر؛ قدرت ابداع (مگردر زمینه مسائل مادی) ندارند و شاید بهمین دلیل است که طبیعت؛ خودش از قبل مقدر کرده است که جهانیان را هدایت کنیم و بر آنان حکم روا بشیم!!!

ماخواستار تسلیم بدون قید و شرطیم

هنکامیکه حومت خود را آشکارا آغاز کردیم و زمان شکوهمند حکمرانی ما فرار سیدبتمام قانونگزاران اعلام میکنیم که قوانین را ساده؛ مختصر؛ ثابت و بدون هرگونه تغییر و تفسیر وضع کنند تا همگان بر راحتی موفق بفهم کامل آنها شوند؛ مهم ترین عاملی که بقوانین؛ ضمانت اجرایی میبخشد؛ تسلیم بدون قید و شرط در مقررات است؛ بدین معنی که مقدمات پایین؛ از مقامات بالا اطاعت کنند تا امکان هرگونه سوء استفاده ای از بین برود!!!

برای کسانی که بخوهند از مقام خود سوء استفاده کنند؛ شدیدترین مجازات را در نظر گرفته ایم؛ به علاوه اعمال رفتار مدیران را با دقت نظارت میکنیم؛ زیرا که حرکت سریع ماشین دولت درگرو نهاست؛ هر نوع اهمال در کار آنها؛ موجب سستی کار در سایر جاها میشود؛ لذا؛ بار دیگر تأکید مینمک که حتی یک مورد از اعمال غیر قانونی و سوء استفاده از مقام را بدون مجازات نمیگذاریم!!!

پس از مجازات های شدید در مورد خلاف کارها اعمال شد؛ پنهان کردن و نادیده گرفتن اشتباهات از سوی کسانی که در خدمت دولت

هستند؛ بکلی از بين خواهند رفت و بدین سان پایه های قدرت دولت محکم شده و شأن و مقام دولت بالامیرود؛ اگر برای تخلفات جزئی؛ مجزات های سنگین در نظر گرفته نشود؛ آنهایی که زمام امور را بدست دارند؛ از مسیر حرت ملت منحرف شده و مسیرهای دلخواه خود را طی میکنند؛ قضاات؛ میدانند که بخشودن جرایم و لغزش هابمهنای تجاوز بحريم قانون است و این کار نشانه تلطیف روح و رقت قلب قاضی نیست؛ گذشت نشان دادن؛ در زمینه زندگی شخصی؛ ایرادی ندارد؛ ولی وقتیکه چای مصالح عموم در میان است؛ گذشت نشان دادن جایز نیست!!!

سن قضاات و کارکنان امور قضایی نباید از ۵۵ سال متجاوز باشد دلیل نخست؛ آن است که افراد سالمند در حفظ عقیده خود خیلی پابرجا و متعصب میباشند و دیگر آنکه بسختی پذیرای عقاید نو هستند؛ دلیل دوم؛ آن است که اعمال این روش نوع انعطاف پذیری بکارهایمان میبخشد و به راحتی میتوانیم افرادی را که کمتر زیر فشار هاخم میشوند را که کمتر زیر فشار هاخم میشوند؛ عوض کنیم؛ یعنی کسیکه میخواهد مقام موقیتش را حفظ کند؛ باید مطیع محض باشد؛ بطور کلی ما قضاات را از میان کسانی انتخاب میکنیم که با تعهدات خود آشنا باشند و بدانند که وظیفه آنها اعمال مجازات و اجرای قانون است نه آنکه رویایی فکر کنند و به لیبرالیسم بیندیشند؛ اعمال این گونه روش ها موجب میگردند که همکاری گروهی بین قضاات برود و آنان فقط بمنابع دولت که سرنوشت آنها بدان بستگی دارد؛ فکر کنند!!!

امروزه قضات غیرصهیونیست؛ چون شناخت درستی از رسالت خویش ندارند؛ بخشودگی های فراوانی را در مورد جنایات قابل میشوند البته گناه این کاربگردن فروانروایان عصر حاضر است زیرا در انتخاب قضات کافی بخرج نمیدهند و قضات را با مسئولیت هایشان آشنا نمیسازند؛ همان گونه که حیوانات بچه هایشان را بجست جوی شکار میفرستند؛ غیرصهیونیست هاهم به افرادشان مشاغلی تفویض میکنند؛ بدون آنکه علت بوجود آمدن مشاغل را به آنان یاد آور شوند؛ بهمین دلیل حکومت هایشان بوسیله خود آنان و نیز بسبب مدیریت غلط؛ از درون میپوسند!!!

بگذارید از مثالها و کفتا بالا؛ درسید یگر برای حکومت خویش فرا گیریم؛ ریشه آزدی خواهی را از مؤسساتی که مسئولیت تربیت بیروی انسانی برای پست های حساس دولت دارند؛ از بیخ و بن بر میکنیم و تصدی این گونه مشاغل و پیتهارا بکسانی میکنیم که بوسیله خود ماتربیت میشوند؛ ممکن است ادعا شود که بانثسته کردن کارمندان سالمند؛ هزینه های سنکین را برای دولت برخواهد داشت؛ در پاسوخ بایدگفت؛ این گونه کارمندان میتوانند در بخش های خصوصی مشغول کار شوند؛ به علاوه باید خاطر نشان ساخت که تمام پول های دنیا در دست ما خواهد بود و دولت؛ ترسی از سنگینی هزینه ها نخود داشت!!!

ما بىرحم خواهيم بود

در همهٔ موارد مستبد خواهيم بود و اين استبداد؛ معقول و منطقي بنظر خواهد رسيد؛ تمام اوامر و مقررات ما احترام بوده و بدون چون و چرابه اجرا در خواهد آمد؛ هرگونه شكائيتى از سوى ملت؛ نادیده گرفته ميشود و وضعى پيش مى آوريم كه ريشهٔ همهٔ نارضايتى ها از بيخ و بن كنده شود؛ به علاوه براى آنكه چشم همه را بترسانيم؛ به اعمال مجازات هاى سنگين دست ميزنيم!!! هرگونه پژوهش و فرجام خواهيد رمزينهٔ دغاوى حقوقى از سوى متهمان حذف ميكنيم و مجازات هاى خود را مشمول پژوهش و فرجام خواهى قرار ميديم؛ زيرا كه نبايد اجازه دهيم كه فكر فرجام خواهى در ذهن مردم بوجود آيد؛ اگر چنين موردى پيش آمد؛ ما نيز بنوبهٔ خود تقضاي پژوهش ميكنيم؛ همچنين قضاتى را كه موجب شدند تا فكر فرجام خواهى در ميان مردم رشد كند؛ آنان را بخاطر شناخت نادرستشان از قوانين؛ شديداً مجازات ميكنيم!!!

من باز تكرر مديران هر قدميكه برميدارند؛ بايد بانظرات دقيق ما باشد؛ زيرا كه براى آنكه مردم از ما راضى باشند؛ دولت بايد كار مندان خوبى در اختيار داشته باشند!!!

حكومت ما؛ سيماي حكومت پدشاهى بخود ميگيرد كه فرمانروا در آن؛ نقش پدر و سرپرست مردم را دارد؛ قوم ما و مردم تحت سلطهٔ؛ فرمانروا را پدر خود ميدانند كه از آنها ننگه دارى ميكند و نيازهاى آنان را بر آورده ميسازد و نيز؛ روابط افراد را باهمديگر و با فرمانروا مشخص ميكند!!!

بمردم این فکر را القاء میکنیم که اگر ملت بخواهد در صلح و آرامش بسر ببرد؛ باید فرمانروا را حامی و سرپرست خود بداند و لب بستایش اغراق آمیزوی بگشاید!!!

هنگامیکه افراندی را برای تصدی پست شعلی منصوب مینماییم مردم را متقاید میکنیم که صاحبان اینگونه مشاغل و مناصب صرفاً اوامر فرمانروا را اجرا میکنند از قدرت و اقتدار ندارد؛ مردم نیز دل خوش خواهند بود که فرمانروا؛ زندگی آنها را از جهت تأمین میکند؛ همان گونه که والین نگه داری و تربیت فرزندان خویش را وظیفه ای برای خود تلقی میکنند!!!

همان گونه که میدانید؛ من حکمت استبداری را در دو چیز خلاصه میکنم؛ حق و وظیفه؛ یعنی اجرای حق انجام وظیفه؛ مسئولیت مستقیم دولتی است؛ که خود را پدر ملت میداند؛ دولت ما از یک قدرت خاص برخوردار است؛ حق دارد که انسان را به اجرای مقررات همان گونه که طبیعت آن را مشخص کرده است؛ یعنی تسلیم و ادا دارد؛ در این جهان هر چیزی حالت تسلیم را دارد و اگر تسلیم اوضاع و احوال محیط یا ویژگی های درونی خویش است!!!

باید افرادی را که مرتکب نقض مقررات وضع شده میشود؛ مجازات کنیم؛ زیرا که در بطن مجازاتی که برای ترساندن دیگران اعمال میشود؛ از لحاظ تربیت و تأدیب تدریس بزرگی نهفته است!!!

هنگامیکه پادشاه قوم اسرائیل؛ تاج شاهنشاهی که اروپا بوی
 تقدیم میکند؛ بر سر مقدسش میگذارد؛ بسمت پدر مردم دنیا منصوب
 میگردد؛ به علاوه شمار قربانیانی که ناچاراً بپیشگاه وی تقدیم
 میشود؛ خیلی کمتر از شمار کسانی خواهد بود که در اثر جنون و
 رقابت بین حکومت‌های غیر یهود قربانی شده اند!!!

پادشاه قوم ما؛ در تماس و مشورت مداوم با مردم بوده و از
 تریبونی که در اختیار دارد؛ با مردم سخن میگوید؛ و سخنانش در
 همان ساعت در سراسر دنیا پخش خواهد شد!!!

پروتکل شماه ۱۶

برای آنکه بتوانیم بطورکوثری فعالیت های اشتراکی غیریهودیان را بدون آنکه بفعالیت های گروهی مالطمه ای واردشود؛ تخریب سازیم؛ باید همکاری گردهی را در مراحل نخستین؛ عقیم کنیم!!!

معنای این سخن آن است که بنوسازی برنامه های آموزشی دانشگاه ها میپردازیم و تمام استادان و مقامات دانشگاهی را مطابق برنامه های سرّی و محرمانه برای مشاغل جدیدشان آماده می‌کنیم؛ انتصاب آنان را خیلی محطاطانه انجام میدهیم و وضعی پیش می آوریم که کاملاً بدولت وابسته بشوند!!!

دروسی چون قوانین حقوقی مربوط بدولت و مسائل سیاسی را از برنامه های آموزشی دانشگاه ها حذف میکنم و این موضوعات را فقط بتعدادی افرادانتخاب شده که داری اسعادهای درخشان باشند؛ می آموزیم؛ دانشگاه‌ها دیگر نباید طرح های معجون و مجعولی درزمینه قانون اساسی بیرون بدهند و استادان را هم نباید خودشان بمسائل سیاسی که پدرانشان هم از فهم اینگونه مسائل عاجزند سرگرم کنند؛ وقتی زیادی آنها را بطورنامطلوب؛ بامسائل سیاسی آشناشوند؛ همانگونه که آموزش و پرورش درجوامع غیریهودی جنبه همگانی بخودگرفت؛ نوعی خیالبافی وبدآموزی بوجود میآید!!!

ما بايد مطالب و موادى را وارد نظامهاى آموزشى غير يهوديان كنيم كه نظم و انسجام را از سيستم هاى آموزشى آنان بگيرد و اوضاع درهم برهمى بوجد آورد؛ اما هنگاميكه خودمان بقدرت رسيديم؛ تمام موارد و مطالبى را م بينظمى ببارمياورند و دانشجويان را بنا فرمانى و ا ميدارند؛ از دروس دانشگاهها حذف ميكنيم!!!

بجاي «كلاسى سيستم» و تاريخ عهد باستان كه چيزهاى بدان؛ بيش از چيزهاى خواب است؛ مسائل مربوط به آينده را مورد مطالعه قرار مى دهيم به علاوه تمام حقايق مربوط بقرون گذشته را كه مطلوب مانبا شند؛ از لوح ذهن آدميان پاك ميكنيم و فقط اشباهات حكومت هاى غير يهودى را بحال خود ميگذاريم و مطالب چون نحوه زندگى عملى؛ رعايت نظم؛ نحوه برقرارى رويط با ديگران پرهيز از خود خواهى كه موجب گسترش بدبها است و مسائل تربيتى ديگرى از اين قبيل؛ درنامه جداگانه و متناسب با مراحل مختلف زندگى تهيه و تدارك مى بينيم بيشك اين برنامه از اهميت ويژه اى برخوردار خواهد بود!!!

تربيت افراد بايد متناسب با مقدرات و نيازهاى زندگى آنان صورت گيرد؛ البته افراد باهوشى پيدا ميشود كه ميتواند زودتر از حد معمول وارد مراحل بالاتر بشوند؛ اما اين كاملاً اشتباه خواهد بود كه ما بخاطر عده معدودى؛ مرزها را بشكنيم و به افردبى استعداد اجازه دهيم كه جاى افراد مستعد را بگيرند؛ و بدون ضابطه وارد مراحل شوند كه صرفاً متعلق به افراد باهوش است!!!

فرمانروایی که میخوهد در قلب و ذهن مردم جای برای خودباز کند باید از اقدامات و ابتکاراتی که بسود مردم انجام دهد؛ سخن بگوید؛ و در مدرسه و بازار بمردم آموزش بدهد!!!

بهر نوع آزادی در زمینه آموزش؛ خاتمه میدهیم؛ اما دانش آموزان در هر سنی که باشند، میتوانند بامؤسسات آموزشی بامثل گذشته در یکی باشگاه در روزهای تعطیل گردهم آیند و بحث های آزاد معلمان که در زمینه رابطه انسانها؛ قانون جزائی و خلاصه تئوری های جدید که قبلاً مورد بررسی قرار نگرفته اند؛ گوش فرا دهند؛ این تئوری ها نخست عقاید جزمی و بسیار قدیمی و سرانجام دین ما را مورد بررسی قرار میدهند!!!

از آنجا که قرنها تجربه؛ بما آموخته است که عقاید در زندگی و هدایت انسانها نقش بسیار مهمی داشته و این عقاید از طریق تربیت بمردم الغاء شده اند؛ از روم باید افکار نو و مستقل را چون گذشته به انحصار حویش در آوریم؛ روش مهار کردن فکر هم اکنون در دست بررسی و مطالعه است؛ این کار را بوسیله سیستم که بسیستم دروس عینی معروف است و هدف آن مبدل گردن غیر یهودیان به آدم های بی فکر؛ بیخرد و مطیع که منتظرند دیگران برایشان فکر کنند و عقایدشان را شکل بدهند؛ انجام میدهیم؛ یکی از بهترین عوامل ما بنام «بورژوئیز» تقریباً تدریس بوسله دروس عینی را رواج داده است!!!

پروتکل شماره ۱۷

اشتغال بکار و کالت دادگستری (اغلب) آدمیان را سرد؛ بی عاطفه و بیمسک باری می آورند؛ در اینگونه افراد همواره از یک دیدگاه غیر شخصی و صرفاً قانون بمسائل نگاه میکنند و طبق عادت دیرینه شان برای مدافعان حقوقی؛ بیش از رفاه عمومی ارزش قائل اند دفاع از هر موضوعی را میپذیرند و کوشش میکنند؛ بهر قیمتی که شده؛ متشاکمی بر آنت حاصل کند؛ از کوچکترین ابهام در مسائل حقوقی خرده میگیرند و بدین سان جنبه اخلاقی فضا و داوری را از بین میبرند بخمین دلیل ماحرفه و کالت را در چهارچوبی محدود و در زمره خدمات عمومی قرار میدهیم؛ و اجازه نمیدهیم که قاضی و وکیل هر دو در طرح دعاوی حقوقی دخالت داشته باشند!!!

و کلاً؛ فقط اسناد و مدارک لازم را از طریق دادگاه دریافت میکنند و مطالعه خود را بر اساس گزارشات کتبی و مدارک انجام میدهد پس از اینکه در دادگاه از مراجعین و طرفین دعاوی بازجویی به عمل آمده و حقایق روشن گردید؛ آنگاه؛ و کلاً مدافع؛ کار دفاع

خود را آغاز میکنند؛ ضمناً بودن توجه بکیفیت کارشناس؛ حق الوکاله ای به آنان پرداخت میگردد؛ این کار باعث میشود که وکیل نقش متعادل و هماهنگ کنندای در امور قضاوت بازی کند و زمان رسیدگی بدعاوی حقوقی کوتاه گردد!!!

همچنین این عمل باعث میشود که وکیل مدافع؛ صادقانه و دور از تعصب کار کند و وکالت بر اساس ضوابطی ثابت انجام گیرد، نبرمنای علائق و نظرات شخصی؛ در این روش همچنین فسادی را که در حال حاضر در امر وکالت وجود دارد؛ ریشه کن میکند و معامله بین وکیل و موکل خامه خاتمه میدهد؛ زیرا که طبق اینگونه معاملات و قراردادها؛ هر کس پول بیشتری پرداخت کرد؛ حاکم میگردد!!!

کشیش گری را از بین می بریم

از مدتها قبل کوشیده ایم که اعتبار کشیشان را در میان غیر یهودیان از بین ببریم بمأموریت آنها بر روی زمین که ممکن است هنوز هم مانع بزرگ بر سر راه ما باشند؛ خاتمه میدهیم؛ البته روز بروز تأثیر آنها کاسته میشود و اکنون آزادی عقیده در همه جا اعلام گردیده است؛ تنها (زمان) است که بین ما و لحظه ورشکستگی کامل آیین مسیحیت؛ فاصله انداخته است؛ راجع به ادیان دیگر اگر بخواهیم دست اندکار شویم؛ مشکلات کمتری خواهیم داشت؛ ولی هنوز رود است در این باره صحبت کنیم؛ بطور کلی کشیشان را در تنگنا قرار داده ایم و تأثیر آنها روی مردم برخلاف پیشرفت های گشته شان؛

روز بروز رو بقهقرا میرود؛ هنگامیکه زمان موعود فرا رسد؛
 دربار پاپ متلاشی شود و ملتها با اشاره دستى نامرئى بسوى
 دربار حرکت میکنند و هنگامیکه خود را روی پاپ پرت کردند؛
 مازیرپوشش مدافع وی ونیزبیهانه جلوگیری از خونریزی بیشتر؛
 پادرمیانی ومیانجی گری میکنیم ووقیتیکه بااین طرق فکر مردم
 رامغشوش ومنحرف کردیم؛ بدرون دربار؛ نفوذ میکنیم وتا قدرت
 آن را ازبین نبریم؛ بیرون نخواهیم آمد!!!

پادشاه یهودیان؛ پاپ واقعی جهان ورئیس کلیسای بین الملل خواهد
 بود؛ ضمن اینکه جونان را باادیان باستانی آشنا کرده؛ دین خود
 را به آنان آموزش میدهیم؛ اما آشکارا روی معایب کارکلیساهی
 موجود انگشت نمیگذاریم؛ بلکه از طریق انتقادات حساب شده
 بجنگ آنها میرویم تا مردم را از آنها جدا سازیم!!!

بطوری کلی؛ مطبوعات معاصرما به انتقاد از امور دولت؛ مذهب
 وبیکفایتی های غیریهودیان ادامه میدهند و درنوشته هایشان
 غیراخلاقی ترین اصطلاحات وعبارات را بکار میگیرند تا بهر
 وسیله ای که مقدورباشد؛ شأن ومنزلت آنان را تنزیل دهند و این
 کار فقط از دست افرادبا استعداد قوم هوشمند ما برمی آید!!!

پادشاهی ما از قداست ویشنو(خدای هندوها) میکند و در واقع تجسم شخصیت
 اوست؛ ما چون ویشنو صد دست داریم و بر سر هر دست انگوشتی قرار دارد
 ؛ که کلیه مارهای دستگاه حیات اجتماعی را در اختیار خواهیم گرفت و
 هر یک پلیس رسمی؛ ناظر بر هر کاری هستیم و تدابیر اندیشیده ایم که
 دولت های غیر یهودی از فعالیت های مابى اطلاع بمانند!!!

طبق برنامه؛ یک سوم از افراد تحت سلطه؛ مراقب رفتار و اعمال بقیه خواهد بود و این کار را بر اساس خدوت داوطلبانه خویش به دولت؛ انجام میدهند؛ خبرچینی و جاسوسی برای دولت نتهانایسند نیست؛ بلکه مایه افتخار هم هست؛ در عین حال اگر کسی گزارشی بی اساس علیه دیگران بدولت بدهد؛ شدیداً مجزات خواهد شد؛ تا کسی نتواند از قدرتش سوءاستفاده کند و از حق خود تجاوز نماید!

عوامل مان راهم از طبقه بالا و هم طبقه پایین مردم انتخاب میکنیم در این عوامل؛ مدیرانی که بکارهای تفریحی سرگرم هستند؛ سر دبیرهای روزنامه ها؛ ناشران؛ صاحبان پانخانه ها؛ کتابفروش ها منشی ها؛ فروشندگان؛ کارگران؛ مربیان ورزشی؛ خدتکاران و غیر وجود دارد؛ این گونه افراد حق ندارند که خود سرانه دست بکار بزنند؛ همچنین پلیس؛ قدرتی از خود نخواهد داشت و کارش تنها مشاهده کردن و گذارش دادن است؛ تحقیق در مورد گزارشات و توفیق افراد بانظر مشاوران و گروهی که بکار پلیس نظارت دارند انجام میگیرد اگر کسی در مورد مسائل سیاسی؛ موضوع را مشاهده کرد و گزارش نداد؛ مسئول خواهد بود و اگر تقصیری وی ثابت شود؛ بجرم کتمان وقایع مورد بازخواست واقع خواهد شد!!!

همانگونه که برادران میان مسئول هستند تا با قبول خطر برای خود؛ خویشاوندان مرتد خویش و نیز کسانی که علیه رهبران دینی اقدام میکنند بمقامات مذهبی معرفی نمایند؛ در نظام شاهنشاهی ما مردم سراسر جهان مسئول هستند که وظیفه خود را در این زمینه نسبت بدولت انجام دهند!!!

با اعمال چنین روشی؛ هرگونه سوءاستفاده از قدرت؛ زورگویی؛ رشوه خواری و از تمام اعمال ناپسندی از این قبیل که مشاوران ما بکمک تئوری های حقوق بشر بفرهنگ و آداب و رسوم غیر یهودیان تحمیل کرده اند؛ از بین خواهند رفت؛ اما چگونه مازمینه را برای ایجاد بینظمی در ادارت آنان مساعد ساختیم؟! از میان روشهای گوناگون میتوان بهم ترین عامل؛ یعنی افرادی که بنام «ایجادکننده نظم» به ادارات نقوذ کردند؛ نام برد؛ این افراد در فرصت های مناسب بمتلاشی کردن وحدت و همدستی آنان میپردازند؛ و تمایلاتی چون سرسختی؛ غرور؛ خود بینی؛ عدم احساس مسئولیت و از همه بالاتر؛ دمدمی بودن را در آنان به وجود می آورند!!!

پروتکل شماره ۱۸

چون بسیار از توطئه گران فقط حرفهای توحالی میزنند؛ از این روتا زمانی که مرتکب فعالیت های آشکاری نشوند؛ دست رویشان نمیگذاریم؛ ولی افرادی را بنام ناظر؛ بمیان آنها میفرستیم باید بخاطر داشت که اگر دولتی بخواهد توطئه های راکه کشف میکند فاش نماید؛ از شان و جایگاه خود خواهد کاست؛ زیرا که این کار نشانه آن است که دولت بضعف خود اعتراف میکند اینک بی عدالتی شدید وجود دارد!!!

بخوبی میدانید که ماهر چندگاه یک بار؛ عوامل مان را زیر پوشش فعالیت های سیاسی بجان پادشاهان غیر یهودی انداخته ایم و شان و اعتبار آنان را تنزل داده ایم؛ ما فرمانروایان غیر یهودی را وا داشته ایم تا اعلان کنند که تدابیری برای حفاظت خود بطور مخفیانه اندیشیده اند و بدین سان آنها را مجبور کرده ایم که بضعف خود اعتراف کنند؛ بدون شک بزودی ما قدرت ما فرمانروایان را خیلی مخفیانه حفاظت میکنیم؛ ولی نحوه حفاظت چندان چشم گیر و با اهمیت نخواهد بود؛ زیرا که نمیخواهیم اعتراف کنیم که

توطئه هایی در کار است و فرمانروا؛ قدرت برابری باین گونه
توطئه هارا ندارد و نیز اعتراف نمیکنیم که فرمانروا؛ خود را از
خطرات پنهان میکند!!!

اگرما همچون غیریهودیان که همواره پذیرفته و میپذیرند که
خطر آنها را تهدید میکند؛ بپذیریم که خطریدر کار است؛ بدست خود
سند مرگ فرمانروای مان را امضا کرده ایم؛ حال اگر این حقیقت
در مورد فرمانروا صدق نکند؛ در فاصله ای نچندان دور؛ جانشینانش
صدق خواهد کرد!!!

حکومت بکمک ارعاب

سیمای ضاهری حکومت ما بگونه ای است که نشان میدهد
فرمانورا تمام قدرتش را در جهت رفاه ملتش بکار میبرد؛ نه بخاطر
حفظ منافع خود و خویشاوندانش؛ لذا وقتیکه مردم شاهد چنین
رفتاری باشند؛ حکومتش بوسیله افراد تحت سلطه؛ حفاظت
خواهد شد و از ستایش های اغراق آمیز برخوردار خواهد بود؛
زیرا که رفاه هر شهروندی به اقتدار حکمت بستگی خواهد داشت؛
حفاظت فرمانروا بگونه ای اشکار؛ نشانه ضعف قدرت و مدیریت
رهبراست؛ هنگامیکه فرمانروای ما میان مردم میرود؛ ظاهراً گروهی
زن و مرد مشتاق (که در واقع محافظان) او را احاطه میکنند و صف
اول دیدار کنندگان را تشکیل میدهند که بخاطر حفظ و نظم باید
صفوف دیگران را بودن رعایت احترام به عقب زد این عمل
فشار و ناراحتی مردمی را که برای دیدار او یورش می آورند؛

کاهش میدهد؛ اگر کسی در بین مردم خواست که عریضه ای بدست فرانروا بدهد؛ کسانی که در صف اول قرار دارند؛ عریضه او را گرفته و در برابر چشمانش بفرمانروا میدهد تا بدانند که فرمانروا خود بر همه امور نظارت دارد؛ مردم همیشه باید بگویند: «اگر فرمانروا این را بداند با آن بکوشش برسد؛ چنین و چنان خواهند شد»

اگر سازمانی رسمی برای حفاظت فرمانروا تأسس شود؛ شأن و اعتبار او با اینکار از بین میرود و انگهی؛ شورش طلبان در انتظار فرصت میمانند تا بموقع؛ حمله خود را آغاز کنند؛ کسانی که علیه ما مرتکب جنایت شوند؛ پس از اینکه ظنمان بیقین مبدل گشت؛ آنها را بازداشت میکنیم و اجازه فرار به آنان نمیدهیم کسانی که در زمینه مسائل سیاسی مرتکب جرم شوند؛ باید انگیزه آنها را جویا شویم؛ زیرا که هیچ کس نباید دخالت در مسائل سیاسی را حق خود بداند و این تنها دولت است که با همه مسائل آشنایی دارد . . . البته همه دولت ها از ماهیت واقعی سیاست سردر نمی آورند!!!

پروتکل شماره ۱۹

اگر از ابزار هرگونه نظریه ای مستقل؛ در زمینه مسائل سیاسی؛ جلوگیری نکنیم؛ بدون شک مردم را تشویق خواهیم کرد که گزارش پیشنهاد؛ طرح و پروژه های برای بهبود شرایط زندگی خود بدولت ارائه بدهند؛ البته اینکار بنوبه خود موجب خواهد شد که ما بمعایب ومحاسن پیشنهادات افراد تحت سطر خود پی بریم و بیکی ازدو طریق زیر به آنان پاسخ بگوییم یا اینکه پیشنهادات آنها را به اجرا درآوریم یا اینکه ضمن نشان دادن کوتاه بینی ها وقضاوت های نادرستشان؛ نظرات آنها را رد کنیم!!!

شورش علیه دولت؛ پیارس کردن سگ در برابر فیل میماند؛ زیرا که دولتی که از نظر مردم نه از نظر پلیس؛ خوب سازمان یافته باشد؛ به اینگونه شورش ها اهمیتی نمیدهد؛ از این رو برای نشان دادن اهمیت اینگونه شورش ها مثالی بهتر از زوزه سگ در برابر فیل نمیتوان یافت؛ زیرا که وقتیکه سگ بوضوح فیل را دید؛ زوزه اش را قطع میکند و دمش را تکان میدهد!!!

مامنهای کوشش مان را بکار میبریم و امدواریم که غیره یهود
یان بمخافت ما برنخیزند و شورش راه نیندازند بهمیم دلیل مادر
مطبوعات اعلام خواهیم کرد: کسانی که بخاطر خیر و رفاه عمومی
با شورشیان درگیر شوند و بمیراند؛ شهید تلقی میشود و با این
کار ما هزاران نفر از غیر یهودیان را بگله خدمت کاران خود
افزوده ایم!!!

پروتکل شماره ۲۰

امروز درباره مسائل مالی؛ که من آن را بپایان این گزارش موكول کرده ام و در عین حال بخش اعلاى برنامه هایمان را تشکل میدهد؛ صحبت میکنم قبل از اینکه وارد بحث شوم خاطر نشان می سازم که یک بار اشاره ای کردم و گفتم: که ماتمام فعالیت هایمان را با اعداد و ارقام نشان میدهیم!!!

هنگامیکه حکومت شاهنشاهی مسشتقا ما آغاز شد؛ از تحمیل مالیات های سنگین بردوش توده مردم پرهزمیکنیم؛ اما چون دولت هزینه های سنگین دارد؛ برای اداره امور بیول نیاز داریم بهمین دلیل برای ایجاد تعادل در این زمینه باید خیلی محتاطانه عمل کنیم!!!

در نظام حکومتی ما؛ شاه قانوناً مالک همه اموال دولت است (میتوان این موضوع را بسادگی از قوه بعمل در آورد) و میتوان بنظور بجریان انداخت پولها؛ تمامتام وجوه موجود را ضبط کند بدنبال این اقدام؛ میتوان باوضع مالیات تصاعدی بردارایی؛ دیون را پرداخت کرد؛ بدون آنکه بر اثر وصول در صد معینی از دارای مردم به عونان مالیات؛ فشار یازیانی بر افراد وارد شود؛ ثروتمندان باید بدانند که وظیفه آنان ایجاب میکند که قسمتی از دارایی خود

را در اختیار دولت بگذارند؛ زیرا که دولت مالکیت باقی ثروتشان را محترم شمرده و شرافتمندانه سود بردن آنها را تضمین میکند؛ اینکه می‌گوییم: شرافتمندانه منظور این است که دولت با نظارت بردارایی؛ از غارت قانونی جلوگیری میکند؛ اصلاحات اجتماعی باید از بالا صورت گیرد؛ زیرا که اصلاح اجتماعی؛ یکی از شرایط ضروری برقراری صلح است!!!

تحمیل مالیات بر مردم فقیر، برای دولت خطراتی در بردارد و بمثابه کاشتن بذر انقلاب است؛ کسیکه در شکار بدنبال صید کوچک می‌رود صید بزرگ را از دست می‌دهد؛ صرف نظر از این موضوع؛ اخذ مالیات از سرمایه داران بزرگ مانع تراکم ثروت نزد افراد می‌شود؛ و ما تا امروز آن را عامل متعادل کننده و نگه دارنده غیر یهودیان (مسائل مالی آنها) دانسته ایم!!!

مالیات تصاعدی بنسبت سرمایه؛ منبع درآمد عمده‌های برای دولت بشمار می‌رود و بمراتب بهتر از مالیات کنونی است که از افراد وصول می‌شود؛ ما امروز وصول اینگونه مالیات را موجه میدانیم؛ زیرا که مشکلات و تنگناهای زیادی برای دولت‌های غیر یهودی بوجود می‌آورد؛ تأکید پادشاه قوم ما بر آن خواهد بود که تعادل اقتصادی و صلح؛ هر دو تضمین گردد؛ برای آنکه این دو منظور بر آورده شود؛ سرمایه داران باید بخشی از درآمد خود را بدولت و گذار کنند تا بدین سان چرخهای ماشین دولت بخوبی و با اطمینان کامل حرکت درآید نیازهای دولت باید بوسیله کسانی بر آورده شود که اگر از ثروتشان

چیزی برداشته شود؛ فشاری احساس نکنند چنین اقدامی (کمک سرمایه داران بدولت) موجب میشود که نفرت فقیر نسبت بثروتمند زایل گردد؛ زیرا که فقیر میبیند که ثروتمند برقرار کننده صلح و رفاه است و نیز میبیند که ثروتمند بسیاری از دولت را از طریق کمک مالی بر آورده میکند؛ برای آنکه مالیات دهندگان وابسته بوظیفه تحمیل کرده؛ از پرداخت مالیتهای جدید اساس فشار و ناراحتی نکنند؛ باید حساب ما را بطور دقیق به اطلاع آنها رساند تا بدانند که وجوه پرداختی بچه مصارفی رسیده است؛ البته صورت حساب های مخارج دربار و سایر مؤسسات اداری از این قاعده مستثنی خواهد بود!!!

اگر کسی که فرمانروایی میکند؛ هیچ گونه ثروت و اموالی نخواهد داشت؛ زیرا که از سویی مالک همه اموال و اداری دولت است و از سویی دیگر چنانچه ثروتی بیندوزد؛ خود را از دیگران متمایز ساخته است؛ به علاوه مالکیت فردی حاکم؛ موجب اضمحلال و نابودی مالکیت عمومی میگردد؛ البته خویشاوندان فرمانروا از این قاعده مستثنی بوده و میتوانند اموال داشته باشند؛ اما کسانی که از منابع مالی دولت استفاده میکنند باید بصف خدمت گزاران دولت در آیند؛ در غیر این صورت باید صرفاً از طریق کار کسب داشتن قرابت با خانواده سلطنتی نباید باعث حیف و میل در اموال دولت گردد!!!

کسانیکه اقدام بخریدچیزی میکنند ویا ارثی ازبستگان خودمی
برند؛مشمول پرداخت مالیاتی تصاعدی بنام حق ترمیشوند؛
انتقال دارایی خواه بصورت نقدی باشد وخواه غیرنقدی؛بدون
ارائه شواهدی دال بر پرداخت این نوع مالیاتای؛انتقال بطریق
ثبتی صورت میکیرد؛مالک قبلی اموال را بپرداخت مالیات از
لحظه انتقال تا کشف واقعه؛مکلف میکنند سند انتقال اموال که
نام؛نام خانوادگی ومحل سکونت مالک قدیم وجدید درآن مندرج
است؛هر هفته باید به اداره خزانه داری محل ارائه گردد؛اکنون
میتوانید؛تخمین بزنید که چه درآمد سرشاری ازاین گونه مالیات
هارا میتوان ازکشورهای غیریهودی وصول کرد!!!

خزانه دار دولت موظف است که ذخاری مالی ومبلغ مازادبرذخایر
راکه بایدبرای گردش وارد بازارشودتعیین وتنظیم کند؛بکمک
این گونه منابع مالی؛دولتی کارهای عام المنفعه انجام دهدوبدین
سان منافع طبقه کاگربامناف دولت وکسانیکه فرمانروایی میکنند
پیوند میخورند؛به علاوه ازاین وجوه نیزمبالغی برای کارهای
ابداعی تولیدی کنارگذاشته میشود!!!

بهیچ عنوان نباید وجهی مازاد برذخایربرآورده شده موردنیاز
درخزانه دولت راكد بماند؛زیراکه پول بایددرگردش باشدوراك
گذاشتن پول؛ماشین دولت را بوضع اسباری ازکار می اندازد؛
به عبارت دگر؛گردش پول مثابه عاملی است که چرخ های
ماشین دولت را روان میکند وازتوقف آن جلوگیری نماید!!!

استفاده از اوراق بهادار در امور معاوضه و پرداخت؛ موجود موجب رکود گردیده است و نتیجه این اوضاع و احوال؛ امروزه بطور وضوح دیده میشود؛ مؤسسه ای بنام دیوان محاسبات تأسس می کنیمتا فرمانروا میتواند صورت حساب درآمدهای مملکت را به استثنای حساب ماه جاری و ماه قبل از آنکه ب دیوان محاسبات گزارش نشده اند؛ در هر لحظه ای که بخواهد؛ ملاحظه کند!!!

تنها کسیکه علاقه ای بچپاول اموال دولت ندارد؛ مالک آن؛ یعنی فرمانروای دولت است؛ بهمین دلیل نظارت شخصی فرمانروا امکان هرگونه کسری نامعقول ولی را از بین میبرد؛ تشریفات دربار و پذیرفتن اشخاص که موجب تلف شدن وقت گران بهای فرمانروا میشوند؛ حذف خواهد شد تا وی وقت کافی برای نظارت و بررسی امور داشته باشد؛ به علاوه قدرتش میان فرصت طلبانی که بخاطر شکوه و جلالش او را احطه کرده و صرفاً بمنافع خویش فکر میکنند تا منافع دیگران تجریه و تقسیم نخواهد شد!!!

باخارج کردن پول از گردش؛ غیریهودیان را با بحران اقتصادی مواجه نموده ایم؛ به عبارت دیگر؛ سرمایه ها و پول های فراوانی را که متعلق بدولت های غیریهودی است؛ دچار رکورد کردیم؛ مثلاً سرمایه هایی که بابت اینگونه وام ها پرداخت میشود؛ می شود؛ با رمالی این دولت ها را سنگین کرده و در واقع دولت ها برده اینگونه سرمایه ها میشوند؛ تمرکز صنعت در دست عدّه معدودی از صاحبان صنایع؛ شیرۀ جان ملتها را مکنده است!!!

در حال حاضر؛ انتشار پول بطور کلی با نیازهای افراد متناسب نیست و احتیاجات کارگران و کارکنان را جواب گونمی بشد؛ از این رو انتشار پول باید با رشد جمعیت هماهنگ بوده و کودکان نیز از همان لحظه تولد؛ مصرف کننده پول بحساب آیند؛ انتشار پول یک مسئله مالی است که باید در سطح جهان مورد بررسی قرار گیرد!!! همان گونه که آگاهید؛ کشورهای که طلا را به عنوان پشتوانه پولشان پذیرفته اند؛ با نابسامانی هایی مواجه هستند؛ زیرا که نمی توان نیاز روز افزون بیول را ارضاء کند؛ البته ما تا آنجا که توانسته ایم طلا را از گردش خارج ساخته و آن را بسود خود برداشتیم!!! ما معتقدیم که بها و ارزش کار آدمی باید به عنوان پشتوانه پول پذیرفته شود خواه این ارزش بصورت کاغذ عرضه گردد؛ و خواه بصورت چوب؛ برای آنکه انتشار اسکناس را بانایزهای طبیعی افرده ماهنگ سازیم؛ باید شمار افراد مولد شده را بجمعیت افزوده و میزان و میرا از کل جمعیت کم کنیم؛ هر اداره ای حساب های خاص خود را تنظیم میکند؛ برای آنکه تأخیری در پرداخت پول های مورد نیاز دولت رخ ندهد؛ مبلغ زمان پرداخت پولها طبق دستور فرمانروا مشخص خواهد شد؛ این کار باعث میشود که وزارتخانه بامؤسسه ای بمؤسسات دیگر خسارات مالی وارد نکند بودجه درآمدها و هزینه ها بگونه ای در کنار هم تنظیم و عرضه میگردد که هیچ گونه ابهامی در این مورد وجود نداشته باشد!!!

دیگرگونی هایی که ما در مؤسسات غیریهودیان ایجاد میکنیم؛ بگونه ای خواهد بود که کسی متوجه خطر نمیشود؛ ما بدولت های غیریهودی خاطر نشان میکنیم که دولت های آنها بدلیل بی نظمی و ابهام در امور مالی؛ احتیاج بتحولانی در این زمینه دارند نخستین بینظمی و نابسامانی ای را که ما به آنها یادآور میشویم؛ تنظیم بودجه های آنهاست که سال بسال اقدام بتنظیم آن میکند؛ البته آنها نخست بوجه شش ماه اول سال را تنظیم میکنند؛ سپس هزینه هایی سه ماه بعد را برآورده مینمایند و سرانجام بیک بودجه نیاز پیدا میکنند؛ سال بعد که اقدام بتنظیم بودجه میکنند آنها پنجاه درصد بودجه سال قبل افزایش مینماید و بدین سان بودجه آنها سال بسال اضافه میشود و دیری نمی یابد که خزان آنها خالی میگردد و بهره دیونشان بطور ناگهانی ترقی میکند و سرانجام دچار ورشکستگی میشود؛ کاملاً آگاهید که مقررات مالی و اقتصادی که ما به غیریهودیان پیشنهاد میکنیم هرگز بوسیله خودمان اجرا نخواهد شد!!!

وام خارجی

مرگونه وامی برای دولت مانوعی ضعف ببار می آورد قرض ها چون شمشیر «داموکلس» بر روی سرفرمانروایان آویزانند؛ این گونه فرمانروایان بجای آنکه برای پرداخت دیون؛ ملیات های موقت از مردم بگیرند؛ دست تکی خود را بسوی بانگ داران ما دراز میکنند وام های خارجی چون زالو بردولت می چسبند و شروع بمکیدن خون میکنند و سرانجام پای دولت را از پای در

درمی آورند پای خود در اثر مکیدن خون فراوان از پیگردولت
 کنده میشوند؛ اما دولت ها اینگونه زالوها را از تن خویش جدا
 نمیکنند؛ یعنی آنکه آن قدر بگرفتن وام ادامه میدهد که سرانجام
 در اثر از دست دادن خون فراوان آنهم بنا بر خواست خود از پای درمیآیند!
 براستی اصل و ماهیت وام؛ بویژه وام خارجی چیست؟! وام خارجی
 مسئله ای است که بدولت مربوط میشود و آن شامل سفته و سند
 است که وام گیرنده متعهد میشود که متناسب با سرمایه (مبلغ وام)
 درصد معینی بوام دهنده بهره بپردازد؛ میزان بهره در طول چهل
 سال؛ دو برابر و در طول شصت سال سه برابر کل سرمایه خواهد
 رسید و آنچه در این میان بصورت پرداخت نشده باقی میماند اصل
 سرمایه است؛ اینگونه محاسبات نشان میدهند که دولت با وضع
 مالیات های گوناگون پولهای مردم فقیر را بمنظور تسویه حساب
 با سرمایه داران خارجی تلمبار کرده و بجای اینگونه پولها را در
 جهت رفع نیاز مندیهای خود مصرف کند؛ بابت بهره وامهای خارجی
 هر چه میدهد تا زمانی که وامهای داخلی رایج بودند؛ غیر یهودیان
 فقط پول فقرا را بجیب ثروتمندان می ریختند؛ اما از وقتیکه ما وامهای
 خارجی را مرسوم ساخیم؛ ثروت ملت ها بسوی صندوقهای پول
 مان سر از برگشت و غیر یهودیان شروع بپرداخت باج بیا کردند!!!

سطحی فکر کردن فرمانروایان غیریهودی در زمینه مسائل مالی رشوه گیری وزیران و آشنا نبودن مقامات مسئول بامسائل مالی موجب گردیده اند که ممالک غیریهودی زیرا که بار بودن دیون ما که پرداخت آنها بسادگی مقدور نیست؛ بروند!!!

ما پولهای مان را راكد نمیگذاریم و نیز اوراق قرضه منتشر نمیکنیم مگر اوراقی که بهره آنها یک درصد باشد؛ همچنین وام بهره دار نمیگیریم و بر با خواران اجازه نمیدهیم که چون زالوخون دولت را بکنند؛ ضمناً اجازه انتشار و استفاده از اوراق را منحصرأً به کمانیهای صنعتی مبدعیم زیرا که اینگونه کمپانیها از سود سرشاری که عایدشان میشود بهره خرید اینگونه اوراق را بودن آنکه فشار احساس کنند؛ میتوانند بپردازند؛ ولی به عکس کمپانیها و دولت پولی ایی را که به عنوان قرض میگیرند؛ بجای معامله کردن و سود بردن آنها را بلا فافصه خرج میمند!!!

بجای آنکه دولت از مؤسسات صنعتی وام بگیرد و بهره وام را بپردازد؛ منفعت اینگونه مؤسسات را بصورت وام دریافت میناید و از راكد ماندن پول و سود جویی نامطلوب میکند!!!

غیریهودیان بی آنکه بیندیشند؛ از ما وام میگیرند و به این ترتیب علاوه بر سرمایه؛ مبلغی هم به عنوان بهره وام ها پرداخت می کنند؛ این عمل؛ عقب مندی ذهن و کوتاهی فکر آناه را بوضوح نشان میدهد؛ چه راهی ساده تراز این وجود دارد که آنها پول مورد نیاز دولت را زملت بگیرند!؟

یکی از نشانه های ذکاوت و هوش قوم برگزیده ما این است که مسئله و ام مارا بنحوی به غیریهودیان عرضه کرده ایم که آنها فکر میکنند و ام گرفتن امتیازات فروانی برایشان در بردارد!!! هنگامیکه زمان موعود فرا رسید؛ سبستم حسابداری مان را عرضه میکنیم تا هرکسی بتواند در یک نگاه کوتاه؛ وضع دقت و ابداعات مان را در زمینه حسابداری ملاحظه کند؛ البته اینگونه پیشرفت ها معلول تجربیاتی است که ما روی دولت های غیر یهودی به عمل می آورده ایم؛ اما هنگامیکه شاهنشاهی مان آغاز گشت به آن دسته از سوء استفاده هایی که در زمان تسلط مان بر غیر یهودیان رایج بوده؛ خاتمه میدهیم!!!

سبستم حسابداری مان را بگونه ای تحت کنترل و نظارت قرار میدهیم که از فروانروا گرفته تا خدمت گزار حوزه؛ هیچ کدام نتواند پس از اینکه برنامه کارها مشخص شد؛ در نحوه کمترین وجه از وجوه دولت؛ تغییری ایجاد کنند؛ همان گونه که گام نهادن بدون توشه در راهی نامعلوم؛ قهرمانان و نیمه خدایان را با شکست مواجه میکند؛ حکومت کردن نیز بدون داشتن برنامه ای مشخص غیر ممکن است! هنگامیکه فروانروایان غیر یهودی از مامشورت میخوانند برنامه هایی برایشان طرح میکنیم که بیشتر

وقتشان صرف تشرفات درباری؛ پذیرفتن نمایندگان و سرگرمی
ها بشود و از اداره امور بازمانند؛ بودجه های تشریفات درباری
را عوامل مان برایشان تنظیم میکنند و به امد اینگونه در آینده
وضع اقتصادیشان بهتر خواهد شد؛ آنها را راضی نگه میداریم . . .
چگونه اقتصادشان بهتر خواهد شد؟! از طریق مالیات های جدید؟!
این سوءعالات برای آنها مطرح خواهد بود؛ ولی اگر کسی هاو
پرژه های ما را بخواند نیازی بسؤال کردن نخواهند داشت!!!
شما اینک میدانید که چگونه بیدقت بارآمده اند و چگونه نابسامانی
های مالی شان به اوج خود ریسده است و نیز چگونه صنعت
شان دوام نخواهد آورد!!!

پروتکل شماره ۲۱

می خواهم به آنچه در آخرین جلسه بشما گزارش کردم؛ تفسیر مفصلی پیرامون وام های داخلی اضافه کنم؛ در باره وام های خارجی چیزی نمیگویم؛ زیرا که دولت ما به علت تغذیه و استفاده از پولهای کشورهای غیریهودی؛ احتیاجی بوام خارجی ندارد!!! پول های مازاد بر احتیاج مان را بکشور غیر یهودی وام میدهیم و با استفاده از رشوه خواری مدیران و اهمال و ندانم کاری فرمانتر و ایان اینگونه هماهنگ؛ دوتاسه برابر پول هایمان را پس میگیریم؛ آیا کسی میتواند در حق ما چنین کند؟! از آنجا که ما وام خارجی نمی گیریم؛ بنابراین من فقط بذکر جریات وام های داخلی میپردازیم!!! دولت های غیریهودی اعلام میکند که مردم میتوانند از طریق خرید اوراق قرضه بدولت وام بدهند؛ قیمت اینگونه اوراق هم در حدی خواهد بود که همه قدرت خرید آنها را داشته باشند؛ بکسانیکه روزهای اول برای خرید اقدام کند؛ تخفیف های داده میشوند؛ اما روزهای بعد قیمت ها بطور مصنوعی بالا میرود و دلیل بالا رفتن قیمت ها؛ تقاضا و هجوم بیش از حد مردم اعلام میگردد؛ پس از چند

روز دولت ها اعلام میکنند که خزانه مملو از پول است و تقضا برای خرید اوراق نیاز است؛ سرانجام دولت ها ب مردم میگویند: که بسفته هایی که از دولت خود دارند؛ باید اعتماد کرد و رمز تمام قضایا در همین نکته آخرنهفته است!!!

هنگامیکه به اصطلاح جرای نمایش کمی پایان یافت؛ دولت ها در برابر وام های که روز بروز بار آنها سنگین تر میشود؛ قرار می گیرند و ناگزیر میگردند که برای پرداخت بهره اینگونه وام ها جدیدی دست و پا کنند؛ اما وام های جدید تنها صرف پرداخت وام های قدیم نمیشود؛ بلکه به اصل وام های قبلی اضافه میگردد؛ به علاوه وقتیکه اعتبارات موجود مصرف شد؛ دولت ها ناگزیر می شوند که از طریق وضع مالیات های جدید؛ اقدام بپرداخت وام ها کنند؛ در واقع اینگونه مالیات ها وامی هستند که وام دیگری بآن پرداخت میشود!!!

پس ارمندی بدارندگان اوراق قرضه اعلام میشود؛ در صورتی که حاضر شوند بهره اوراق خریدار شده را کاهش دهند؛ میتوانند اوراق شان را تبدیل کنند؛ البته این کار بدون رضایت وام دهندگان پذیر نیست؛ از این رو؛ دولت به آنان پیشنهاد میکند؛ در صورت داشتن تمایل به اینکار میتوانند پول های خود را دریافت کنند؛ حال اگر همه پس گرفتن پول های خود مراجعه کنند؛ دولت گرفتار و در مانده خواهد شد؛ و قادر بپرداخت مبالغ پیشنهاد شده نخواهد گردید!!!

خوش بختانه دولت مردان غیر یهودی؛ چیزی درباره مسائل مالی نمیدانند و در معوضه و مبادله سهل گیرند و به امید سرمایه گذاری های جدید از بهره هایشان چشم پوشی میکنند!!!

غیر یهودیان که امروزها ما و ام خارجی میگیرند؛ نمیتوانند این گونه حيله هارا عليه ما بکار ببرند؛ زیرا که میدانند که اگر بخواند در این مورد اقدام کنند ما پول های مان را پس میگیریم!!!

وقتی که بین منافع مردم و حکام ممالک؛ اشتراک؛ و رابطه ای وجود نداشته باشد؛ و رشکسگتی اینگونه دولت ها اجتناب ناپذیر است!

از شما خواهش میکنم که به این نکته دقیقاً توجه کنید؛ امروزه تمام قرض های داخلی؛ قرض هایی هستند که موعد پرداخت آنها کم و پیش نزدیک است و معمولاً این گونه و ام هارا ب قسمت پس انداز باک ها ذخیره پولی واریز میکنند حال اگر این پول ها برای مدتی طولانی در اختیار دولت باشد؛ دولت میتواند با آنها بهره و ام های خارجی را پرداخت کند و از سنگینی بار آنها بکاهد این اقدام بسیاری از به اصطلاح چکه های خزانه داری دولت های غیر یهودی را میبندد!!!

هنگامیکه بفرمانروایی جهان رسیدیم؛ تمام اینگونه مقرراتی را که با منافع ما هماهنگ نباشد؛ از پیش پای خویش برنیداریم و تراشه ها و بقای آنها را پاک میکنیم؛ حتی بازار سهام و بورس بازی را از

بین می بریم و اجازه نمیدهیم که نوسان قیمت ها و ارزش های متغیری که روی کالا گذشته میشوند؛ بشان و جایگاه قدرت مان لطمه ای وارد کنند؛ طبق قانون؛ بهای هر چیزی را طوری تعیین میکنیم که نشان دهنده واقعی قیمت تمام شده آن چیز باشد و قیمت کالا بالا و پایین نرود!!!

بجای بازار سهام و بورس؛ مؤسسات اعتباری وابسته بدولت تأسس میکنیم؛ هدف اینگونه مؤسسات آن است که قیمت کالاهای صنعتی را مطابق باخواست و نظر دولت تثبیت کنند؛ شما میتواند تصور کنید که چه قدرت عظیمی را میتوانیم به این وسیله برای خود کسب کنیم!!!

پروتکل شماره ۲۲

در خلال گزارش های که بشماداده ایم؛ کوشش کرده ایم که با دقت اسرار وقایع گذشته؛ آینده؛ وقایع کنونی که مروند تابجریان های بزرگ تاریخ ملحق شوند و همچنین اسرار روابط مان را با غیر یهودیان و نیز عملکرد میائل مالی را برایتان ترسیم کنم؛ ضمناً مبحث کوتاهی را که باقی مانده است؛ اضافه مینمایم؛ ما بزرگ ترین قدرت عصر؛ یعنی طلا را در اختیار داریم و در طول دوروز میتوانیم هر اندازه که بخواهیم؛ از انبارهای مان طلا خارج کنیم!!! مطمئناً احتیاجی نیست که بیش از این استدلال کنیم که خداوند مقدر کرده است تا برجہانیان فروانروا باشیم مطمئناً احتیاجی نیست که ثابت کنیم تمام بدی هایی را که مرتکب شده ایم همگی وسلیه های بوده اند تا از آنها برای رسیدن به هدف های مان که همانا رفاه واقعی و برقراری نظم است؛ کمک بگیریم؛ ثابت خواهیم کرد که مددکارانی هستیم که آرامش را بزمنی که متلاشی شده است؛ برمیگردانیم و آن را بمحل صلح و آرامش مبدل میکنیم!!!

همچنین آزادی و خوشبختی انسانها را به آنان بازگردانیم بشرط آنکه قوانینی را که وضع کرده ایم؛ دقیقاً رعایت کنند؛ یادآور می دهیم که آزادی؛ فرد بهیچ وجه در ایراد سخنانی بمنظور تحریک توده های لجام کسیخته نیست؛ بلکه آزادی یعنی پرهیز از خشونت و اطاعت دقیق از قوانین زندگی!!!

قدرت شکوهمند ما قادر است که حکمت را بدست گیرد و بشر را هدایت کند؛ کار ما سخن سرایی و سر هم کردن کلمات نامفهوم نیست؛ قدرت ما بگونه ای است که هرکسی را و میدارد تا با احترامی توأم با ترس در برابر عطش زانو بزند!!!

تروتکل شماره ۲۳

{در حکومت جهانی خود} برای آنکه مردم به اطاعت کردن عادت کنند؛ باید درس قناعت و به آنان آموخت؛ معنای این سخن آن است که از تولید اشیاء لوکس باید جلوگیری کرد؛ زیرا که بمدد این کار میتوانیم مسائل اخلاقی را که بسبب رقابت در مصرف اشیاء لوکس متزلزل گردیده اند اصلاح کنیم!!!

تأسس کارگاه های تولیدی کوچک که بمعنای کار گذاشتن بمب؛ زیرپای سرمایه های خصوصی است را؛ دوباره از سر بگیریم؛ زیرا صاحبان مؤسسات تولیدی بزرگ اگرچه؛ نهمیشه آگاهانه افکار توده هارا علیه مصالح دولت برمی انگیزند؛ کارفرمایان مؤسسات تولیدی کوچک؛ چیزی درباره بیکاری نمیتوانند و کارگران را با مقررات دولت آشتی داده قدرت دولت ما بشمار میرود؛ البته زمانی که مابقدرت برسیم؛ نقشه های لازم در این زمینه به اجرا درخواهد آمد؛ همچنین شراب خوری را طبق قانون ممنوع اعلام میکنیم؛ کسیکه مشروب میخورد؛ تحت تأثیرالکل حیوانی درند مبدل می گردد؛ از این رو ما این را جنایتی علیه بشر تلقی کرده و شراب خوار را مشمول مجازات قرار مدهیم؛ یک بار دیگر تکرار میکنیم؛ افراد

تحت سلطه؛ از فرد قوی دستی که هیچ گونه وابستگی و اتکایی به آنها ندارد؛ کورکورانه اطاعت میکند؛ زیرا که او را شمشیر دفاع و حامی اجتماع در برابر نابسمانی ها میدانند؛ این افراد از پادشاهی که روحی ملکوتی در بدن دارد؛ چه انتظار دارند؟! جوامعی که ما اخلاقیات را در آنها از بین برده ایم؛ وجود خدا را نفی میکنند و از آنها شعله ایاتش هرج و مرج طلبی (آناشیسیم) بهر سوزبانه میکشد؛ از این رو فرمانروای عظیم السان صحنه اینگونه جوامع را از وجود فرمانروایان کنونی پاک خواهد کرد به علاوه فرمانروا موظف است که اینگونه جوامع را پس از نابودی؛ جان تازه ای ببخشد و خون تازه ای در رگهای آنها بجریان اندازد تا بصورت جوامع منظمی در آیند و چون سربازانی جنگ جو بمبازه با آلودگی هایی که ممکن است پیکر دولت را مجروح نمایند؛ برخیزند کسیکه از جانب خداوند شده است؛ مأموریتی آسمانی دارد تا نیروهای کورو ناآگاهی را که بفرمان غیرزه و امیال و نه بفروان عقل؛ دست اندر کار؛ متلاشی کند؛ این نیروها هم اکنون بصورت چپاول و انواع دیگر خشونت و بزهکاری و نیز زیرماسک اصول آزادی و حقوق بشر؛ تجلی میکنند؛ این نیروها تقریباً همه نوع نظم اجتماعی را بهم زده اند و زمینه را برای استقرار حکومت پادشاه یهود فراهم ساخته اند؛ اما زمانی که پادشاه یهود؛ شاهنشاهی خویش را آغاز کرد؛ نیروهای دیگر نقشی

نخواهد داشت؛ البته لازم است که آنها از سر راه پادشاه برداریم
بقایای آنها را برجای نگذاریم! آنگاه بمردم جهان میگوییم: خداوند
را شکرگزار باشید و در برابرش که سرنوت انسان را رقم میزند
و نیز برابر کسیکه خداوند ستاره بختش را هدایت کرده است؛ زانو
بزنید؛ زیرا که کسی غیر از او نمیتواند ما را از فشارها و بدی ها که
قبلا! از آنها یاد کردیم؛ رهای بخشد!!!

پروتکل شماره ۲۴

تعلیم دادن آیین مان به آخرین ضربه حضرت داوود روی زمین؛
 طلبی است که من اکنون آن را بشما عرضه میکنم:
 کانسروتسیم (۱) که حکمای اندیشمندان را عامل هدایت و پرورش
 فکر تمام بشریت میدانند؛ قبل از هر چیز باید جزء برنامه آموزش باشد!
 گروه معینی از نسل داودشاه و وارثین او را نبر اساس قرابت؛ بلکه
 بر اساس استعداد و توانایی پیاده کردن مسائل اسرار آمیز سیاسی
 در زمینه مملکت داری؛ آماده و انتخاب میکند؛ بشرط آنکه هیچ
 کس جز فرمانروا از اسرار سیاسی سر در نیاورد؛ هدف این روش
 آن است که نمیتوان حکومت را بکسانیکه از مسائل سری آگاه
 نیستند؛ محول کرد؛ به اینگونه افراد (فرمانروایان) یاد داده میشود
 که بر اساس مقایسه تجربیات گذشته؛ مشاهده تحولات سیاسی
 اقتصادی و نیز کمک علام اجتماعی؛ برنامه هایی را که قبلاً ذکر
 کردیم؛ پیاده کنند؛ خلاصه آنکه روح قوانین لایتنگیری که طبیعت
 خودش وضع کرده است تا افراد طبق آنها با هم رابطه برقرار
 کنند؛ بر هبران آموخته میشود!!!

۱- کانسروتسیم (Conservative Judaism) شاخه ای از یهود است که بعضی از قسمت های تورات
 را تغییر داده و تسلیم و اطاعت محص در برابر قدرت رهبران مذهبی (ربی) را خواستار است؛ به علاوه تغییر
 پاره ای از عبادات و مراسم مذهبی را مطابق با نیازهای زمان مجاز میدانند!!!

اگر این فراد هنگام آموزش؛ ضعف؛ نرمش و سایر خصوصیات
 که موجب تزلزل قدرت میشود؛ از خود نشان دهند؛ آنگاه عامل
 وراثت نادیده گرفته میشود و این عامل شرط لام برای جلوس
 بر تخت شاهی بحساب نخواهد آمد؛ زیرا که فردی که دارای صفات
 بالا باشد از عهده اراده مملکت بر نخواهد آمد و پادشاهی اش
 خطرناک خواهد بود؛ کسانی که با قاطعیت عمل کنند؛ حتی اگر بی
 رحم هم باشد؛ حکمای اندیشمند ما زمام فرمانروایی را به آنان
 میسپارند در موادی که شاهان ضیف اراده و یا هر نوع بی کفایتی
 دیگری از خودشان بدهند؛ باید طبق قانون؛ زمام فرمانروایی را
 بدستهای توانای دیگر بسپارند؛ برنامه کارشاه از زمام حاضر تا
 آینده موعود؛ برای همه یوشیده و مکتوم خواهند ماند؛ حتی برای
 کسانی که خود را نزدیک ترین مشاور او میخوانند؛ تنها خودشاه و
 سه تن کفیل وی میانند که در آینده چه وضعی پیش خواهد آمد؛
 شخص شاه؛ اراده خلل ناپذیرش مسلط بر خود دولت است؛ و همان
 گونه که سرنوشتش از دیران متمایز است؛ کسی نمیداند بامنش و
 خلق و خوئی که دارد؛ آرزوی رسیدن بچه هدف های را در سر
 میپروراند و لذا کسی که راهی را نمی شناسد؛ جرأت سد کردن آن
 راه را پیدا نخواهد کرد؛ استنباط ماین است که توتنایی و ظرفیت
 ذهن شاه باید با برنامه های دولت متناسب باشد؛ بهمین دلیل تا
 امتحاناتی را که بوسیله حکمای اندیشمندان از وی به عمل می
 آید؛ نگذارند؛ نمیتواند بر تخت شاهی جلوس کند!!!

برای آنکه مردم شاهشاه را بشناسند و وی را دوست داشته باشند
وی باید در میان و محل هایی که افراد برای مبادله افکار کرد هم
می آیند؛ حضور پیدا کرده با مردم بگفت و گو بپردازد؛ اینکار باعث
وصلت دو نیروی (شاه مردم) میشود که ما اکنون آنها را از طریق
ایجاد رعب و وحشت از هم جدا کردیم!!!

ادامه اینگونه رعب و وحشت تازماتی که هر دو نیرو بطور جدا
گانه زیر سلطه ما در آیند؛ امری اجتناب ناپذیر و ضروری است!!!
پادشاه یهودیان نباید پیر و عواطب و امیالش باشد؛ و نیز باید به
غرایز و عواطب تند و تیز خویش اجازه ندهد که بر علتش غلبه کند؛
زیرا که پیروی از عواطب؛ بدتر از هر چیزی نظم ذهن را از بین میبرد؛
آدمی را بیدقت بار می آورد فکر را بی رحمانه ترین فعالیت ها
و او می دارد!!!

شاه عظیم الشأن؛ حامی و پشتیبان انسان و ذریه مقدس حضرت
داود؛ باید تمام خواست ها و تمایلاتش را فدای مردم کند؛ او باید
نمونه و سمبل بیگناهی باشد!!!

امضاء کنندگان: نمایندگان عالی رتبه یهود

گوشت خوری؛ و خون آشامی یهودیان؛ غیر یهودیان را و اماتوای
پسرانسان خداوند یهوه چنین میفرماید: که بهرجنس مرغان و
وبهمة حیوانات صحراء بگو: جمع شوید؛ و بیایید نزد قربانی من؛
که آن را برای شما ذبح مینمایم فراهم آئید؛ قربانی عظیمی بر کوه
های اسرائیل؛ تا گوشت بخورید؛ و خون بنوشید؛ گوشت جباران

را خواهید خورد و خون رؤسای جهان را خواهید نوشید؛ از قوچها و بزها و گاوها که همه آنها از پرواریهای ایشان میباشد؛ و از قربانی من که برای شما ذبح مینمایم؛ پیه خواهید خورد تا سیر شوید؛ و خون خواهید نوشید تا مست شوید؛ و خداوند یهوه میگوید: که بر سر سفره من از اسبان و سواران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب حزقیال نبی باب سی و نهم آیه از ۱۷ تا ۲۱)

ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون باز دارد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب ارمیاء نبی آیه ۱۱)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾ كَانَهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾
فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾

(قرآن کریم سوره المدثر آیات ۴۹ الی ۵۱)

ترجمه: الله سبحانه علام فرمود: چرا یهودیان از تذکرو نصیحت

قرآن روی گردانیدند؟! مثل اینکه گورخرانی رمیده اند هستند!

که از مقابل شیری درنده فرار کرده اند!!!

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا ﴿٤٣﴾ أَمْ تَحْسَبُ
أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ

سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ (قرآن کریم سوره الفرقان آیات ۴۳ و ۴۴)

ترجمه: الله سبحانه ازلی و ابدی و علام فرمود: آیا آن یهودیان که

هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است دیده ای؟! آیا تو

میتوانی وکیل و ضامن او باشی؟! یا گمان داری که بیشتر ایشان

میشنوند؟! یامی اندیشند؟! آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه از

چهارپایان گمراه تر هستند!!!

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصِلَهَا قَالَ أَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ (از قرآن کریم سورة البقرة آیه ۶۱)

ترجمه: الله سبحان علام بنی اسرائیل فرمود: وقتیکه شما گفتید: ای موسی هرگز بريك نوع خوراك تاب نیاوریم از الله خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می رویاند از قبیل سبزی وخیار و سیرو عدس و پیاز برای ما برویاند موسی گفت: آیا بجای چیز بهتر خواهان چیز پست ترید؛ پس بشهر فرود آید که آنچه را خواسته اید برای شما در در آنجامه است؛ و داغ خواری و ناداری بر پیشانی آنان زده شد و بخشم الله گرفتار شدند چرا که آنان به آیات های الله کفر ورزیده بودند و پیام آوران را بناحق می کشتند این از آن روی بود که سرکشی نموده و از حد در گذرانیده بودند!!!

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُثْقِفُوا الْأَبْحَلُ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٌ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١١٢﴾ (از قرآن کریم از سورة آل عمران آیه ۱۱۲)

ترجمه: الله سبحان احدیهودیان فرمود: هر کجا یافته شوند بخواری دچار خواهند شد مگر آنکه پناه امان الله؛ و زینهار مردم میروند و

بخش می از الله گرفتار شدند؛ و بی مهر بینوایی بر آنان زده شد؛ این بدان سبب بود که به آیات الله کفر می ورزیدند؛ و پیام آوران الله را بناحق میکشند؛ و نیز این عذاب بسزای آن بود؛ الله را نافرمانی کردند و از اندازه در می گذرانیدند!!!

فهرست

۵	پروتکل های حکمای یهود
۷	مقدمه
۱۸	دیانت یهود
۳۶	پروتکل شماره ۱
۴۲	پروتکل شماره ۲
۴۹	پروتکل شماره ۳
۵۷	پروتکل شماره ۴
۶۰	پروتکل شماره ۵
۶۶	پروتکل شماره ۶
۶۹	پروتکل شماره ۷
۷۱	پروتکل شماره ۸
۷۳	پروتکل شماره ۹
۷۸	پروتکل شماره ۱۰
۸۶	پروتکل شماره ۱۱
۸۹	پروتکل شماره ۱۲
۹۷	پروتکل شماره ۱۳

۱۰۰	پروتکل شماره ۱۴
۱۰۳	پروتکل شماره ۱۵
۱۱۴	تروتکل شماره ۱۶
۱۱۷	پروتکل شماره ۱۷
۱۲۲	پروتکل شماره ۱۸
۱۲۵	پروتکل شماره ۱۹
۱۲۷	پروتکل شماره ۲۰
۱۳۷	پروتکل شماره ۲۱
۱۴۱	پروتکل شماره ۲۲
۱۴۳	پروتکل شماره ۲۳
۱۴۶	پروتکل شماره ۲۴
۱۴۹	یهود یان انیاء ورسولان عندا کشتندوبقتل رساندند
۱۵۰	یهود دردنیاهمشیه خوارودلیل خواهدبود